
بسم الله الرحمن الرحيم

فسپا

شناسنامه

عنوان :	**انقلاب اسلامی ایران**
مؤلف:	**سیدمحمد حسن علم الهدی**
ناشر:	**هویزه**
شمارگان:	**۱۰۰۰ نسخه**
نوبت چاپ:	**اول / ۱۳۹۹**
چاپخانه:	**الهادی - قم**
قیمت:	**۲۰/۰۰۰ تومان**
شابک:	**۹۷۸-۹۶۴-۶۴۷۴۸۱-۹**

قم	خیابان مصـــلای قدس	بین ک ۴و۶	پـــلاک ۶۸۲
تلفکـــس: ۳۲۹۲۶۱۷۵ ۰۲۵	تلفـــــن: ۳۲۹۳۹۱۴۰ ۰۲۵
www.maroof.org	Email :nashremaroof@gmail.com

انقلاب اسلامی ایران

(آغاز تا تمدن اسلامی)

دکتر سید محمد حسن علم الهدی
عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

فهرست مطالب

سخن آغازین ۷

فصل اول : کلیات

۱. ضرورت‌های درس انقلاب اسلامی ۹
۲. مفهوم انقلاب ۱۳
الف) رفرم یا حرکت اصلاحی ۱۴
ب)کودتا ۱۴
ج) نهضت استقلال‌طلبانه ۱۴
د) نهضت جدایی‌خواهانه ۱۴
ه) شورش ۱۵
۳. ویژگی مشترک انقلاب‌ها ۱۵
٤. ویژگی‌های متفاوت انقلاب‌ها ۱۶
٥ . انقلاب‌های رنگین ۱۸
٦ . دانشجوی انقلابی ۱۹
۷. خدمات متقابل دانشگاه و انقلاب ۲۰
۸ . خدمات متقابل انقلاب، اسلام و ایران ۲۲
انقلاب و اسلام ۲۲
الف) انقلاب و ایران ۲۵
ب) اسلام و انقلاب ۲۸
ج) ایران و انقلاب اسلامی ۲۹

فصل دوم: پیشینه انقلاب

الف- اندیشه قرآنی ۳۱
سنت پیامبر در حکومت ۳۸
ب- دو قرن قبل از انقلاب اسلامی ۴۰

فصل سوم: ارکان انقلاب: مردم، رهبری و مکتب انقلاب

۱. حضور گسترده مردمی ۴۵
مسجد، کانون مبارزات ۵۰
۲. رهبری انقلاب اسلامی ۵۳
۳. مکتب انقلاب ۵۹
ملی‌گرایی ۵۹
کمونیسم ۶۱
اسلام ۶۲

فصل چهارم: عوامل شتاب‌زا تا وقوع انقلاب اسلامی

۱. عوامل شتاب‌زا ۶۹
حقوق بشر کارتر ۷۰
بیماری سرطان در شاه ۷۰
مدرن‌سازی کشور ۷۱
مقاله توهین آمیزبه امام ۷۲
۲. وقوع انقلاب اسلامی ۷۵
الف) مبارزین با رژیم شاه ۷۵
ب) مبارزات امام خمینی ۷۷
دوره اول، از خرداد ۱۳۴۲ تا تبعید (آغاز رهبری امام خمینی) ۷۸
دوره دوم، تدریس در نجف ، کادر سازی و نظریه‌پردازی ۸۱
ولایت فقیه ۸۲
دوره سوم، هدایت کشتی انقلاب (فرماندهی انقلاب) ۸۳
دوره چهارم، برپایی نظام مردم سالار دینی (معمار انقلاب) ۸۵

فصل پنجم: شرایط بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

۱. مدیریت سیاسی کشور ۹۱
شورای انقلاب پس از پیروزی ۹۲
۲. مقابله با دشمنان انقلاب اسلامی (مدیریت بحران‌ها) ۹۶
ترور ۹۶
سازمان مجاهدین خلق (منافقین) ۹۷
سازمان پیکار ۹۸
آشوب‌های قومی ۹۸

کودتاهای نظامی ۱۰۰
تهاجم‌های نظامی ۱۰۰
تهاجم نظامی آمریکا ۱۰۱
تهاجم نظامی صدام ۱۰۱
تهاجم نظامی منافقین (عملیات مرصاد) ۱۰۴
فتنه‌های داخلی ۱۰۵
فتنه قائم مقام رهبری ۱۰۵

فصل ششم: رحلت امام خمینی و انتخاب رهبری انقلاب

حوادث تلخ و شیرین سی سال اخیر ۱۱۰
فروپاشی شوروی ۱۱۲
فتنه کوی دانشگاه ۱۱۳
حادثه ۱۱ سپتامبر ۱۱۴
طرح خاورمیانه بزرگ ۱۱۵
فتنه انتخابات ۸۸ ..... ۱۱۸
مذاکرات هسته‌ای تا برجام ۱۱۹
بیداری اسلامی ۱۲۵
گروه تروریستی داعش ۱۲۷
از تحریم تا اقتصاد مقاومتی ۱۳۰
بایدهای اقتصاد مقاومتی ۱۳۴
ترور سردار سلیمانی ۱۳۵
جمع‌بندی ۱۳۶

فصل هفتم: آینده انقلاب

الف- آسیب‌های انقلاب اسلامی ۱۳۹
ب- افق آینده تا تمدن اسلامی ۱۴۱
تمدن اسلامی ۱۴۳

ضمیمه کتاب انقلاب

نامهٔ امام خمینی به گورباچف (آخرین رئیس جمهور ایالات متحده شوروی) ۱۴۶
نامهٔ حضرت آیت الله خامنه ای به جوانان آمریکا و اروپا ۱۵۱
جدول (مروری سریع بر بیانیه گام دوم انقلاب) ۱۵۴
منابع ۱۵۹

سخن آغازین

به نام آنکه جان را فکرت آموخت　　چراغ دل به نور جان برافروخت

مردم بیداردل ایران، پس از قرن‌ها تحمل رنج استبداد داخلی و استعمار خارجی، ناگهان رهبر معنوی خویش، امام خمینی را یافتند؛ با اشـاره خدایـی او قیام کردند و همه معیارهای مادی را در هم شکسـته، با توکل بر خدای متعال با ظلم به مبارزه برخاسـتند و با نصرت‌های غیبی، پیروزی را در آغوش گرفتند.

دو ابرقدرت شـرق و غرب، ناتوان از هرگونه تحلیل منطقی، برای مبارزه با این حرکتی که برپایه‌های معنوی استوار بود، نقشه‌ها و توطئه‌ها رقم زدند؛ اما در عمل، تنها چهره پنهان خود را آشکارتر ساختند و همین سبب شد، ابرقدرت شرق، ده سال پس از انقلاب اسلامی، دچار فروپاشی شود و ابرقدرت غرب نیز سی سال پس از او، دچار لرزش‌های بنیان‌برافکن گردد.

سختی‌های زیادی را پشت سر گذاشته‌ایم و با توکل بر خدای حکیم، باید بقیه مسیر عزت را ادامه دهیم و پس از تشـکیل جمهوری اسـلامی، در مسیر تمدن نوین، گام برداریم و زمینه را برای ظهور موعود عدالت‌گستر، فراهم آوریم.

ابتدای سـال ۱۳۹۹ با آزمون سخت بیماری کرونا مواجه شـدیم و با استمداد از روح مطهر شهیدان، به رحمت الهی و سلامت و سعادت همگان امیدوار هستیم.

«کتاب انقلاب اسلامی»، تلاشی کوچک برای آشنایی با پدیده‌ای بزرگ است و امید است اساتید و دانشجویان گرامی، با نگاه پژوهشی و سازنده خود کاستی‌ها را جبران کنند.

این کتاب با توجه به پرسش‌های دانشجویی تنظیم شده و پس از مفهوم انقلاب به خدمات متقابل دانشگاه و انقلاب و نیز خدمات انقلاب، اسلام و ایران پرداخته است. از آن‌جا که محرک انقلاب اسلامی، عقاید قرآنی رهبری و مردم بوده، بحثی درباره مسائل اجتماعی قرآن مطرح شده است. در ادامه، نگاهی گذرا به دویست سال قبل انداخته، با ارکان سه‌گانه انقلاب، یعنی مردم، رهبر و مکتب آشنا می‌شویم. پس از عوامل شتاب‌زای انقلاب، به وقوع این حادثه مهم و سپس به سازندگی بعد از انقلاب از یک سو و مدیریت بحران‌ها از سوی دیگر پرداخته‌ایم.

آغاز رهبری آیت الله خامنه‌ای مصادف با حوادث مهم جهانی و حل مشکلات پیش رو می‌باشد که مسائل مهم به اختصار تبیین شده و در آخرین فصل کتاب، بحث آسیب‌شناسی و افق آینده انقلاب مطرح گردیده است.

به همراه مباحث کتاب، نمایش فیلم‌هایی برای دانشجویان گرامی پیشنهاد می‌شود که در پاورقی هر بحث یادآوری شده است.

واضح است که بررسی دقیق هریک از مباحث مطرح‌شده نیازمند تدوین کتاب‌های متعدد است؛ اما برای دو واحد درسی چاره‌ای جز خلاصه‌گویی نیست.

امید است این کتاب با مدیریت اساتید محترم، در ارائه بینش سیاسی-اجتماعی دانشجویان عزیز مؤثر واقع شود.

فصل اول : کلیات

۱. ضرورت‌های درس انقلاب اسلامی

با گذشت چهل و اندی سال از انقلاب اسلامی، ذهن پرسشگر نسلی که شور و هیجان انقلاب را ندیده، با پرسش‌هایی مواجه می‌شود: چرا مردم ایران، قیام کردند؟ جاذبه رهبر انقلاب چه بود که توانست میلیون‌ها انسان را به صحنه آورد؟ چگونه رژیمی با سابقه تاریخی و حمایت قدرت‌های بزرگ دنیا، درهم شکسته شد؟ آیا مردمی که قیام کردند و شهید دادند، به اهداف خود رسیدند؟ پاسخ به پرسش‌هایی از این قبیل، نیازمند مطالعه فراوان است؛ اما درس انقلاب اسلامی فرصتی است برای بحث آزاد درباره مسائل مطرح‌شده و مانند آن.

اکنون در خرداد ۹۹، شاهد قتل مظلومانه جورج فلوید با فشار زانوی پلیس آمریکا هستیم که نشان از رفتار چند صد ساله غرب با ملت‌های منطقه است؛ اما در ایران رهبری خردمند و ملتی شجاع، قیام کرده، زانوی ستم را از گردن مردم ایران برداشتند و همین روحیه انقلابی، پس از نابودی استبداد داخلی و استعمار خارجی در تلاش برای ساختن کشور است.

موارد دیگر ضرورت آشنایی با انقلاب اسلامی را پی می‌گیریم:

الف- مردم قهرمان ایران در مبارزه سخت با استعمار خارجی و استبداد داخلی و با فداکاری و تقدیم صد هزار شهید سرافراز، انقلاب اسلامی را به عنوان امانتی ارزشمند، به ما

سـپرده است؛ برای پاسـداری از این امانت، لازم است فراز و فرود ادامه‌ی این حرکت آگاهانه را بدانیم. باید بدانیم اکنون کجا هستیم، به کجا باید برسیم و چگونه می‌توانیم این راه را طی کنیم.

ب- «دانشجو باید درک و تحلیل سیاسی داشته باشد.» مسائل سیاسی، همان پدیده‌های روزمره اجتماعی است که با آن سروکار داریم و باید آن را با ابزار دانش، بشناسیم.

بخش کوچکی از زندگی ما مسائل فردی است که هر کس نوعی پوشاک و خوراک دوست دارد؛ امـا بخـش غالب زندگـی ما مسـائل کلان اجتماعی اسـت؛ مانند مسـائل اقتصادی، فرهنگی و بهداشـتی و از جمله تعیین مسـئولان کشـور از رهبر و رئیس جمهـور تا نمایندگان مجلس و شورای شهر، لازم است در این موضوعات نیز با بصیرت دست به گزینش بزنیم.

ج- انسان، موجودی اجتماعی است و باید در اجتماع زندگی کند. اجتماع سالم، نیازمند قانون اسـت و قانون بدون پشـتوانه دولت بی‌اثر اسـت؛ بنابراین در هر جامعه تشکیل دولت، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر اسـت. تشکیل دولت در ایران با انتخاب مردم انجام می‌شود و درس انقلاب اسلامی در زمینه بصیرت‌افزایی، ایفای نقش می‌کند.

د- گویند هر چیز را با ضدش می‌توان شناخت (تعرف الاشیاء باضدادها)؛ به همین سبب آبزیان، که همواره در آب زندگی می‌کنند، آب را نمی‌شناسند. عظمت انقلاب اسلامی، آن‌گاه شناخته می‌شود که ستم دوهزار و پانصد ساله و ظلم چندین لایه‌ی دنیای سلطه را بشناسیم. آنـان که در دو جنگ جهانی، ده‌ها میلیون بی‌گناه را به خاک و خون کشـیدند، هفتاد سـال است با فلسطین قرارداد صلح امضا می‌کنند و در همان حال به ظلم و جنایت ادامه می‌دهند و سازمان‌های حقوق بشر را برای حمایت از طرح‌های خود ایجاد کرده و به زر، زور و تزویر مجهز شده‌اند. انقلاب اسلامی با این دشمن به‌ظاهر قدرتمند، به نبرد ایستاده است.

ه- عدالت‌خواهـی و مبارزه با ظلم علاوه بر این‌که در فطرت ماسـت، دسـتور دین اسـلام است و هر مسلمان چنان که نماز را یک تعهد دینی می‌شمارد، حمایت از صالحان را نیز یک وظیفه دینی می‌داند، بلکه به بیان امام خمینی، حفظ نظام، از نماز بالاتر است. درس انقلاب

اسلامی، به ما کمک می‌کند حق و باطل و جلوه‌های آن‌ها را بشناسیم؛ زیرا همواره استکبار و ظلم، خود را در لباس حق نشان می‌دهد و تنها با معیارهای عقلانی و بصیرت سیاسی می‌توان حق و باطل را از یکدیگر تشخیص داد و این درس، به ما می‌آموزد چگونه یکدیگر را به حق‌مداری سفارش و به پایداری در این مسیر کمک کنیم . (تواصوبالحق و تواصوبالصبر). (عصر: ۳ و ۴)

و- کشور عزیز ما در دو قرن گذشته به واسطه دست پلید استعمار و غفلت و زبونی شاهان، دچار رنج‌ها و عقب‌ماندگی‌ها شده و دانشجوی انقلابی امروز و آینده‌ساز فردا، باید این ضعف‌ها را جبران کند و ایران را سرافراز و قدرتمند سازد. درس انقلاب اسلامی، با یادآوری گذشته تلخ، برای آینده روشن، نوید می‌دهد و همگان را به تلاش بیشتر برای زندگی خود و آیندگان تشویق می‌کند.

ز- نظام سلطه و استعمارگران دیروز و مدعیان امروز، منافع خود را در خطر می‌بینند و در یک صف به دشمنی با انقلاب اسلامی و اجرای نقشه‌ها و ترفندهای گوناگون اقدام می‌کنند؛ از سوی دیگر، ما تجربه امدادهای الهی در پیروزی بر رژیم شاه و صدام و دیگر موانع را در تاریخچه انقلابمان داریم. قلب ملت‌های مظلوم و رنج‌دیده دنیا با انقلاب اسلامی می‌تپد و از آن حمایت می‌کنند و قطعاً آینده با پیروان حق خواهد بود. امام علی علیه‌السلام درخطبه ۵۸ پیروزی های زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را چنین توصیف فرمود : آن گاه که خدا ، صداقت ما را دید ، ذلت را بردشمنان ما نازل و پیروزی را بر ما عنایت فرمود . پیروزی بردشمن ، مجاهدت خالصانه می خواهد و هیچ گنجی بدون رنج حاصل نمی شود . اما چشم امید به نصرت الهی ، اراده و عزم ما را راسخ می کند .

ح- بیان موفقیت‌های انقلاب، به معنای نادیده انگاشتن مشکلات نیست. راه حل خردمندانه، برخورد منصفانه است. مشکلاتی که ناشی از غفلت‌های داخلی و دشمنی‌های خارجی است یک روی سکه است و ظرفیت‌های نهفته و تلاش‌های انجام‌شده نیز روی دیگر سکه. ملت ایران با دست خالی، رژیم مسلح شاه را سرنگون و با کمترین سلاح، جنگ

تحمیلی را تمام کرد. اکنون ساختن کشور نیز با همان روحیه، قابل دسترس خواهد بود. اگر مانند روزهای انقلاب و جنگ با توکل به خدا حرکت کنیم، قطعاً الطاف الهی را خواهیم دید. تجربه چهل‌ساله می‌آموزد هزینه مقاومت به‌مراتب کمتر از تسلیم و پذیرش ذلت است و کوتاهی در برابر استعمار فقط به پیش روی آنان می‌انجامد و ما را به عقب بازمی‌گرداند. حفظ انقلاب مهم‌تر از ایجاد آن است و به گفته دکتر شریعتی انقلاب کردن مهم نیست، انقلابی ماندن مهم است.

دانشجوی انقلابی امروز باید آینده عزتمند کشور را بسازد، پیمودن این راه به فرموده امام علی علیه‌السلام، به بصیرت و پایداری نیاز دارد:

لا یحمل هذاالعلم الا اهل الصبر و البصیره؛ پرچم عزت و پیروزی را تنها صاحبان بصیرت و مقاومت می‌توانند به پایان برسانند.

ط- نبرد روانی نظام سلطه با انقلاب اسلامی، همواره دستور کار بوده است؛ تهمت زدن، جنگ روانی، بزرگ‌نمایی مشکلات، کوچک‌نمایی موفقیت، سیاه‌نمایی، ایران‌هراسی و ایجاد ناامیدی و مانند آن. این شیوه، در مبارزات فرعون‌ها و مشرکان در مقابله با پیامبران الهی سابقه تاریخی داشته است.

در راستای جنگ روانی گویند امام راحل گفته است:

ما انقلاب کردیم که آب و برق مجانی شود.

در حالی که امام خمینی پس از پیروزی انقلاب از نقش فقرا در انقلاب تجلیل می‌کند و می‌گوید:

برای مجانی کردن آب و برق برای فقرا و افراد بی‌بضاعت، به دولت سفارش نمودم.[۱]

در دنیای ارتباطات امروز، شناخت جنگ روانی دشمن و خنثی‌سازی آن، بیداری و هوشیاری دوچندان می‌طلبد و در این میدان دانشجویان انقلابی، آگاه و پیشتاز هستند.

---

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۶، ۶ اسفند ۱۳۵۷

۲. مفهوم انقلاب

انقلاب از نظر لغوی معادل واژه «ثوره» ولاتین Revolation به معانی زیر آمده است: دگرگون شدن، تغییر و تحول و در قرآن کریم هم به معنای زیرورو شدن آمده است. (آل عمران: ۱۴۴)

از نظر جامعه‌شناسی، انقلاب به معنای تغییر ریشه‌ای و در جامعه و ساختار اجتماعی، آمده است، به ویژه زمانی که تغییر به صورت ناگهانی و با خشونت باشد و دارای سه عنصر اساسی است:

۱. عمل ارادی و آگاهانه است؛

۲. عامل تقدس و پیشرفت در آن نهفته است؛

۳. عنصر نفی و انکار در آن دخالت دارد؛ به این ترتیب، انقلاب در مفهوم اجتماعی عبارت از وضعی است که در آن خراب کردن برای رسیدن به وضعی بهتر با اراده و اختیار انجام می‌گیرد.

از نظر سیاسی و در تاریخ، انقلاب به معنای تغییر نهاد سیاسی، نظام و سمبل‌های حاکمیت است.[۱]

استاد مطهری انقلاب را عبارت از طغیان و عصیان مردم یک سرزمین علیه نظم حاکم موجود، برای ایجاد نظمی مطلوب می‌داند.[۲]

وی انقلاب را به سه دسته تقسیم می‌کند: انقلاب مادی یا اقتصادی، انقلاب لیبرالی یا دمکراتیک و انقلاب اعتقادی. انقلاب ایران، یک انقلاب اعتقادی و اسلامی است. ایشان در ادامه می‌گوید: ممکن است مردمی به لحاظ مادی و سیاسی مشکلی نداشته باشند، ولی از آن جا که معتقد به مکتب‌اند، وقتی آن را در معرض حملات بنیان‌برافکن قرار می گیرند، در واکنش به آن، دست به قیام بزنند.[۳]

---

۱. محمدی، ۱۳۹۸ - ۱۱

۲. مطهری، ۱۳۵۹ - ۸۲

۳. مطهری، ۱۳۵۹ - ۳۳.

دکتر شریعتی نیز انقلاب را نتیجه عمل اکثریت مردم که به صورت تجلی اراده‌ی افراد جامعه که طالب حق تعیین حاکمیت و مسئولیت برسرزمین خویش هستند، می‌داند.[۱]

انقلاب سه رکن اصلی دارد: رهبری، مردم، مکتب و با توجه به وجود این ارکان، مفهوم انقلاب از حرکت های اجتماعی-سیاسی دیگر از جمله رفرم، کودتا، نهضت استقلال طلبانه، جنبش جدایی خواهانه و شورش جدا می‌شود.

الف) رفرم یا حرکت اصلاحی

رفرم یا حرکت اصلاحی به معنای ایجاد تغییرات و اصلاحات قانونی در ساختار نظام سیاسی حاکم است که موجب کاهش قدرت نظام حاکم می‌شود؛ مانند نهضت مشروطه که سلطنت استبدادی به مشروطه تغییر یافت.

ب)کودتا

کودتا حرکتی توطئه‌آمیز و غیرقانونی است که برای سرنگونی نظام حاکم صورت می‌گیرد؛ مانند کودتای نظامی ۱۲۹۹ توسط رضا پهلوی که با حمایت انگلیس علیه قاجار انجام شد و کودتای آمریکایی-انگلیسی ۱۳۳۲ که علیه دولت ملی دکتر مصدق صورت گرفت.

ج) نهضت استقلال طلبانه

حرکت‌های مردمی علیه حاکمیت بیگانه را نهضت استقلال طلبانه گویند؛ مانند قیام هند علیه انگلیس و قیام الجزایر علیه فرانسه.

د) نهضت جدایی خواهانه

این نهضت، حرکتی مردمی به منظور استقلال و جدایی از حاکمیت دولت مرکزی است؛ مانند جدایی بنگلادش از پاکستان به دلیل فاصله سرزمینی و اریتره از اتیوپی به سبب اختلاف مذهبی.

---

۱. شریعتی، مجموعه آثار ۲۶، ص۵۷۱

۵) شورش

شـورش، حرکتـی خودجـوش و مردمی و عموماً بـدون رهبری، علیه حاکمیت اسـت که می‌تواند به انقلاب ختم شود؛ مانند ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در ایران که به انقلاب اسلامی منجر شد.[۱]

۳. ویژگی مشترک انقلاب‌ها

انقلاب‌های دنیا با وجود اختلاف دیدگاه‌ها، در چند مورد ویژگی‌های مشـترک دارند؛ این موارد عبارت‌اند از:

الف- غالب انقلاب‌ها در مقابل رژیم‌های سلطنتی اتفاق افتاده و سه انقلاب مهم فرانسه، روسیه و ایران نیز در مقابل رژیم‌های سلطنتی به وقوع پیوسته است.

ب- انقلاب، یکی از ارزش‌های عالی انسـانی اسـت و نشـان از آزادگی، عدالت‌خواهی، تعهد، مسـئولیت‌پذیری و صفات برجسته انسـانی است؛ به همین دلیل ملت‌های انقلابی، مورد تکریم و احترام دل‌های پاک هستند.

ج- انقـلاب اجتماعی، در جامعـه‌ای رخ می‌دهد که تحول مثبت روحـی در مردم ایجاد شـده باشـد. انقلاب درونی افراد، لازمه وقوع انقلاب در جامعه اسـت و این توان روحی زمانی پدید می‌آید که افراد روحیه اعتماد به نفس، عدم هراس از دشـمن، شـجاعت و آینده‌نگری را در خود ایجاد کنند.

د- انقلاب، حقیقت همیشه جاوید است؛ البته هر انقلابی در تاریخی مشخص به پیروزی می‌رسـد؛ اما ایـن تاریخ آغاز حرکت تحولی اسـت که ادامه خواهد یافت؛ چنان که رسـالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در زمان مشخص آغاز شد؛ اما مکتب فکری او برای همیشه ادامه دارد و هر زمان طرفدارانی پیدا می‌کند؛ انقلاب نیز همواره زنده و پیشـرو اسـت، البته آفات و آسیب‌ها را باید حل و فصل کند تا دچار شکست یا ارتجاع نشود.

---

۱. محمدی، ۱۳۹۸ - ۱۷

۴. ویژگی‌های متفاوت انقلاب‌ها

انقلاب ها با داشـتن نقاط مشـترک ، در محورهایی با یکدیگر تفاوت دارند . انقلاب‌های مهم دنیا مانند انقلاب فرانسه و روسیه، مبنای سکولار و مادی داشتند. غربی‌ها مانند الکسی دو توکویل، افزایش انتظارات مردم و سـورکین، غرایز سرکوب‌شـده افراد و مارکس (نظریه‌پرداز روسـیه)، تضادهـای موجود در جامعه و مالک و کارگر را مبنـای انقلاب‌ها می‌دانند.[۱] انقلاب اسـلامی، امـا برخواسـته های معنوی پایه گذاری شـد ، البتـه معنویتی که با علـم ، تمدن و پیشرفت در تضاد نیست . امام خمینی معتقد است انقلاب اسلامی نظیر انقلاب‌هایی است که در طول تاریخ به دست انبیا انجام گرفته است که تنها برای خدای تبارک و تعالی است.[۲]

تفاوت مهم انقلاب ایران با انقلاب‌های دیگر با تحلیل سخن امام، روشن می‌شود. مردم با انگیزه معنوی و برای تبعیت و حمایت از مرجع تقلید، حرکت کردند و این توفان مردمی که با «الله اکبر» بود، به حرکت بنیان‌برافکن اجتماعی-سیاسـی تبدیل شد و تا زمانی که این انگیزه هست، شکست معنا ندارد.

ملتی که شهادت را سعادت می‌داند، با تهدید و تهاجم، از میدان نبرد نمی‌گریزد.

پیامبران، مردم را با معنویت آشـنا کردند، با ظلـم به مبارزه پرداختند و با اجرای عدالت، رفاه دنیوی و سعادت اخروی را تأمین کردند و انقلاب اسلامی در همین مسیر قرار دارد.

رهبر انقلاب، آیت الله خامنه‌ای، شـاخص انقلاب اسلامی را چنین می‌شمارد: «عدالت، کرامت انسـانی، حفظ ارزش‌ها، سـعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در برابر نفوذ دشمن؛ این‌ها اجزای ساخت حقیقی و درونی نظام جمهوری اسلامی است.»

ایشان با دعوت به ساده‌زیستی گویند:

اشرافی‌گری، یک ضدارزش است.

و در ادامه می‌افزایند:

---

۱. حاجی، ۱۳۸۴

۲. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵، ص ۱۵۶

اعتماد به مردم و شجاعت در برابر هیبت دشمن و پیوند با ملت‌های مسلمان، از شاخص‌های انقلاب است.[۱]

انقلاب اسلامی، در مراحل رشد خود، ویژگی‌هایی دارد که آن را از انقلاب‌های دیگر جهان معاصر، متمایز و برجسته می‌کند، برخی از این موارد چنین است:

انقلابیون فرانسه مورد حمایت کشورهای روسیه، اتریش، انگلیس و اتریش بودند که لوئی شانزدهم با آنان جنگ داشت، انقلابیون روسیه مورد حمایت کشورهایی بودند که روسیه با آنان جنگیده بود به ویژه آلمان؛ اما انقلابیون ایران نه تنها حمایت هیچ قدرتی را نداشتند، بلکه قدرت‌های بزرگ جهان با تمام نیرو به حمایت از شاه اقدام می‌کردند.

مشارکت مردم در انقلاب فرانسه محدود به اشراف، قضات، کشیش‌ها و ثروتمندان و مشارکت مردم در انقلاب روسیه، محدود به تعدادی از کارگران پتروگراد و سربازان پادگان همان شهر بود و چنان که تروتسکی گوید: انقلاب، توسط مردم پتروگراد انجام شد که یک هفتاد و پنجم جمعیت کشور بودند؛ اما در انقلاب ایران همه اقشار و اصناف از شهر و روستا مشارکت داشتند.

انقلاب فرانسه رهبری مشخص نداشت و افرادی مانند لافایت، روبسپیر و دوک دورلئان هریک مدتی کوتاه مطرح شدند. در انقلاب روسیه افرادی که به عنوان رهبر شناخته می‌شوند مانند استالین و تروتسکی، در سقوط رژیم رومانوف‌ها نقشی نداشتند؛[۲] اما در انقلاب ایران، حرکت انقلاب از ابتدا تا پس از پیروزی با هدایت و پرچمداری امام خمینی رهبری شد.

مکتب انقلاب در فرانسه، لیبرالیسم و در روسیه کمونیسم بود؛ هردو مادی و در مقابله با کلیسا بودند؛ اما انقلاب ایران با انگیزه‌های الهی، فرهنگ شهادت حسینی و شعار الله اکبر به وقوع پیوست.

انقلاب اسلامی، جهان دو قطبی را سه قطبی کرد؛ شرق به رهبری شوروی با ایدئولوژی

---

۱. Khamenei.Ir

۲. ملکوتیان – ۱۳۹۷- ۷۵

سوسیالیسم ـ مارکسیسم و غرب به رهبری آمریکا با ایدئولوژی لیبرالیزم ـ کاپیتالیسم به عنوان دو ابرقدرت، در جهان مطرح بود؛ انقلاب اسلامی قطب سومی با تفکر اسلام مطرح نمود. بعد از فروپاشی شوروی، بار دیگر جهان دو قطبی شد، یکی جبهه مقاومت و دیگری جبهه سلطه.

تفاوت دیگر انقلاب اسلامی با انقلاب‌های دیگر، حضور مردم در صحنه است که در انقلاب‌های دیگر نظیر ندارد. اکنون پس از گذشت چهل و دو سال، مردم با حضور میلیونی، در جشن پیروزی انقلاب شرکت می‌کنند. در چهل واند انتخابات گذشته به طورمتوسط ۶۰ درصد شرکت داشته اند و هرزمان لازم باشد برای پشتیبانی از انقلاب در صحنه حاضر می‌شوند؛ نمونه این حضور نهم دی ۱۳۸۸ و حضور حماسی در تشییع سردار سلیمانی در سال ۱۳۹۸ است.

۵ . انقلاب‌های رنگین

انقلاب‌های رنگی (مخملی) به یک رشته از تحرکات مرتبط با هم اطلاق می‌شود که پس از فروپاشی شوروی کمونیست، در اروپای شرقی و آسیای مرکزی توسعه یافت و حکومت این کشورها جای خود را به حکومت‌های طرفدار غرب داد.

نخستین انقلاب مخملی در سال ۱۹۸۹ در چکسلواکی واقع شد و با وقوع تحولات مشابه در صربستان، گرجستان، اوکراین و قرقیزستان ادامه یافت.

در سال ۲۰۰۵ میلادی میلوشوویچ، رئیس جمهور وقت صربستان میان تظاهرات و اعتراضات چند صد هزار نفری مجبور به استعفا شد. انقلاب گل سرخ در سال ۲۰۰۳ در گرجستان با اعتراض به شواردنادزه آغاز و به حکومت ساکاشویلی منجر شد. انقلاب نارنجی در جریان انتخابات ریاست جمهوری اکراین در سال ۲۰۰۴ و انقلاب گل لاله در سال ۲۰۰۵ در قرقیزستان به وقوع پیوست.[۱]

انقلاب رنگی، در واقع کودتای غربی‌هاست برای روی کار آوردن حاکمان غرب‌گرا. انقلاب

---

۱. کرمی ، ۱۳۸۶- ص۲۷

رنگی در هرکشور متناسب با شرایط آن طراحی می‌شود؛ در مواردی چنین بوده که فرد مورد حمایت غرب، برای ریاست جمهوری کاندیدا می‌شود و از ابتدا رقیب خود را به دروغ‌گویی متهم و تهدید می‌کند و اگر رأی نیاورد، قطعاً تقلب شده است. پس از برگزاری انتخابات و قبل از اعلام نتایج رسمی، خود را پیروز انتخابات می‌خواند و در صورتی که رأی کافی نیاورد، ادعای تقلب را مطرح می‌کند و طرفدارانش را با رنگ خاص، به تظاهرات و آشوب می‌خواند و حکومت را به دست می‌گیرد و غربی‌ها آن دولت را تأیید می‌کنند.

آمریکایی‌ها در آرزوی چنین موقعیتی برای ایران نیز بوده‌اند که تاکنون موفق نشده‌اند.

۶. دانشجوی انقلابی

دانشجو، جمعیت جوان، متفکر و آینده‌ساز جامعه است که نسبت به سرنوشت ملت خود حساسیت دارد و در حوادثی چون ایجاد انقلاب، نقش پیشرو و پیشگام را بر عهده دارد.

اعتراض تاریخی دانشجویان به کودتای آمریکایی علیه دولت ملی مصدق و تظاهرات اعتراض به فرستاده آمریکا، با دخالت مأموران شاه و تیراندازی آنان موجب شهادت سه دانشجوی مبارز دانشگاه تهران در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ گردید و این روز نماد مبارزات دانشجویی با استکبار است که به نام «روز دانشجو» گرامی داشته می‌شود.

دانشجویان در ایام مبارزات مردم با رژیم شاه، در خط مقدم بودند و پس از پیروزی انقلاب، مسئولیت تشکیل ارگان‌های انقلابی و سپس حضور فعال و تعیین‌کننده در دفاع مقدس، تنها بخشی از کارنامه درخشان دانشجویان است.

دانشجو، نقش‌آفرین است هم در زمان حال و هم نسبت به آینده کشور و هر دانشجو از جهت دانشجوبودن، عضو جنبش دانشجویی به‌شمار می‌آید.

امام و رهبری، دانشجویان را با تعابیری مانند جوانان روشنفکر، دانشجویان مسلمان و مبارز، جوانان ارزنده اسلام، افسران جوان جنگ نرم، امید آینده کشور و نسل استثنایی یاد می‌کنند. برخی از انتظارات امام خمینی از دانشجویان چنین است:

با عوامل عقب‌ماندگی و ذلت کشور مبارزه کنید.
با کسب علم و توسعه دانش در راستای خودکفایی کشور بکوشید.
کشور را از وابستگی فکری به بیگانه برهانید.[۱]

رهبر انقلاب انتظار دارد دانشجو این‌گونه باشد: ضد استکبار و استبداد، ضد فساد، ضد اشرافی‌گری و تجمل، عدالت‌طلب، آزادی‌خواه و آزاداندیش و جوینده دانش و گوید: دانشجو، یک روشنفکر تمام‌عیار مسلمان است و دانشجویان را افسران جنگ نرم معرفی می‌کند؛ یعنی دانشجویان می‌توانند تهاجم نرم دشمن را خنثی کنند.[۲]

دانشجویان همواره ضمن افتخارآفرینی در دانش و پیشرفت کشور در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فعال و در دانشگاه و جامعه تأثیرگذار بوده‌اند. فعالیت تشکل‌های دانشجویی مانند انجمن‌های اسلامی، بسیج دانشجویی، جهاد دانشگاهی، نشریات دانشجویی، اردوهای جهادی، راهیان نور، کوهنوردی و اردوهای علمی، کانون‌های خیریه و کانون‌های علمی، حضور در کمک‌رسانی در حوادث طبیعی، مانند سیل، زلزله و مانند آن نمونه‌هایی از انگیزه‌های صادقانه دانشجویان است.

۷. خدمات متقابل دانشگاه و انقلاب

دانشجویان در ایام مبارزات با رژیم شاه، خوش درخشیدند و نقش انقلابی خود را به خوبی انجام دادند و اولین راهپیمایی‌های به طرفداری از امام و انقلاب از دانشگاه شروع شد و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، یکی از حرکت‌های جنبش دانشجویی بود که رهبر انقلاب آن را "انقلاب دوم" نامیدند و حضور فعال دانشجویان در دفاع مقدس، برگ زرین دیگری از فعالیت دانشجویان برای خدمت به انقلاب است.

انقلاب نیز متقابلاً خدمات مهمی به دانشگاه ارائه داده است؛ از جمله دو محور مهم تولید علم و آرمان‌خواهی.

---

۱. امام خمینی – ۱۳۶۱
۲. Khamenei.Ir

محور اول : نهضت تولید علم، نهضت نرم‌افزاری و بازگشت به خود به شکل جهشی در دانشگاه ایجاد شده و اکنون پس از گذشت چهل سال از انقلاب، رتبه علمی کشور و تولید علم در حد مناسب است؛ البته با تلاش بیشتر، بالاتر خواهدرفت. دانشگاه وابسته به اردوگاه غرب، پس از انقلاب اسلامی، به دانشگاهی پویا و خودباور تبدیل شده است؛ نمونه این ماجرا، عدم تحرک علمی، قبل از انقلاب و تغییر این شرایط پس از انقلاب است که منجر به حضور افتخارآمیز در رشد دانش بشری و تشکیل مراکز رشد و شرکت‌های دانش‌بنیان است که هر روز شاهد بالندگی آن‌ها هستیم.

«دانشگاه اسلامی» که در سخنان رهبری با دانشجویان بارها مورد توجه قرار گرفت، به معنای دانشگاه مستقل، آزاداندیش و غیروابسته است؛ دانشگاهی که نیازهای کشورش را بشناسد و برای حل آن تدبیر کند و در علوم، به جای ترجمه و تقلید از دیگران، خود ابتکار و تولیدکننده علم باشد.

محور دوم : رشد آرمان‌خواهی در دانشگاه است. جنبش دانشجویی همیشه ضد استکبار، ضد استبداد، ضد اختناق و به شدت عدالت‌خواه بوده و انقلاب اسلامی جان تازه‌ای به آرمان‌های دانشجویی داده است. نمونه این رشد، حضور دانشجویان در صحنه‌های لازم چون دفاع مقدس تا اردوهای جهادی امروز است.

از خدمات متقابل دانشگاه و انقلاب، این است که انقلاب، سبب پیوند و ارتباط بین دانشگاه و مردم شد؛ نمونه این ارتباط حرکت‌های خودجوش دانشجویی برای رفع محرومیت، دیدار با سالمندان، فعالیت در حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله و دیگر ارتباط های مردمی است، در حالی که قبل از انقلاب این پیوند و ارتباط نبود یا بسیار کم بود.

همچنین پیوند حوزه و دانشگاه، پدیده‌ای است که از ایام انقلاب آغاز شد. در زمان اوج‌گیری مبارزات انقلابی یعنی دی ماه ۱۳۵۶، هر راهپیمایی که در حوزه علمیه قم انجام می‌شد، بی‌درنگ مورد حمایت دانشجویان در تهران و شهرستان‌ها واقع می‌شد و دانشجویان به پشتیبانی طلاب، تظاهرات برپا می‌کردند، همین پشتیبانی نیز از سوی حوزه برای حرکت‌های

دانشجویی انجام می‌گرفت.

این شـرایط سـبب رابطه معنوی بین حوزه و دانشـگاه گردید؛ در حالی که قبل از انقلاب چنین وضعی وجود نداشـت و تبلیغات مسـموم رژیم شاه، این دو قشر متفکر جامعه را از هم جدا می‌ساخت.

پس از پیروزی انقلاب، ارتباط بین حوزه و دانشگاه بسیار بیشتر شد تا این‌که ۲۷ آذر ۱۳۵۸ آیت الله محمد مفتح در دانشـکده الهیات دانشـگاه تهران با حمله تروریسـتی گروه فرقان به شـهادت رسـید و این روز به نام «وحدت حوزه و دانشـگاه» اعلام گردید و نماد پیوند دو قشـر متفکر جامعه است.

۸. خدمات متقابل انقلاب، اسلام و ایران

زمانی که امام و مردم برای حرکت در مسیر ناهموار و سخت مبارزه با رژیم شاه، عزم خود را جزم کردند، همه قدرت‌های مادی دنیا علیه ما بودند و تجربه پیشین و راه طی‌شده‌ای برای ما نبود، جز حرکت‌هایی که در صد سال قیام کرد؛ اما به پیروزی قطعی دست نیافت.

به هر حال سـه عنصر انقلاب، اسـلام و ایران در پیوند عمیق با یکدیگـر، حرکتی را ایجاد کردنـد که هـریک با خدمت به دیگـری آن را بالنده کـرد و متقابلاً خود هویـت جدید یافت. محورهای خدمات این سه عنصر به یکدیگر را تبیین می‌کنیم.

انقلاب و اسلام

امام خمینی در ابتدای حرکت انقلابی خود (سال ۱۳۴۲)، در جلسه‌ای با حضور چند نفر از مراجع تقلید به آنان گفت: اگر جلوی شاه را نگیریم، ایران و اسلام را از بین می‌برد.

یکی از مراجع گفت: می‌گویید شاه را بکشیم؟

امام فرمود: نه! می‌گویم مردم را بیدار کنیم.[۱]

اکنون پس از گذشـت چهل سـال، انقلاب اسلامی، توانست اسلام و ایران را نجات دهد

---

۱. روحانی- ۱۳۶۰

. انقلاب ، اسـلام را از خطر تحجر و التقاط آزاد کرد و اسـلام پویا و زنده، یعنی اسـلام با همان نورانیت اولیه را بازخوانی نمود وبه صحنه زندگی آورد .

در مدت چند قرن، برخی از مسلمانان تصور می‌کردند اسلام تنها دین عبادت‌های فردی اسـت و رسـالت او سـاختن آخرت خوب برای مؤمنان اسـت. دست اسـتعمار نیز این نگاه و تحلیل را ترویج کرد و نمونه این تفکر، امروز در برخی کشـورهای اسـلامی مشـاهده می‌شود کـه قرآن چـاپ می‌کنند، نماز جماعت باشـکوه برپا می‌کننـد؛ اما امنیت و اقتصادشـان در دسـت دشـمنان اسلام اسـت. آیات عدم پذیرش سـلطه کافران را می‌خوانند و به‌راحتی زیر سلطه کافران زندگی می‌کنند. آیات مربوط به وحدت امت اسلام را می‌خوانند و برای جنگ و خونریزی با مسلمانان هزینه‌های هنگفت خرج می‌کنند.

انقلاب اسلامی نشان داد که نگاه متحجرانه به دین، برداشتی غلط است.

اسلام التقاطی نیز مطرح بوده و هست. برخی تصور می‌کنند، چون پیدایش اسلام، مربوط به چندین قرن قبل اسـت، برای پاسـخگویی به مسائل روز به مکاتب دیگر نیاز دارد و نیز باید برخی از مطالب آن کاسته شود؛ این تحلیل را التقاط می‌گوییم.

التقاط خود انواعی دارد. کسـانی که شیفته تمدن غرب و سرمایه‌داری هستند، معتقدند باید نگاه لیبرالی به اسـلام افزوده شـود و کسانی که شیفته تفکر شرق و سوسیالیسم هستند، می‌گویند: باید تفسیر کمونسیتی به قرآن افزوده شود.

این دو نوع تحلیل، قبل از پیروزی مطرح بود و هریک طرفدارانی داشت.

انقلاب اسـلامی، نشان داد تحلیل التقاطی و تحجری، تحلیل غیرواقعی هستند و اسلام راستین، مکتب زنده، پویا، حیات‌بخش و حرکت‌آفرین است که به دیگران نیاز ندارد.

دو نـگاه تحجری و التقاطی به اسـلام، مـورد حمایت آمریکا قـرار دارد و امام خمینی آن را «اسلام آمریکایی» می‌نامد.[۱]

تبلیغات دنیای سلطه، دو نگاه انحرافی را به اسلام نسبت می‌دهد و با پروژه اسلام‌هراسی،

---

۱. امام خمینی – ۱۳۷۸

چهره تابناک این پیک رحمت را خدشه‌دار می‌سازد؛ به همین مناسبت رهبر انقلاب دو نامه به جوانان اروپا و آمریکای شمالی نوشتند و از آنان خواستند، با نگاه واقع‌بینی اسلام را بشناسند نه با رسانه‌های امپریالیسم خبری. در نامه اول چنین آمده: اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند.[۱]

انقلاب، نگاه تحجر و التقاط از اسلام را تغییر داد و اسلام حرکت‌آفرین، پویا و زندگی‌ساز را به صحنه آورد و قانون اساسی کشور را با اندیشه قرآنی، تهیه کرد و بر پایه این تفکر است که امام خمینی فرمود:

من با اطمینان می‌گویم، اسلام سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.[۲]

البته این فتح به معنای جلب دل‌های مردم تشنه حقیقت، عدالت و معنویت است، نه فتح سرزمینی.

باید توجه داشت که رفتار مسلمانان، معیار سنجش اسلام قرار نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی، نشان داد که اسلام اصیل، زنده و حرکت‌آفرین است و می‌تواند عامل قیام مردم شود. می‌توان قانون اساسی و قوانین دیگر را بر اساس اسلام نگاشت؛ اما هیچ کس ادعا نمی‌کند رفتار مسئولان و مردم طبق اسلام است. در زمان پیامبر نیز چنین نبود و نزول صدها آیه قرآن درباره منافقان و انتقاد از مسلمانان سست‌ایمان، بیان‌کننده این مطلب است.

برخی به غلط تصور می‌کنند، این‌که گفته شود، اسلام به صحنه زندگی آمده، به معنای این است که رفتار مردم و دولت، مطابق اسلام است. نه! چنین نیست. مسئولیت رفتار مردم و دولت‌ها برعهده خودشان است.

اگر یک یا چند پزشک خطا کردند، دانش پزشکی زیر سؤال نمی‌رود، بلکه خطاکار را مقصر می‌دانند.

نکته دیگر این‌که، هرگاه گفته شود آرمان انقلاب، استقلال، آزادی و عدالت است به

---

۱. متن نامه رهبری در ضمیمه کتاب آمده است.
۲. امام خمینی ـ۱۳۶۱

معنای این نیست که اکنون این آرمان‌ها تحقق یافته، بلکه به این معناست که مسیر حرکت انقلاب به آن سمت و سواست؛ اگر خوب عمل کنیم، زودتر به نتیجه می‌رسیم؛ اگر دچار خطا شویم یا موانع دیگر ایجاد شود، دسترسی به آرمان‌ها زمان بیشتر می‌خواهد.

الف) انقلاب و ایران

انقلاب اسلامی، ایران را از رکود، عقب‌ماندگی، استبداد داخلی و استعمار خارجی نجات داد و رهایی بخشید.

خدمات انقلاب به ایران شامل چند دسته می‌شود.

نظام سیاسی ایران از پادشاهی که سیستم ارتجاعی و مبتنی بر استبداد فردی است، به نظامی با رأی مردم تبدیل شد.

ایران و ایرانی در زمان مشروطه تحقیر می‌شد و عقیده برخی از افراد تحصیل‌کرده کشور، این بود که باید از سر تا پا مقلد غرب باشیم. آنان آقا و ما باید به نوکری افتخار کنیم؛ همین افراد میراث ادبیات ایران را مسخره می‌کردند و مثنوی و دیوان حافظ را در جشن کتاب‌سوزان، به آتش می‌انداختند و به طرف غرب سجده می‌کردند. آل احمد در کتاب غرب‌زدگی می‌گوید:

> غرب‌زده مانند سرمازده یا گرمازده است، آدم غرب‌زده هرهری مذهب است، به هیچ چیز اعتقاد ندارد؛ اما به هیچ چیز هم بی‌اعتقاد نیست؛ یک آدم التقاطی است و نون به نرخ روز خور است ، همه چیز برایش علی السویه است... .[۱]

شاهان ایران، نسبت به مردم برای هر جنایتی آزاد، اما در برابر دیگر کشورها، خوار و ذلیل بودند. ناصرالدین شاه قاجار، که پنجاه سال حکومت کرد، مدت‌ها تقاضای دیدار ملکه انگلیس را داشت و به او اجازه نمی‌دادند.

در پایان جنگ دوم جهانی، رؤسای سه کشور آمریکا، روسیه و انگلیس در تهران جلسه گذاشتند، در حالی که شاه بی‌اطلاع بود، وقتی برای دیدار ایشان آمد، به او بی‌احترامی کردند

---

۱. آل احمد، غرب زدگی

و ساعتی او را در اتاق انتظار نگه داشتند.[۱]

در اقتصاد شـرایطی مشابه وجود داشـت. شاه قاجار مایل بود در ایران راه آهن ایجاد کند. برای این کار باید از سـفارت انگلیس و روسیه اجازه بگیرد و فقط ده سال یک بار می‌توانست اجازه بگیرد. پس از گذشت سال‌ها تنها اجازه دادند از تهران تا شهرری، راه آهن احداث کند. (همان -۱۳۹۱)

شاه پهلوی تنها با اجازه سفیر انگلیس می‌توانست وزیری را تغییر دهد و این وضعیت پس از ۱۳۳۲ برای سفیر آمریکا بود.

با دستور انگلیس، به قاجار، هرات از ایران جدا و به کشور افغانستان ملحق شد و با دستور دیگر به پهلوی، بحرین از ایران جدا شد؛ در حالی که بعد از انقلاب اسلامی، همه قدرت‌ها از صدام حمایت کردند؛ اما نتوانست یک متر از کشور را کم کند.

ایران، امنیت غذایی و دارویی نداشت.

امـام خمینی در مصاحبه با خبرنگاران و در نقد شـاه می‌گوید: تولید کشـاورزی ما تا ۲۳ سـال قبـل، اضافه بر نیازهـای داخلی بود؛ امـا اکنون (سـال ۱۳۵۷) ایران ۹۳ درصـد از مواد غذایی مصرفی خود را وارد می‌کند.[۲]

سـولیوان (سفیر آمریکا) در تشـریح روزهای قبل از انقلاب، می‌گوید: ایران فقط شانزده روز گندم مورد نیازش را دارد.[۳]

کشـور از نظـر صنعتـی در وضعیتـی بود که بـا تحریم انگلیـس در قیام ملی شـدن نفت، پالایشـگاه تعطیل شد و دکتر مصدق از مهندسـان آمریکا درخواست کمک نمود و در مدت کوتاهی، شـرایط بحرانی برای دولت ایجاد شـد؛ در حالی که از ابتدای انقلاب اسلامی، ایران تحریم شـد و مهندسـان خارجـی رفتند؛ اما جوانـان انقلابی صنایـع را بـه راه انداختند و در سال‌های بعد دست به ابتکارهای جدید زدند و برای قطع وابستگی‌ها کوشیدند و شعار " ما

---

۱. معتضد -۱۳۹۱

۲. امام خمینی،طلیعه انقلاب اسلامی ، ۱۳۶۲، ۴

۳. سولیوان -۱۳۶۱

می توانیم " را به میدان عمل آوردند .

قبل از انقلاب پزشکان هندی و بنگلادشی، درمان مردم را برعهده داشتند و مردم لازم بود برای یک عمل ساده جراحی، به خارج بروند.

اکنون متخصصان و اساتید پزشکی پیچیده‌ترین جراحی‌ها را انجام می‌دهند و شهرهای کوچک ایران نیز بیمارستان مجهز دارد و بیماران از کشورهای همسایه برای درمان به ایران می‌آیند و سن «امید به زندگی» که جمع‌بندی خدمات بهداشتی است، در سال ۱۳۹۹ برای زنان ۷۹ و برای مردان ۷۴ سال می باشد ، که نسبت به سال ۱۳۶۹ حدود ده سال افزایش یافته است. (Isna . Ir)

اسلحه ایران در حدی که پایگاه آمریکا را مجهز سازد با قیمت‌هایی که مایل بودند، در اختیار قرار می‌گرفت؛ در حالی که امروز همه صنایع دفاعی و نظامی داخل طراحی و ساخته می‌شود؛ از موشک‌های بالستیک سجیل با برد ۲۰۰۰کیلومترتا هواپیمای نظامی جت، تانک، زیردریایی،ناوشکن ، شناورهای تندرو ، هلیکوپترو انواع پهپاد، از جمله پهپاد سیمرغ که با مهندسی معکوس از ۱۷۰ – RQ امریکا ساخته شد .

ایران درتولید علم در سال ۲۰۱۸ رتبه نخست جهانی ، درنانورتبه چهارم، در تولید سلول‌های بنیادی رتبه سوم، میان کشورهای برخوردار از چرخه سوخت هسته‌ای رتبه هشتم، در سدسازی رتبه سیزدهم، در ثبت پتنت اختراع رتبه نهم ، در داروسازی رتبه هشتم ، در هوافضا رتبه سیزده ؛ در علائم تجاری رتبه چهارم و در طراحی صنعتی رتبه یازدهم را در جهان دارد و با پرتاب ماهواره‌های متعدد مخابراتی و نظامی، جزء ده کشور فضایی جهان محسوب می‌شود.(راجی ، ۱۳۹۸ ، ۴۵) اکنون پالایشگاه نفت و پتروشیمی، سکوهای نفتی دریا، جاده‌ها، پل‌ها و همه کارهای عمرانی کشور توسط مهندسان توانای ایران ساخته می‌شود و تحریم‌های شدید، سبب شده دانشمندان ایرانی در همه عرصه‌ها ورود کنند و مشکلات را حل نمایند.[۱]

۱.فیلم هیجده قسمتی دستاوردهای علمی انقلاب اسلامی را ببینید www.Iribnews.Ir

ب) اسلام و انقلاب

خداباوری، اعتقاد راسخ به اسلام و مرجعیت دینی، اصلی‌ترین محور مبارزات مردم ایران بوده است؛ از تنباکو، مشروطه، ملی شدن نفت تا انقلاب اسلامی.

شخصیت علمی امام خمینی در جایگاه مرجع تقلید و اعتقاد مردم به شهادت، دو پایگاه مهم حضور شگفت‌انگیز همه اقشار در مبارزات سیاسی بود، هیچ رهبر سیاسی یا ملی قادر به چنین جاذبه‌ای نبود و هیچ انگیزه مادی و ملی نمی‌توانست مردم را در نبرد با توپ و تانک شاه، پایدار بدارد.

نکته دیگر این‌که اسلام در دوران انقلاب محور وحدت پیروان مذاهب اهل سنت و شیعه شد، نه زمینه دوگانگی، آن چنان که دست استعمار می‌خواست و پیروان ادیان دیگر نیز در حرکت انقلاب مشارکت کردند.

اسلامی بودن انقلاب، سبب همبستگی مردم مسلمان کشورهای اسلامی شد و جبهه مقاومت اسلامی تشکیل گردید که طرح‌های جبهه استکبار را به چالش کشید و ناکام گذاشت؛ علاوه بر آن، مسلمانان احساس هویت کردند و در کشورهای مختلف اسلامی، احزاب و گروه‌های مردمی تشکیل دادند.

حزب الله و جنبش توحید اسلامی در لبنان، سازمان مقاومت اسلامی یا حماس و جهاد اسلامی در فلسطین، نهضت فقه جعفری پاکستان، حزب الدعوه عراق، توسعه و عدالت ترکیه، سازمان انقلاب اسلامی عربستان، جمعیت الوفاق بحرین، حزب الله کویت، اخوان المسلمین سوریه، جبهه نجات اسلامی الجزایر و گروه‌های مجاهد افغانستان نمونه‌هایی از این احزاب هستند و گرایش‌هایی به انقلاب اسلامی در کشمیر، آسیای مرکزی و آسیای جنوبی دیده می‌شود.[۱]

البته برخی دولت‌های منطقه، به دلیل وابستگی دیرینه به استعمار، از پیروزی انقلاب احساس ترس داشتند و با آن به مبارزه پرداختند.

---

۱. ملکوتیان – ۱۳۹۷- ۱۴۷

ج) ایران و انقلاب اسلامی

کشور پهناور ایران با جمعیت هشتاد میلیونی و اکثریت جوان و تحصیل‌کرده، برخورداری از ظرفیت‌های ویژه مانند منابع غنی نفت و گاز، معادن کم‌نظیر، برخورداری از آب و هوای متنوع، بهره‌مندی از دو موقعیت ویژه آبی در جنوب خلیج فارس و در شمال دریای خزر، اقوام مختلف، آثار باستانی ارزشمند، برخورداری از پانزده کشور همسایه و سابقه تاریخی و تمدنی چند هزار ساله، موقعیت ویژه‌ای برای انقلاب اسلامی، به عنوان خاستگاه آن ایجاد کرده است. اگر چنین حرکت مردمی در کشور کوچک و حاشیه‌ای اتفاق می‌افتاد، این مقدار در معادلات بین‌المللی و افکار مردم دنیا تأثیرگذار نمی‌بود.

امتیازات طبیعی ایران برای مردم ایران فرصت‌آفرین است؛ اما این امتیازات سبب می‌شود نظام سلطه در آرزوی تصرف مجدد این امکانات، دست به انواع توطئه بزند.

نکته قابل توجه این‌که نه تنها انقلاب اسلامی، بلکه هر حرکت فکری دیگر در مرز خود باقی نمی‌ماند و به همه نقاط دنیا منتقل می‌شود و هرجا می‌تواند طرفدار پیدا کند.

مسیحیت در منطقه شرق ظهور کرد و اکنون دین رسمی کشورهای غربی است. انقلاب سوسیالیستی در شوروی آغاز شد؛ اما کشورهای آمریکای لاتین را به خود جذب کرد.

در انقلاب اسلامی نیز به طور طبیعی همین قاعده وجود دارد؛ این انقلاب در ایران اتفاق افتاد؛ اما در فلسطین، یمن و آمریکای لاتین طرفدار پیدا کرد.

انقلاب اسلامی، نظام سلطه را با چالش مواجه کرد و به ستمدیدگان جرئت قیام و اعتراض داد. نمونه این جریان، تظاهرات مردم فرانسه علیه نظام سرمایه‌داری است که به تظاهرات جلیقه زردها شناخته می‌شود.

سخنگوی جلیقه زردهای فرانسه در مصاحبه اعلام کرد، از هیچ کشوری کمک نگرفته‌ایم؛ اما از ایده‌هایی مانند انقلاب ایران، بهره برده‌ایم.[۱]

در این روزها (تابستان ۹۹) جنبش عدالت‌خواهی و مبارزه با تبعیض نژادی آمریکا، که

---

۱. Isna.Ir – نوامبر ۲۰۱۸

بـا قیام مردمی، مظاهر استـعمار را نابـود می‌کند، به نوعی با ایده انقلاب اسـلامی در مبارزه با اسـتعمار مشترک است. شـعار تظاهرات آمریکا این است: «عدالت نباشد، صلح نیست» و «این‌جا نه عدالت هست نه صلح".

سـرکوب شـدید پلیس و سـکوت مجامع حقوق بشـری، خاطره روزهای ابتـدای انقلاب اسـلامی در ایـران را تداعـی می‌کند که در مقابل کشـتار مردم به دسـت عوامل شـاه، نه تنها اعتراضی نبود، بلکه او را برای خشونت بیشتر تشویق می‌کردند.

در مقابل حمایت معنوی ملت‌ها از انقلاب اسلامی، دولت‌های نظام سلطه و جلودار آنان آمریکا و اروپا، با انقلاب دشمن هستند و به دشمنی خود ادامه می‌دهند؛ البته خشم ظالمان، نشـانه درسـتی راه انقلاب اسـت؛ زیرا قرآن می‌گوید هر کار که ظالمان را خشمگین سازد، آن رفتار از نظر خدای متعال، عمل صالح و شایسته محسوب می‌شود. (توبه: ۱۲۰)

ایران با ظهور انقلاب اسلامی به عنوان مرکز تحولات جهانی قرار گرفته و تمدن غرب را که ادعای سلطه جهانی دارد، دچار تزلزل نموده است. بابی سعید گوید:

> امام خمینی، چنان سخن می‌گوید که انگار تفکر غربی وجود ندارد.

وی با اشاره به برخی از متفکران جهان اسلام گوید:

> تنها با امام خمینی است که نقش گفتمان غربی به عنوان گفتمان عام (جهانی)، دستخوش تزلزل می‌گردد.[۱]

انقلاب اسلامی به این علت، دل‌های مردم را در همه دنیا، به خود جذب کرده که آرمان‌ها و شـعارهای برخاسـته از فطرت را طرح نموده است و همه مردم خواسـتار آن هستند؛ مانند: عدالت، آزادی، معنویت، عزت، برادری و عقلانیت. این‌ها "شعارهای جهانی انقلاب" است و هر خردمند آزاده را به خود جلب می‌کند. جالب این‌که اسلام‌هراسـی و ایران‌هراسـی دنیای سـلطه، آن هم با تمام قدرت رسانه‌ای، فیلم و خبر، نتوانسته است جلوی موج فکری انقلاب اسلامی را بگیرد و تخریب آنان پس از مدتی کوتاه، رسوا می‌شود و به خودشان برمی‌گردد.

---

۱. بابی سعید، هراس بنیادین، ۱۳۷۹

فصل دوم: پیشینه انقلاب

انقلاب اسلامی ایران، قیام عمومی مردم و برخوردار از رهبری متفکر و اندیشمند بود و با انسجام تاریخی، به پیروزی شگفت دست یافت.

این انقلاب عظیم، دو پایگاه استوار یا پیشینه مهم اعتقادی و اجتماعی دارد.

اول: پایگاه اعتقادی متکی به قرآن، سنت و تاریخ اسلام؛

دوم: پایگاه اجتماعی برخاسته از فراز و فرودهای اجتماعی حدود دو قرن گذشته ایران.

این دو موضوع را بررسی می‌کنیم:

الف- اندیشه قرآنی

بسیاری از آیات قرآن درباره قوانین الهی در جامعه و تاریخ است و چنان که عالم طبیعت با قوانین الهی اداره می‌شود، جامعه و تاریخ نیز براساس قوانین الهی تدبیر می‌شود.

پیروزی حق بر باطل، بازگشت نیرنگ‌ها به خود، امدادهای الهی برای نیکوکاران و اراده خدا برای پیروزی نهایی صالحان از جمله این قوانین است و بر اساس قانون الهی، نظام استکبار، به دلیل ظلم گسترده، محکوم به شکست است، هر مقدار توسعه می‌یابد، ظلم بیشتر، او را به فروپاشی نزدیک‌تر می‌کند و همراه با سقوط باطل، انقلاب جهانی امام مهدی عليه‌السلام، نویدبخش دوران جدیدی از زندگی سعادتمندانه بشر خواهد بود.

حادثه شگفت پیروزی انقلاب اسلامی، نمونه‌ای از اعتماد به خدای حکیم بود و ادامه مسیر به عملکرد ما بستگی دارد.

انقلاب اسلامی با پشتوانه اندیشه قرآنی رهبر و تحول روحی مردم و امدادهای الهی شکل گرفت و در این باره به دسته‌بندی آیات قرآن می‌پردازیم:

قرآن، کتاب حرکت‌آفرین است و در صدها آیه و سیر تفکری، پیروان خود را به وحدت، مبارزه با ظلم، تلاش برای عدالت، احساس مسئولیت، مبارزه در راه حق و پایداری در این راه دعوت می‌نماید و شرایطی را ایجاد می‌کند که جامعه پیروانش حساسیت سیاسی و اجتماعی را بخشی از اعتقادات دینی خود بدانند؛ زیرا همراه با دعوت برای ایمان به خدا، جدایی و دوری از طاغوت‌ها و ظالمان، رکن اصلی مسلمان بودن است. (ان اعبدوالله و اجتنبو الطاغوت.) (نحل: ۳۶)

در ابتدا دو نکته را یادآور می‌شویم:

نکته اول: بخش اندکی از آیات قرآن مربوط به عبادات فردی و غالب آیات الهی مربوط به زندگی اجتماعی و قوانین یا سنت‌های الهی و ابعاد آن از جمله حاکمیت حق و مانند آن است.

نکته دوم: آیات قرآن، چون خورشید است که سابقه طولانی دارد؛ اما روز نورا نوید می‌دهد. آنچه از زندگی مجاهدان راه حق آمده، به معنای ارائه مسیر زندگی امروز و فردای پیروان آن است و آنچه درباره طاغوت‌ها و ستمگران بیان داشته نیز نمونه‌های به روز دارد.

دسته‌بندی برخی از آیاتی که با موضوع مسائل اجتماعی ارتباط دارد، چنین است:

۱. قرآن، بردو محور تاکید دارد: الف) مقایسه شرایط قبل و بعد خودتان در رابطه با دشمن؛ فرمود: به یاد داشته باشید، زمانی شما در چنگ دشمن گرفتار بودید اما خدای توانا شما را در پناه خود گرفت و به موفقیت های بزرگ دست یافتید. (انفال: ۲۶) ابتدای ظهور لسلام، در مکه تعدادی اندک بودید، در محاصره و شکنجه کافران قرار داشتید، اما پس از مدتی کوتاه، همان شهر را پیروزمندانه فتح کردید و دشمن را شکست دادید.

در ابتـدای انقلاب نیز تعدادی اندک بودیم ، رهبر ما در تبعید و غربت بود ، انقلابیون چون رجایی و آیه اله خامنه ای در گوشه زندان انفرادی بودند ، مردم مظلومانه در کف خیابان ها به خاک و خون می غلطیدند ، اما خدا ما را یاری کرد ، دشمن ، شکست خورد ، امام و مردم پیروز شدند ، رجایی ، رئیس جمهور شد و آیه اله خامنه ای به رهبری انتخاب شد .

ب) اگر شـما دسـت از یاری دین خـدا بردارید ، دین الهی بی یاور نمی مانـد ؛ فرمود : ای مومنان ، اگر شما دست از یاری دین خدا بردارید ، بزودی خدا گروهی را می آورد که آنان دوست خدایند و خدا هم آنان را دوسـت دارد ، در برابر مومنان فروتن اند و در برابر کافران سرسـخت و مقاوم ، همواره در راه خدا تلاش می کنند و از سـرزنش ها نمی ترسـند .(مائده : ۵۴) ابتدای انقلاب که دنیای سـلطه قوی بود ، جوانان مومن با ویژگی یاد شـده در آیه فوق ، قیام کردند و اسـتبداد داخلی ، اسـتعمار خارجی را شکست دادند و جنگ تحمیلی را به پیروزی راندند ، امروز که دنیای سـلطه خود در حال تزلزل داخلی است ، ادامه راه عزت و سربلندی به مراتب آسان تر است .

۲ . مبارزات پیامبران با سـتمگران: غالب سـوره‌های قرآن، سـخنی از حضرت موسـی و ستمگر زمانش فرعون دارد.

قرآن سـخن از مبارزه تاریخی حق و باطل دارد و در یک مقطع مبارزات ابراهیم علیه‌السلام با شاه دورانش، نمرود و در یک زمان مبارزات موسی علیه‌السلام با فرعون و مبارزه دیگر آزادی خواهان موحد با ستمگران است. این آیات وظیفه دینی ما را برای شناخت مصادیق حق و باطل، مشخص می‌کند.

همچنین قیام حماسی امام حسین علیه‌السلام در مبارزه با ستمگر زمانشان، یزید، وظیفه دینی مبارزه با سلاطین ظالم را به ما می‌آموزد.

۳ . دعوت به وحدت: آیات متعدد قرآن به این پرداخته است که اولاً همه انسان‌ها فرزندان یـک والدیـن (آدم و حوا) هسـتند. رنـگ و نژاد و قـوم و این گونه تفاوت‌ها براسـاس حکمت الهی اسـت و به تعبیری همه انسـان‌ها یک جان هسـتند، در اجسـام مختلف و باید زندگی

مسالمت‌آمیز داشته باشند.

قرآن، امت اسلام را به وحدت و همدلی دعوت می‌کند و همه را برادر نامیده و از ما می‌خواهد این همدلی را گسترش دهیم.

توجه به توطئه استعمار برای ایجاد اختلاف، تفرقه و جنگ قومی و مذهبی، ما را با اهمیت سیاسی ـ اجتماعی آیات وحدت‌آفرین، آشنا می‌کند.

۴ . آیات پیروزی حق: خداوند زمین و آسمان را بر اساس حق آفریده؛ یعنی سنت الهی (قانون حاکم) بر حق استوار است. حق با همه هستی هماهنگ است، ماندگار است و از بین رفتنی نیست؛ البته پیروان حق باید در یاری حق بکوشند؛ اگر در این راه کوتاهی و غفلت شود، حتی یاران پیامبر، در حادثه‌ای مانند جنگ احد، شکست می‌خورند. اگر یاران حق، قیام کنند، تعداد اندک آنان بر باطل پیروز می‌شود.

۵ . امدادهای الهی: یاری و نصرت‌های الهی، به کمک بندگان خدا خواهد آمد و این سنت قطعی الهی، نمونه‌های فراوان در تاریخ بشر داشته است. این نصرت، هم برای پیامبران خواهد بود و هم برای انسان‌های آزاده؛ نمونه این جریان، ماندگاری پیامبران الهی در دل‌های پیروان آنان است؛ آنان هیچ کاخ و قصری از خود بر جای نگذاشته و با گذشت زمان، فراموش نشده‌اند. در جنگ بدر، ۳۱۳ نفر بدون سلاح، بر هزار نفر مسلح پیروز شدند. (آل عمران / ۱۲۳)

در انقلاب اسلامی، مردم بدون سلاح بر شاه وابسته به استکبار و ارتش مجهزش پیروز شدند.

۶ . عدم پذیرش سلطه ظالمان: سخن قرآن این است: ظلم را نپذیرید و بر دیگران ستم نکنید.

مبارزه با ستم و ستمگران، شیوه همیشگی پیامبران و پیروان ایشان بوده است. پیامبر فرمود: هر کس فریاد انسان مظلومی را بشنود و او را یاری نکند، مسلمان نیست (مظلوم، خواه مسلمان باشد یا غیرمسلمان). (من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین فلم یجبه ، فلیس بمسلم)

پذیرش سلطه ظالمان، مشارکت در ظلم است و مسلمان نباید زیر سلطه ستمگران باشد. براساس این فرهنگ قرآنی، میرزای شیرازی، تنباکو را تحریم کرد و استعمار انگلیس را شکست داد.

لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا (نساء: ۱۴۱)

۷. افشای عهدشکنی ستمگران: همه سوره‌های قرآن با نام خداوند رحمان و رحیم آغاز می‌شود، جز سوره توبه؛ زیرا اولین آیه این سوره اعلام بی‌زاری از ستمگران عهدشکن است. در برابر پیمان‌شکنی ستمگران باید مقابله به مثل کرد. طاغوت یعنی کسی که قانون را از بین می‌برد و یکی از اولین قوانین بشری، که سنگ بنای روابط اجتماعی است، پای‌بندی به تعهدات است؛ اما ستمگران، این قانون را هم زیر پا می‌گذارند.

۸. مبارزه برای نجات مظلومان: چندین آیه قرآن درباره لزوم مسئولیت‌پذیری مسلمانان نسبت به مظلومان تحت ستم است. قرآن گوید:

ای مؤمنان! چرا در راه خدا و برای نجات مظلومان، قیام نمی‌کنید؟ (نساء: ۷۴)

واضح است که تلاش فردی، به نتیجه نمی‌رسد، باید حرکتی همگانی برای مبارزه با استعمارگران و ظالمان صورت گیرد تا بندگان خدا، رها گردند. انگیزه مبارزه با طاغوت و یزید زمان، به حرکت عاشورایی مردم ایران جان بخشید و این نکته از نگاه تحلیل‌گران غربی نیز مخفی نماند. به نظر میشل فوکو، اعتقاد مردم ایران به عاشورا، مهم‌ترین انگیزه قیام بود. می‌دانیم عاشورا نماد مبارزه با ظلم است، خواه به شهادت منتهی شود خواه به پیروزی ظاهری.

۹. رسالت عدل‌گستری: عدل و قسط دو واژه مترادف هستند. خداوند، هستی را بر عدل آفرید. هدف از رسالت پیامبران را اجرای عدالت می‌شمارد (حدید: ۲۵)، مؤمنان را به عدالت دعوت می‌کند (نساء: ۱۳۵)، حتی رفتار با دشمن را عادلانه می‌پسندد (مائده: ۸) و خداوند وعده داده بدون تردید، یادگار پیامبران، امام زمان علیه‌السلام قیام خواهد نمود و عدالت جهانی را

برپا خواهد ساخت.

عدالتـی که خداونـد از ما می‌خواهد، به یک معنا پیروی از قانـون الهی و مبارزه با ظاامان است.

۱۰ . پیروزی حق بر باطل: واژه حق، در صدها آیه قرآن آمده و خداوند حق را ماندگار و پیروز می‌داند و باطل و پیروان باطل را محکوم به شکست می‌شمارد. (اسراء: ۸۱)

خداوند می‌گوید: کافران می‌خواهند نور خدا را با فوت دهان، خاموش سازند؛ اما اراده خدا این است که نور خود را به انجام رساند، گرچه کافران نگران باشند. (صف: ۸)

۱۱ . آزاداندیشـی: از مسـائل مطرح در مکاتب سیاسـی ـ اجتماعی، توجه به آزاداندیشی و منطق مقابله با اندیشه مخالف است.

قـرآن در برخـورد منطقی و بـدون هراس با دشـمن، در اوج قرار دارد. این کتاب آسـمانی، سخن دشمن خود را با تمام صداقت بیان می‌کند و بدون هراس از مخالف، به نقد منصفانه می‌پردازد. در همین ارتباط می‌توان به صدها آیه اشـاره کرد که سخن شیطان، فرعون، نمرود، سـامری و ماننـد آنـان به همان گونه که خود اظهار کرده‌اند، بیان شـده اسـت؛ حتی سـخن شـرک‌آلود مشـرکان و اهانت‌های نـاروای آنان به پیامبـران الهی، با صراحت تمام بیان شـده است. چنین آزاداندیشی و برخورد با اندیشه مخالف، بین مکاتب سیاسی وجود ندارد.

۱۲ . مشارکت مردم: توجه به آرای مردم از اصول مهم در مکاتب سیاسی است.

قرآن به پیامبر رحمت و اولین مؤسـس حکومت اسلامی، دستور می‌دهد تا در مسائل مهم جامعه با مردم مشورت کند و از مشارکت آنان برخوردار شود.(وشاورهم فی الامر) (آل عمران : ۱۵۹)

در جریان جنگ احد، برای دفاع از مدینه دو نظر مطرح بود؛ ماندن در شهر و دفاع از تهاجم دشمن، که پیامبر در ابتدا با این نظر موافق بودند و دیگر حرکت به بیرون شهر تا در آن نقطه با دشمن، به نبرد برخیزند.

آیه نازل شد که پیامبر نظرخواهی کند و بر اساس نظر غالب، به بیرون شهر عزیمت کردند.

پس از معرفی امام علی علیه‌السلام در روز غدیر، پیامبر دستور دادند مردم با ایشان بیعت کنند. معنای بیعت این بود که منصوب الهی، از حمایت و مشارکت مردم برخوردار باشد تا بتواند میان امت، وظایف رهبری را انجام دهد.

شرکت فعال مردم در تظاهرات میلیونی قبل از انقلاب، به معنای وفاداری مردم به رهبر خویش بود.

امروزه مشارکت مردم در اداره کشور با عنوان شرکت در "انتخابات" شناخته می‌شود.

۱۳ . شناخت دوست و دشمن: خداوند حکیم از ما می‌خواهد دوست و دشمن خود را بشناسیم، با دوستان روابط محبت‌آمیز و مهربان داشته باشیم، دشمن را نیز بشناسیم و با او رفتار مناسب با خودش داشته باشیم.

شناخت دوست و دشمن و موضعگیری مناسب، رفتار مهم سیاسی ـ اجتماعی است که به بصیرت نیاز دارد.

شناخت دشمن در شرایطی که مجهز به زر، زور و تزویر هستند، امکانات فراوان هنری دارند و رسانه‌های متعدد و کارشناسان فراوان دارند و قدرت شگفت در دروغ‌پردازی و فریب دارند، کاری بس پیچیده است.

از سوی دیگر، دوستان انقلاب یعنی مجموعه عظیم از مردم دنیا، که مورد ستم استکبار جهانی واقع شده‌اند و رفاه، امنیت و آزادی ندارند و نژادهای گوناگون، دین یا مذاهب متفاوت، زبان و رنگ مختلف آنان را از هم جدا نمی‌کند؛ زیرا در دیدگاه توحیدی همه انسان‌ها یک جان هستند در قالب‌های مختلف.

البته دست استعمار، به بهانه‌های مختلف، آتش فتنه و جنگ را روشن می‌کند تا ملت‌ها را ناتوان سازد، منابع آنان را غارت کند و اسلحه خودش را بفروشد.

شعار قرآن این است: اشداء علی الکفار، رحماء بینهم (فتح: ۲۹)؛ مؤمنان در مقابل کفار (ظالمان) استوار و در برابر یکدیگر، مهربان هستند.

نکته مهم این است که برای شناخت حق و باطل و دوست و دشمن، باید بصیرت داشته

باشـیم؛ زیـرا همه طرفداران باطل، خود را در پوشـش حق قرار می‌دهنـد و هرگز خود را بر باطل نمی‌داننـد. شـیطان خود را حق می‌دانـد، فرعون خود را حق می‌خواند و بر ضد موسـی تلاش می‌کرد، امروز نیز استعمارگران، خود را طرفدار بشر می‌خوانند.

برای تشخیص دوست و دشمن باید معیارهای ظلم و عدالت را بشناسیم و با واقعیت‌ها قضاوت کنیم، نه صرف نامگذاری. هر رفتاری که در مبارزه با ظلم و ظالمان باشد، دوست و طرفدار انقلاب به شمار می‌آید.

۱۴ . در صفحه ۱۱۷ قرآن با خط عثمان طه سه آیه ابتدا ، میانی و انتهایی ، معیار رابطه ما با ظالمان دنیای سلطه را تبیین می کند . این آیات را مطالعه فرمایید . البته منظور از اهل کتابی که در این آیات آمده ، کسـانی اسـت که با اسـلام به نبرد برخاسـته اند ، نه کسانی که زندگی مسالمت آمیز را در پیش گرفته اند و چون برادران خود به آنان احترام متقابل داریم .

مبارزه با باطل و پیروی از حق، از محرک‌های اصلی قیام‌های تاریخ ایران بوده و در انقلاب اسلامی نیز مردم براساس تکلیف الهی به نبرد با طاغوت و یاری حق، قیام کردند.

سنت پیامبر در حکومت

آیات قرآن در رابطه با حکومت، چون قانون اساسـی اسـت و سنت پیامبر در حکومت ده ساله و امام علی علیه‌السلام در حکومت پنج ساله، نمونه اجرایی آن است. پیامبر اکرم در مدت ده سال در مدینه ، حکومت مردمی و تاثیرگذار در جهان آن روز تشکیل دادند و آیات قرآن که در این مدت نازل شد ، در رابطه با مبانی حکومتی است که در سخن قبل در این باره بیان شد .

کتـاب نهج‌البلاغه، نیز نماد حکومت علوی و نمونـه تمام عیار وجود امام معصوم در راس حکومت اسـت و شـامل سـخنرانی هـا ، نامه هـا و حکمت هایی اسـت که امـام در دوران خلافت داشـته اند و نامه ۵۳ معروف به منشـور حکومتی مالک اشتر، تعیین‌کننده شاخص های حکومت اسـلامی اسـت. برخی از سفارش های امام به فرمانروای مصر، چنین است :۱ رعایـت عدل و انصاف ۲ رضایت عموم مردم ۳ پرده پوشـی بر عیـوب مردم ۴ گمان نیک به

مردم ۵ مشـورت با دانشـمندان برای اداره شـهرها ۶ حقوق هریک از طبقات جامعه بر حاکم ۷ اوصـاف قاضـی ۸ اوصاف کارگزاران ۹ اولویت به آبادانی زمیـن بیش از دریافت مالیات ۱۰ شرایط کاتبان ۱۱ نیکی به تجار و صنعتگران ۱۲ مراقبت از مستمندان ۱۳ برپایی نماز جماعت ۱۴ امتیاز ندادن به خویشـاوندان و خواص در بیت المال ۱۵ برطرف کردن بد گمانی مردم ۱۶ صلح با دشمن ۱۷ وفای به عهد .

در حکومـت اسـلامی رابطه بین حاکم و مردم، رابطه قلبی و همراهی اعتقادی اسـت ، رابطـه بین امام و امت اسـت و هریـک خود را متعهد به دیگری می دانـد . امام علی ، حقوق متقابل حاکم و مردم ، بریکدیگر را به خوبی بیان نموده و خود الگوی عملی آن بود . هم چنین برخورد شـدید امام علی، با کسانی که از اموال عمومی سوءاستفاده می‌کنند یا دچار انحراف می‌شـوند، موضوع چندین نامه امام به کارگزاران اسـت. امام در یک حکمت ، ریشه انقلاب یعنی ضرورت پیوند مردم و رهبر را به صورت هشداربیان نموده و فرمود : من نام عن نصره عده انتبه بوطئه عدوه : کسـی که به وقت یاری رهبرش در خواب باشـد ، با لگد دشـمن بیدار می شود . [۱]

امام خمینی، فقیه و عارفی بود که برای پیروی از سنت پیامبر، با پشتوانه آیات قرآن، برای ادای تکلیف دینی و به هدف نجات اسلام و ایران، وارد نبردی تمام‌عیار با استعمار و استبداد شـد. سـال ۴۲ که امام در سخنرانی خود "شاه، آمریکا و اسـرائیل" را محکوم کرد، هیچ کس تصـور نمی‌کرد این فریاد حق طلبانه ، روزی به قیام و فریاد همگانی ملت ایران تبدیل شـود . مبارزه با شـاه به معنای پذیرش شهادت بود و کاری غیرممکن یا بسیار سخت تلقی می‌شد. امام خمینی، اما با تکیه بر آیات الهی و شجاعتی مثال‌زدنی، به نصرت الهی کاملاً امیدوار بود و همیـن روحیه معنـوی و توکل بر خدا، در مردم ایران تحولی ایجاد کرد که از مقابله با دسـت خالی با تانک‌های ارتش شاه ، واهمه‌ای نداشتند ، برای انجام تکلیف الهی به میدان آمدند و این راه سخت را تا پیروزی دنبال کردند.

---

۱. آمدی ، غرر الحکم ، ۶۳۰

از شعارهای زمان انقلاب این بود: «ما پیرو قرآنیم، ما شاه نمی‌خواهیم.»

مردم با اعتقاد به انجام تکلیف الهی برای مبارزه با ظلم و به درخواست مرجع تقلید خود، همه سختی‌ها، حتی مجروح و شهید شدن را با روی باز پذیرفتند و هرگز دست از مقاومت برنداشتند و همین روحیه معنوی و شهادت‌طلبی، موجب پیروزی انقلاب اسلامی گردید.

ب- دو قرن قبل از انقلاب اسلامی

دو قرن قبل از انقلاب اسلامی، از یک سو عقب‌ماندگی ایران با پادشاهان مستبد قاجار و پهلوی را داریم و از سوی دیگر پیشرفت غرب و آغاز استعمار و غارت منابع کشورها از جمله ایران.

قراردادهای ننگین و خفت‌بار، جنگ‌های نابرابر و اشغال‌ها، قحطی‌های نابودکننده مردم، عقب‌ماندگی علمی و مسائلی از این قبیل که برخی را یادآور می‌شویم.

سال ۱۸۱۳ میلادی، قرارداد گلستان با روسیه آغازی بود برای قراردادهای ننگین دیگر، مانند ترکمن‌چای در سال ۱۸۲۸ و قرارداد با انگلیس در سال ۱۸۵۶ و پیمان آخال با روسیه در سال ۱۸۸۱ و قرارداد ۱۹۱۹ با انگلیس و تا سال ۱۳۵۰ شمسی (هفت سال قبل از انقلاب اسلامی) در مدت ۱۵۷ سال ، در حکومت شاهان قاجار و پهلوی دو سوم سرزمین ایران از کشور جدا شد و امروزه به کشورهای متعدد تبدیل شده است: آران و شروان، ارمنستان، گرجستان، داغستان، اوستیای شمالی، چچن، اینگوش، هرات و افغانستان، بخشی از بلوچستان و مکران، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، ضمیمه به قزاقزستان و قرقیزستان، شهرهای سرخس، فیروزه و حصار، سرزمین‌های جنوب خلیج فارس شامل امارات، قطر، عمان و آخرین آن بحرین بود که به دستور انگلیس و در زمان محمدرضا پهلوی از کشور جدا شد. ، سرزمین جدا شده از ایران ، بیش از سه میلیون و ششصد هزار کیلومتر و اکنون حدود ۱۹ کشور می باشد .[۱]

---

۱. فیلم موشن مرزها – شبکه خبر را ببینید

دست استعمار به جداسازی بخش‌های سرزمین ایران اکتفا نکرد، بلکه طی قراردادهای دیگر منابع، معادن، اقتصاد و امنیت کشور را در اختیار گرفت.

نفت ایران در زمان قاجار به مدت هفتاد سال در اختیار انگلیس قرار گرفت و با آمدن رضا شاه برای سی سال دیگر تمدید شد.

استعمارگران در مواردی، قراردادها را زیر پوشش شرکت‌ها یا افراد قرار می‌دهند تا در صورت شکست، خود را کنار بکشند؛ مانند رویتر انگلیسی که برای هفتاد سال امتیاز راه‌ها، معادن و گمرک ایران را در انحصار گرفت و دارسی انگلیسی، که امتیاز نفت را برای هفتاد سال در اختیار گرفت و قرارداد خوشتار روسی و قرارداد شرکت تالبوت انگلیسی برای تنباکو. همچنین در مواردی دستور یک طرفه خود را قرارداد می‌نامند، در حالی که قرارداد یعنی معامله طرفینی؛ مثلاً غارت یک طرفه نفت را، قرارداد می‌نامند.

مردم ایران چند بار با قحطی‌های نابودکننده مواجه شدند؛ از جمله قحطی سال ۱۲۹۷ شمسی که با توطئه انگلیس پدید آمد و بیماری واگیردار و قحطی، سبب مرگ میلیون‌ها ایرانی شد و طبق برخی گزارش‌ها حدود نیمی از جمعیت ایران، از گرسنگی در کام مرگ رفتند.

پایان دیکتاتوری رضاشاه با اشغال کشور توسط انگلیس و روسیه مواجه شد که نیروی نظامی انگلیس از جنوب پیشروی نمود و در قم مستقر شد و ارتش روسیه از یک سمت تا کرج و از سمت دیگر تا سمنان آمد و سپس رضا شاه از کشور گریخت.[۱]

در کنار تهاجم‌ها و اشغال‌ها و غارت منابع، در دو قرن گذشته شاهد حرکت‌های آزادی‌خواهانه مردم با رهبری علمای دینی هستیم که این تلاش‌ها مورد حمایت پادشاهان نبود.

مردم ایران و عراق به رهبری آیت الله محمد طباطبایی، معروف به مجاهد با ارتش روسیه، که به شمال ایران حمله کرده بود، به جهاد برخاستند و مناطق اشغال‌شده را آزاد کردند؛ اما با خیانت شاه قاجار، سرزمین‌ها با پوشش قرارداد ترکمنچای، به اشغال درآمد.

---

۱. فیلم مستند در برابر طوفان را ببینید

انگلیس در جریان جنگ جهانی اول مناطقی از جنوب را اشـغال کرد که عشـایر عرب به فتوای آیت الله سـید کاظم یزدی، به جهاد برخاسـتند و در سـال ۱۲۹۳ حماسه حضور مردم اتفاق افتاد.

همچنین مبارزات ساحل‌نشـینان خلیج فارس در سـال ۱۲۹۴ به فتوای مراجع تقلید و با رهبری رئیس علی دلواری درمنطقه بوشهر و تنگستان با انگلیسی‌های متجاوز، نمونه دیگری از مبا رزات مردم است.(Isna.Ir)

قـرارداد اسـتعماری تنباکو با فتوای آیت الله میرزای شـیرازی در سـال ۱۲۷۱ شمسـی و با همکاری مردم موجب لغو قرارداد ، شکسـت طرح اسـتعماری انگلیس و سـرافکندگی شـاه قاجار گردید و آغازی بود برای حضور موفق علما در مبارزات سیاسی که با حمایت‌های مردم به نتیجه می‌رسـید. انگلیس که اسـتعمارگر بزرگ دنیا محسـوب می شـد ، قصد داشت زیر پوشش قرارداد تنباکو، کشور ایران را به اشغال و استعمار کامل خود درآورد ، که شکست خورد.

نهضـت مشـروطه با رهبری مراجـع تقلید، حرکتـی بود بـرای محدودیت شـاه و مبارزه با استبداد داخلی که پس از مدت‌ها درگیری و التهاب در مرداد ۱۲۸۵ و با تشکیل مجلس شورا به نتیجه رسید. این حرکت مردمی با طراحی بیگانه و همراهی افراد غرب‌زده، پس از گذشت سالیانی، مسیر خود را از دست داد و با اعدام شیخ فضل الله نوری و حمایت مجلس از عنصر وابسته به انگلیس، رضاشاه، از اهداف اولیه جدا شد.

رضاشاه، فردی مستبد و دیکتاتور بود که علیه قاجار کودتا کرد و از سال ۱۳۰۴ شاه ایران بود و در مدت شانزده سال از یک سو مبارزه علنی با مراسم دینی داشت و حجاب و مجالس امام حسـین را ممنوع کرد و از سـوی دیگر به ترویج فرهنگ غرب و تقلید از آنان اقدام نمود، در آخر با اشغال کشور توسط متفقین در سال ۱۳۲۰ ارتش وی به سرعت متلاشی شد و خود مجبور به فرار از کشور گردید. (فیلم مستند روزگار رضا خانی را ببینید

با حمایت انگلیس، فرزندش محمدرضا به پادشـاهی رسـید و پس از مدتی کوتاه جنگ جهانی دوم به وقوع پیوست و ایران با وجود اعلام بی‌طرفی، توسط ارتش بیگانه مورد تاخت و

تاز قرار گرفت و مردم آسیب فراوان دیدند.[۱]

نهضت ملی شـدن نفت در سال ۱۳۳۰ توسـط دکتر مصدق و حمایت آیت الله کاشانی، برای مبارزه با استعمار انگلیس بود که در طول ده‌ها سال نفت ایران را به تاراج می‌برد؛ مصدق بـرای مبارزه بـا انگلیس به وعده های امریکا اعتماد کرد ، آنان هـم زمان به وعده برای کمک بـه ایـران ، در حال برنامه ریزی برای کودتای امریکایی –انگلیـس بودند . اگر دکتر مصدق به جـای اعتماد به بیگانه ، بـه نیروهای داخلی اعتماد می نمود ، امریکا در کودتا ناکام می ماند . بـا کودتـای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تلاش ها برای ملی شـدن نفت ناکام ماند و این بار شـاه مجری دسـتورات آمریکا گردید و هزاران مستشـار و مأمور آمریکا، نبض اقتصاد و امنیت کشـور را در دست گرفتند. آمریکا دولت قانونی ایران را ازبین برد و ذخایر و امنیت ما را غارت کند و یک ملـت بزرگ را به اسـارت گرفت ، البته با پیروزی انقلاب ، شـرایط تغییر کـرد و اکنون بیش از چهل سـال است که امریکای مسـتکبر در برابر مردم بیدار ایران ، ناکام مانده است . مناقشه بین ایران و آمریکا از آن زمان آغاز شده و ادامه دارد .

شاه، در سال ۱۳۴۲ لوایحی را تصویب کرد که امام خمینی، اقدام او را آغازی برای اقدامات ضد دینی وی دانستند و علیه شاه، اسرائیل و آمریکا، سخنرانی کردند؛ پس از این سخنرانی آتشین، حضرت امام دستگیر و زندانی شدند.

مردم ایران برای اعتراض به دستگیری امام، تظاهرات کردند و با یورش ارتش مسلح، هزاران نفر در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به شهادت رسیدند و امام پس از چهار ماه آزاد شدند.

شـاه برای حمایت از شصت هزار آمریکایی ساکن ایران، لایحه کاپیتولاسیون (مصونیت قضایـی آمریکایی‌هـا) را در سـال ۱۳۴۳ به مجلـس شـورا داد و با تصویب ایـن لایحه فریاد اعتراض امام خمینی برخاسـت و رژیم شـاه ایشان را به ترکیه تبعید کرد. حرکت‌های انقلابی امام که در این زمان از مراجع تقلید حوزه علمیه قم محسوب می‌شدند، آغازی برای مبارزات انقلاب اسلامی گردید که در فصل بعد به آن خواهیم پرداخت. (روحانی –۱۳۶۰)

---

۱. فیلم راه آهن رضا شاه را ببینید . تولید شبکه خبر

فصل سوم: ارکان انقلاب: مردم، رهبری و مکتب انقلاب

انقلاب‌ها برسه پایه اصلی استوار هستند که عبارت‌اند از: مردم، رهبری و مکتب انقلاب؛ این سه پایه در انقلاب اسلامی، در بهترین شرایط وجود داشت و در این فصل به بررسی آن می‌پردازیم.

۱. حضور گسترده مردمی

از ارکان مهم هر حرکت اجتماعی – سیاسی حضور و مشارکت فعال توده مردم است و بدون حضور مردم ، هیچ انقلابی قابل تصور نیست . حضور مردم ، هم لازمه پیروزی انقلاب است ، هم لازمه تداوم آن . مردم ، همان گونه که برای رژیم استبدادی گذشته در صحنه بوده اند برای حمایت از نظام جدید و توسعه ، امنیت و پیشرفت کشور باید در صحنه های انقلاب مشارکت داشته باشند . در انقلاب اسلامی ، انگیزه دفاع از آرمان های معنوی و مبارزه با ظلم ، سبب شد مردم به عنوان وظیفه دینی و ملی ، مشارکت کنند .

واژه «مـردم»(People) بـه اجتماع مردمی اطلاق می‌گردد کـه در منطقه جغرافیایی خاص زندگی می‌کنند. اصطلاح Nation که در فارسـی، «ملت» ترجمه شـده، به گروهی از مردم که دارای اشتراک خاص نژادی، مذهبی، زبان و فرهنگ هستند، اطلاق می‌گردد و در عربی به آن «شعب» می‌گویند. اصطلاح ملت جنبه ایدئولوژیک دارد و برای دین و آیین خاص به کار برده

شده است: ملت مسلمان، ملت یهود، ملت نصاری و... .

اصطلاح دیگری که در فارسی و عربی به کار برده می‌شود ، اصطلاح «امت» است که از ریشه «ام» به معنای راه یا مذهب گرفته شده است. اصطلاحات امت و امامت مفهوم ایدئولوژیکی خاصی دارد و برای مردمی است که با آیین خاص و به رهبری خاص، "امامت"، زندگی، تلاش و حرکت می‌کنند. اصطلاحات مزبور در مکتب اسلام زیاد به کار برده شده است و لازم و ملزوم یکدیگر قلمداد می‌شوند و هیچ امتی بدون مکتب و امام نمی‌تواند زندگی مفید و باارزشی داشته باشد.

یکی از مسائل مهمی که اغلب تحلیل‌گران انقلاب اسلامی را به خود جلب کرده و ناظران خارجی را به حیرت انداخته، این واقعیت بود که چگونه در این انقلاب، ناگهان تمام مردم هم زمان متحد شدند و قیام کردند و هم صدا خواستار تحول و تغییر اساسی، یعنی سقوط رژیم شاه و برقراری حکومت اسلامی شدند.

اگر به سایر انقلاب‌های بزرگ دنیا نظر افکنیم، پدیده‌ای را با این وسعت و گستردگی مشاهده نمی‌کنیم. چنانچه اشاره شد، در انقلاب فرانسه ابتدا اشراف و به دنبال آن‌ها بورژواهای شهری قیام و نظام بوربون‌ها را سرنگون کردند و به همین دلیل این انقلاب به انقلاب بورژواها معروف شد.

در انقلاب روسیه که به انقلاب بلشویکی معروف است، در حقیقت کارگران اعتصابی کارخانجات پتروگراد به همراه گروهی از سربازان پادگان شهری که به کارگران پیوسته بودند، توانستند دولت تزاری را سرنگون کنند و در چین نیز کشاورزان و دهقانان بودند که بخش اعظم مبارزات را از روستاها رهبری و هدایت کردند و به ثمر رساندند و به همین دلیل، این انقلاب به انقلاب کشاورزی ـ دهقانی معروف شد؛(ملکوتیان – ۱۳۹۷) در حالی که در ایران به جز عده معدودی که وابستگی بسیار نزدیک به رژیم شاه داشتند و منافع و بقایای آنها به دوام رژیم شاه بستگی داشت، دیگر اقشار و طبقات جامعه اعم از کشاورز، کارگر، اصناف، کارکنان دولت، دانشجویان و دانش‌آموزان شهری و روستایی در همه نقاط کشور، بدون آنکه به ائتلاف و با

تفاهم بر سر خواسته‌های متفاوت گروه‌ها نیازی پیدا شود، هم‌صدا با شعارهای واحد قیام کردند. اعتصابات سراسری در کشور به بهانه‌های گوناگون رژیم شاه را فلج نمود، اصناف و بازاریان کسب و کار خود را رها می‌کردند و به تظاهرات مردم می‌پیوستند؛ دانشگاه‌ها و مدارس عملاً تعطیل گردید و استادان، معلمان، دانشجویان و دانش‌آموزان دست از کار می‌کشیدند و به خیل عظیم مردم و تظاهرات روزمره می‌پیوستند. کارگران کارخانجات حتی کارگران صنایع نفت و باراندازان کشتی‌ها اعتصاب کردند و دست از کار کشیدند به طوری که در تأمین مایحتاج مردم از قبیل سوخت زمستانی و گندم اختلالاتی به وجود آمد و رهبری انقلاب هیئتی را مأمور مذاکره با کارگران صنعت نفت نمود و بخشی مربوط به نیازمندی‌های داخل مجدد به کار بازگشتند. کارکنان دولت که از نظر تأمین مالی وابستگی به دولت داشتند، دست از کار کشیدند و وزرای منصوب رژیم را به وزارتخانه‌ها راه ندادند. افزون بر آن، فرار سربازان و درجه‌داران از پادگان‌های نظامی موجب گردید آخرین امید رژیم شاه به استفاده از نیروهای مسلح نقش بر آب گردد و رژیم را وادار به تسلیم نماید.

تبلور عینی این وحدت و یکپارچگی را می‌توان در تظاهرات روزهای عید فطر، تاسوعا و عاشورا در سال ۱۳۵۷ در تهران دید. ناگهان مردم تهران، شهری که بر اثر حرکت‌های شاه چهره مذهبی خود را از دست داده بود، قیام کردند و دستیابی به آرمان‌های خود را در پیروی از روحانیت و مذهب یافتند. همه با هم، حتی آنهایی که چندان مذهبی نبودند، با تمام ملت فریاد "الله اکبر" سر دادند و آزادی خود را در مذهب دیدند. در روز عید فطر، تهران در آستانه حرکت قرار گرفت که سرتاسر کشور را فراگرفته و در تب و تابی عرفانی هویت خود را باز یافته بود و آنچه را که جزء نظم عادی جوامع مدرن امروزی است همچون سرابی به دور می‌افکند. در تظاهرات عاشورا اگر کودکان، ناتوان‌ها، پیران و قسمتی از زنان را که در خانه می‌مانند کنار بگذاریم، تمام مردم تهران در خیابان‌ها بودند و شعار «مرگ بر شاه» را فریاد می‌زدند. همه به استثنای آنهایی که وابستگی بسیار نزدیک به رژیم شاه داشتند، حتی افرادی که مدت‌های طولانی همراه رژیم بودند و تا چندی پیش طرف‌دار سلطنت مشروطه بودند، فریاد مرگ بر شاه

سرمی‌دادند.

اصـولا حرکت‌های انقلابـی توده‌های مردم اراده مطلق دسـته جمعی را آشـکار می‌کند و در تاریخ ملت‌های دنیا کمتر چنین موقعیتی پیدا می‌شـود. اراده جمعی اسطوره‌ای سیاسي است که به کمک آن حقوق‌دانان و فلاسفه می‌کوشند تشکیلات و سازمان‌دهی آن را تحلیل و توجیه کنند. این اراده جمعی یک جنبه تئوریک دارد که کمتر به چشم کسی دیده شده و به قول میشل فوکو «مانند خدا یا روح شاید هرگز به چشم دیده نشود.» اما در تهران و در تمام ایران چنین اراده جمعی یک ملت مشـاهده شـد و به این ترتیب، وحدتی ناگهانی در تاریخ ملت ایران و بر پایه احساسات قوی مذهبی به وجود آمد؛ این احساسات در رابطه با مسائلی شکل گرفت که سال‌ها ملت از آن در رنج بود؛ رنج از سلطه و نفوذ بیگانگان، احساس تنفر از غارت و چپاول منابع و سـرمایه‌های ملی به وسـیله یک گروه معدود، طبقه حاکم وابسته به بیگانه، سیاسـت خارجی غیرمستقل و تحت نفوذ آشـکار انگلیس و آمریکا، خواسته ملت را نه تنها بر طرد مسـائل فوق مطرح کرد، بلکه طرد همه ارزش‌های مسـلط که از سـال‌ها و قرن‌ها پیش سرنوشت سیاسی آنها را پدید آورده بود و بدبختی‌ها و حقارت‌ها را به دنبال داشته است.

ایجاد چنین اراده دسـته‌جمعی و اتحاد مردم نتیجه اتحاد میان افراد و همچنین سـازش میان گروه‌های مختلف سیاسی نبود که هریک در موارد مربوط به خواسته‌های گوناگون خود سازش و در مواردی تعدیل کنند و تسلیم شوند، بلکه براساس یک توافق و تفاهم نانوشته روی نفی مطلق نظام حاکم و اقامه ارزش‌های مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق جامعه و به رهبری مرجعیت شیعه بود. با وجود این‌که حرکت انقلابی در ایران بر پایه الگوها و آرمان‌های مکتب تشیع بود، اهل سنت هم از این جنبش، طرفداری و در انقلاب شرکت کردند.

میشل فوکو گوید: شخصیت آیت اله خمینی به افسانه پهلو می زند. وی در گفت‌وگویی که با یکی از اهالی سـنی مذهب کردسـتان داشت، می‌نویسـد: وقتی از او درباره شرکتش در انقلاب، با وجود اختلافات مذهبی و ملی پرسیدم، چنین اظهار داشت: درست است که ما سنی هستیم، اما قبل از هر چیز مسلمانیم یا این‌که گفت ما قبل از هر چیز ایرانی هستیم و در

تمام مسائل ایران سهم داریم. ما می‌خواهیم شاه برود. زنده باد خمینی، مرگ برشاه. شعارها در کردستان همان شعارهای تهران یا مشهد بود.[۱]

آنچه شدت و عمق انقلاب را در ایران مشخص می‌کرد دو عامل بود؛ یکی اراده جمعی مردم که از نظر سیاسی شکل گرفته بود و مورد تردید هیچ کس حتی دشمنان انقلاب و شاه هم نبود و دیگری خواست و اراده آنها در تغییر اساسی و بنیادین در نظام سیاسی اجتماعی و ارزش‌های حاکم بر جامعه.

آنتونی پارسونز، سفیر انگلیس در ایران در کتاب خاطرات خود به نام «غرور و سقوط» می‌نویسد که شاه در یکی از ملاقات‌های مکرری که در ماه‌های آخر حکومتش با او داشتم با اندوه و افسوس پرسید: «چرا توده‌های مردم پس از همه خدماتی که برایشان انجام داده‌ام، رو در روی من ایستادند؟ من در پاسخ او گفتم: به نظر من دلایل زیادی وجود داشت. هجوم انبوه مردم به داخل شهرها به تشکیل گروه کارگران بی‌بنیاد ناراضی منتهی شده بود. بسیاری از آنها به ساختمان‌سازی اشتغال داشتند. آنها روزها برای ثروتمندان خانه می‌ساختند و شب‌ها به کلبه‌های خود یا حتی به سوراخ‌هایی که به وسیله پلاستیک محصور شده بود، بازمی‌گشتند».[۲]

ولی پارسونز به دلیل عداوت و کینه‌ای که نسبت به آرمان‌های مذهبی مردم داشت، این موضوع را نادیده گرفت که علت اصلی و اساسی قیام مردم این بود که شاه برای نابودی ارزش‌های مسلط جامعه آن‌ها، که از مذهب و آیین آنها سرچشمه می‌گرفت، قیام کرده بود و به همین دلیل جایی برای صبر و تحمل در مقابل سایر ناملایمات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وجود نداشت.

به همین دلیل مشاهده می‌گردد که مردم در شعارهایشان تنها چیزی را که مطرح نمی‌کردند، خواسته‌های مادی و اقتصادی بود. آنها تحت لوای مذهب و شعارهای آن و از مسجد که

---

۱. بریر و بلانشه ۱۳۵۸، ۲۶۰
۲. پارسونز، ۱۳۶۳: ۱۲۵

عبادتـگاه همه مسلمان‌هاسـت و به رهبری روحانـی مذهبی قیام کردند و پیروز شـدند. تدا اساچپول می‌گوید:

انقلاب ایران، آشکارا آن‌قدر مردمی بود و آن‌قدر روابط اساسی و بنیادهای فرهنگی ـ اجتماعی را در ایران تغییر داد که حقیقتاً نمونه‌ای از انقلاب‌های اجتماعی ـ تاریخی بزرگ می‌باشـد. (اسکاچپول، ۱۳۷۹)

مسجد، کانون مبارزات

از دیرزمان مسـاجد در تاریخ مبارزات ملت‌های مسلمان، به ویژه ایرانیان نقش مهمی در مبارزه با سیستم‌های ستمگر حاکم و نفوذ بیگانگان داشته است.

در ایام انقلاب، مسـاجد به مکانی برای گردهمایی، مشـورت، تبـادل افکار و اطلاعات، تصمیم‌گیـری اجتماعی و مبـارزات و فعالیت‌های اجتماعی تبدیل شـده بود؛ در حقیقت، مسـجد پیونددهنده سیاست و اعمال عبادی بود و این امر بر اساس سنت و رویه ایجادشده در صدر اسـلام، به ویژه در زمان پیامبر اکرم ﷺ اسـت، حتی حرکت لشکریان اسلام برای عزیمت به میدان کارزار از مساجد آغاز می‌شد.

در دوران انقلاب هم به طور طبیعی و براسـاس سـابقه تاریخی، مساجد ایران دوباره فعال و مرکز مبارزات ضدرژیم شده بود. حمله به مسجد گوهرشاد در زمان رضا شاه و کشتار مردم، به توپ بستن حرم امام رضا علیه‌السلام به وسیله روس‌ها و همچنین حمله به مسجد جامع کرمان و به آتش کشیدن آن و کشتار مردم در دوران انقلاب، نشان‌دهنده اهمیت مساجد در مبارزات مزبور و استفاده از آن در قالب سنگر مبارزه و نشان از عنادی است که قدرت سیاسی نسبت به این مکان مقدس داشته است.

مهم‌تـر از نقـش مسـجد، نقـش روحانیـون و علمـای مذهبی در رهبـری و سـازمان‌دهی حرکت‌های انقلابی است که باید بیشتر به آنها پرداخت. روحانیت در ایران دارای ویژگی‌های خاصی است که در اجرای نقش مردمی انقلاب، بسیار مؤثر بوده است.

اکثریت قریب به اتفاق روحانیون از میان طبقات فقیر و محروم جامعه و اغلب از روستاها برخاسته و درد و رنج توده‌های اجتماعی را لمس کرده و با این درد و رنج بزرگ شده بودند؛ در حالی که طبقات تحصیل‌کرده و روشنفکر که در بسیاری از حرکت‌های سیاسی-اجتماعی رهبری مبارزات ملی را برعهده می‌گیرند، خود طبقه ممتازی را با فرهنگ خاص خود تشکیل می‌دهند که از توده مردم جدا شده و حتی ارتباط معنوی خود را با آن‌ها از دست داده‌اند. روحانیون برعکس از میان مردم برخاستند، میان آن‌ها و مانند آن‌ها رشد کردند و با درد و رنج آن‌ها آشنا هستند و هیچ گاه ارتباط فرهنگی و معنوی خود را با آنها از دست نمی‌دهند.

روحانیون شیعه از استقلال مالی برخوردار نبودند و تأمین معاش آنها به کمک‌های مختلفی بستگی داشت که از طریق وجوهات شرعی دریافتی از مردم مسلمان و معتقد تأمین می‌شد. به طور طبیعی استقلال مالی و تأمین معاش آنها از سوی مردم به روحانیون شیعه کمک کرد تا بتوانند فارغ از هر نوع نگرانی و دغدغه‌ای فعالیت‌های سیاسی-مذهبی خود را بر پایه خواسته توده‌های مردم انجام دهند.

روحانیون شیعه توانسته‌اند نقش حساس و مهمی در جنبش‌های سیاسی-اجتماعی یک قرن اخیر ایفا کنند و به همین دلیل، هرزمان روحانیون شیعه با قدرت سیاسی حاکم به مبارزه پرداخته‌اند، قدرت سیاسی نبرد را باخته است؛ زیرا قدرت رهبران سیاسی غیرمذهبی قابل قیاس و برابری با قدرت روحانیون نیست.

به همین علت در یک قرن اخیر، برخی جریان‌های سیاسی عموماً لیبرال و غرب‌زده به این نتیجه رسیدند که بدون حمایت روحانیون و علما امکان ندارد با توده‌های مردم ارتباط برقرار کنند و آنها را به حرکت درآورند؛ لذا با آنها یک نوع تفاهم تاکتیکی برقرار کردند تا آنها فعالانه توده‌های مردم را به منظور رسیدن به اهداف ملی تحریک کنند؛ از سوی دیگر، رهبران روحانی برای گروه های سیاسی از همه مخالفان خطرناک‌تر بوده‌اند؛ زیرا آن‌ها کمتر اهل سازش و تسلیم‌اند و نه تنها با زدوبندهای سیاسی آشنا نیستند بلکه در مفهوم و معنای ماکیاولی تربیت سیاسی نیافته‌اند و اگر هم وارد حرکت سیاست می‌شوند، صرفاً به این دلیل است که

برای ملت و مذهب احساس خطر می‌کنند.

رابرت گراهام در رابطه با نقش روحانیت و مسجد در مبارزات مردم ایران می‌نویسد:

> واقعیت امر این است که روحانیت میان مردم زندگی کرده و ارتباط بسیار نزدیک‌تری با آن‌ها داشته است و در نتیجه از احساسات توده‌ها آگاهی بیشتری دارد مسجد، بخش جدانشدنی از زندگی توده‌های مردم و بازار است و بازار مرکز زندگی عادی مردم است، زمانی که روحانیت با سیاست‌های دولت مخالفت می‌کند نظرات روحانیت دارای چنان مشروعیتی است که حتی در سخت‌ترین شرایط استبدادی مورد توجه مردم قرار می‌گیرد؛ از طرف دیگر، شبکه ارتباطی روحانیت و سیستم مسجد، قدرت تماس با همه اقشار مردم را فراهم می‌آورد.

در سیستم سیاسی روحانیت ایران سلسله مراتب رسمی وجود ندارد، بلکه بر اساس امر اجتهاد و تقلید یک رابطه قلبی و معنوی، گروه‌های اجتماعی را با روحانیون و در نهایت با رهبران مذهبی پیوند می‌دهد؛ ضمن اینکه رهبران مذهبی هم در هر مسئله کوچک و جزئی دخالت نمی‌کنند بلکه توصیه‌های آن‌ها بیشتر جنبه ارشادی و یاد آوری در اجرای تکالیف شرعی و الهی مردم دارد. شناخت مصادیق عینی و تطبیق و پیاده کردن نظرات ایشان بر عهده گروه‌های اجتماعی و افراد است.

این شیوه برخورد از برقراری سلسله مراتب خشک فرماندهی و فرمانبری جلوگیری به عمل می‌آورد و سبب خلاقیت و مشارکت گروه‌های اجتماعی در به کار بردن ابتکارات و نظریات خود در نحوه مبارزه و رویارویی با قدرت سیاسی و کارایی بیشتر می‌گردد. در این سیستم، اطاعت کورکورانه و اجبار مفهومی ندارد، سیستم عضوگیری مطرح نیست و برای ورود به گروه‌های فعال، شرایط یا ویژگی‌های خاصی نیاز نیست. تنها قبول اهداف و چهار چوب کلی مبارزه برای مشارکت در حرکت‌های سیاسی-مذهبی مردم کافی است و روحانیون تنها یک شبکه ارتباطی مستمر با رهبری مبارزات را ایجاد می‌کنند. از میان همین روحانیون است که رهبران مذهبی سیاسی بزرگی همچون رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی ظهور می‌یابد.

۲. رهبری انقلاب اسلامی

هـر کـس از نزدیک با امام آشـنا بود، متوجه می‌شـد که این مرد یک انسـان ایدئال با همه صفات و ویژگی‌های حسـنه بود. ترکیبـی از توانایی‌های خداداده روحی، سیاسـی، فکری و اخلاقی این شـخصیت اسـتثنایی را در موقعیتی قرار داد که توانست چنین نقش عظیمی را در ایـران بـرعهده گیرد. قـدرت و توانایی او بی‌تردید به مراتب از حد یک مرجع تقلید بیشـتر بود و ایشان نمونه و آینه تمام‌نمای مفهوم کامل خودشناسی و بازگشت به خود، به عنوان یک مسلمان واقعی به شمار می‌رفت. حتی مسلمانان غیرایرانی هم در او نمونه بسیار با ارزشی از انسان ایدئال مسلمان را می‌دیدند.

او کسـی بـود که توانسـت ظرف چند هفته میلیون‌هـا ایرانی را برای تظاهـرات به خیابان بکشاند، با وجود این، وقتی زندگی، محل کار و سکونت او مشاهده می‌شد، چیزی جز سادگی و بی‌پیرایگی مشهود نبود. روی زمین پشت میزکوچک تحریر خود می‌نشست که کل تجهیزات اتاق کار وی نیز همان میز کوچک بود.

وقتی امام و شـخصیت وی را ارزیابی می‌کنیم، می‌بینیم که او نمونه کامل علمای شـیعه بود و این امر نه تنها به دلیل نفوذ و قدرت فوق تصور کامل، جامع و وسـیع او در امور سیاسـی-اجتماعی است، بلکه به دلیل بعد علمی خالص سنتی ایشان هم هست.

زندگی امام قبل از ظهورش در قالب رهبر نهضت عین سادگی قابل توجه است. ایشان در سال ۱۲۸۰ش در خانواده روحانی در خمین به دنیا آمد. پدر ایشان آیت الله شهید مرحوم سید مصطفی موسـوی ، تحصیلات خود را در نجف اشرف و سامرا در عهد میرزای شیرازی دنبال کرد و در زمره علما و مجتهدان عصر خود بود و پس از بازگشت از نجف زعامت اهالی خمین را برعهده گرفت؛ ولی در زمانی که سـید روح اله بیش از چند ماه نداشـت ، بین راه خمین و اراک مورد سوءقصد قرار گرفت و به شهادت رسید. بیش از پانزده سال عمر ایشان نگذشته بود که مادر خود را نیز از دسـت داد، این مصائب پی‌درپی اگرچه روح امام را آزرده خاطر ساخت، ایشان را در قبال بحران‌ها و مشکلات آبدیده کرد.

سـید روح الـه که دارای هوش و اسـتعداد سرشـاری بود، در همـان اوان کودکی خواندن و نوشـتن آموخت و در پانزده سـالگی نزد بـرادر بزرگ‌تر خویش صرف و نحـو و منطق را خواند و به تحصیل مقدمات نزد ایشـان ادامه داد و سـپس برای تکمیل تحصیلات به اراک رفت و در حوزه علمیه آن شهر که تحت زعامت آیت الله عبدالکریم حائری یزدی بود، نزد استادان فن به آموختن علوم مشغول گردید.

ایشان در سال ۱۳۰۰ به حوزه علمیه قم منتقل گردید و تا سال ۱۳۰۵ سطوح عالیه را به پایان رساند و نزد مرحوم حائری پایه‌های علمی و مبانی فقهی و اصولی خود را تحکیم و تکمیل کرد و به درجه اجتهاد نائل گردید. در سال ۱۳۱۵ که آیت الله حائری درگذشت، امام دارای مبانی متقن، مسـتقل و محکم بود و در زمره مجتهدان و نوابغ علمی قرار داشـت و مانند سـتاره‌ای درخشـان در آسمان علم و فضیلت در حوزه علمیه قم می‌درخشید و از برجسته‌ترین علمای حوزه قم بود.

امام خمینی علاوه بر مقام ممتاز فقاهت در علوم هیئت، فقه، حکمت و عرفان نیز مهارتی ویژه و تخصصی کامل داشت که نزد استادانی همچون آیت الله شیخ محمد علی شاه‌آبادی فراگرفته بود.

از نظـر تهذیب نفس و خودسـازی از همـان آغاز جوانی علم و عمل را بـا هم به پیش برد و هم زمان با تحصیل علوم اسلامی به اجرای آنها به ویژه از نظر کسب فضایل انسانی و روحانی پرداخت و از این نظر نیز میان شخصیت‌های بزرگ علمی و روحانی، محافل مذهبی و عموم مردم ایران مقام و منزلت ویژه و پرارجی کسب کرد.

از نظـر نظم و انضباط هم زندگی خود را تحت نظم خاص قرار داد و از این لحاظ نمونه‌ای کم‌نظیر بود. زمان استراحت، عبادت، مطالعه، تدریس، قدم زدن همه روی نظم خاصی بود، به طوری که سایر اعضای خانواده برنامه خود را بر اساس برنامه‌های امام تنظیم می‌کردند.

یکـی از ویژگی‌هـای جالب توجه درباره ایشـان این اسـت کـه نقش رهبری ایشـان از نظر سیاسـی در انقلاب که در تاریخ سـابقه ندارد، موقعیت برجسته ایشان را در قالب یک استاد

ممتاز، یک فیلسوف و یک عارف تحت‌الشعاع قرار داده است. برخی براین باورند که تفکر یک فیلسوف و عارف ، او را از واقعیات جامعه دور می‌گرداند و خود را از قبول هر نوع نقش سیاسی و اجتماعی کنار می‌کشد، با این تصور که مسائل صرفاً ذهنی، ارتباط عینی با مسائل موجود مسلمانان و جهان اسلام ندارند. زندگی امام برعکس، دلیل واضحی بر ارتباط مسائل فوق بود و نشان‌دهنده این واقعیت است که برنامه او، صرفاً یک حرکت سیاسی نبود، بلکه در عین حال انجام یک تکلیف الهی نیز بوده است. در عرفان واقعی ، عارف پس از طی مراحل سیر و سلوک ، برای نجات و هدایت مردم ، تلاش می کند تا خود و مردم را به حرکت رو به کمال رشد دهد و حساسیت امام نسبت به ظلم های رژیم شاه و اعتراض به آن و دل سوزی برای نجات مردم ، در حقیقت ادامه سیر و سلوک عرفانی ایشان بود .[۱]

از نظر عرفانی می‌توان گفت که خصوصیات اخلاقی و روحی امام بود که از او یک انسان والا با مجموعه‌ای از خصوصیات بارز یک مسلمان ایدئال می‌سازد. امام، یکی از رهبران انقلابی کم‌نظیری است که با ساده‌ترین شیوه و بدون هیچ گونه تجمل و تشریقاتی زندگی کرد و با غذای بسیار ساده‌ای به سر می‌برد.

فلسفه و عرفان جزء اولین درس‌هایی بود که حضرت امام، در حوزه قم تدریس کردند و جلسات درس ایشان با استقبال فراوان دانشجویان و دانش‌پژوهان مواجه شد.

ایشان کتاب‌های متعددی چه به صورت اصلی و چه به صورت حاشیه بر کتاب‌های موجود نوشته‌اند. اولین کتاب امام ، به نام «کشف الاسرار» درپاسخ به کتاب اسرار هزارساله و برای دفاع از شبهات فکری به نگارش در آمد . در این کتاب علاوه برطرح حکومت اسلامی ، با شجاعت هر چه تمام‌تر از رژیم رضاخان انتقاد کرده و به خصوص به مسئله تسلیم‌پذیری رضاخان در مقابل قدرت‌های خارجی پرداختند.

نوع برخورد امام با رژیم کاملاً غیرسازش کارانه و شیوه‌ای تسلیم‌ناپذیر بود که این رویه نه تنها از نظر رژیم پهلوی غیر قابل بخشایش بود . در دورانی که آیت الله بروجردی مرجعیت تامه

---

۱. در اسفار چهارگانه عرفانی حرکت به سوی خدا همراه با مردم مطرح می شود . اسفار . ملاصدرا

را برعهده داشت، امام از نزدیکان و طرف مشورت ایشان به حساب می‌آمد؛ تا زمانی که آیت اله بروجردی در قید حیات بود، امام به طور مستقیم و در قالب یک چهره سیاسی-مذهبی شناخته نشده بود، تا این‌که به دنبال درگذشت آیت الله بروجردی و چند ماه بعد وفات آیت الله کاشانی، شاه چهره خود را آشکارتر نشان داد ومی خواست با استفاده از خلأ موجود اقداماتی انجام دهد که با موازین شرعی و مذهبي مطابق نبود. در این لحظات حساس امام وارد صحنه شد و ضمن مخالفت با قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مبارزه‌ای بی‌امان را با رژیم آغاز کرد و زمانی که از اندرز و نصیحت نتیجه‌ای نگرفت با حمله مستقیم و انتقاد بی‌واسطه از رژیم شاه، سنت تقیه را شکست و فتوای تاریخی خود را مبنی بر این‌که" تقیه[1] حرام است و اظهار حقایق واجب، ولوبلغ ما بلغ" را صادر کرد. از این زمان، امام چهره بارز رهبری سیاسی خود را آشکار کرد و با برخورد خاص که همانا قاطعیت و عدم سازش با دشمن بود، راه خود را از دیگران جدا نمود و به سرعت افکار عامه مردم را که تشنه چنین رهبری بودند، به خود جلب کرد.

مسیر حوادث بعد نشان داد که در صحنه تحولات سیاسی-اجتماعی ایران با ظهور امام در قالب رهبر، صفحه جدیدی نه تنها در تاریخ ایران بلکه در تاریخ روحانیت مبارز شیعه گشوده شد.

اگریک قرن به عقب برگردیم به روشنی می‌توان سیر تکاملی حرکت روحانیت مبارز را با یک هدف کلی ولی با شیوه‌های متفاوت، آن هم تحت تأثیر اوضاع و احوال زمان خود مشاهده کرد. هدف همه آنها اجرای احکام شریعت اسلامی و برقراری حکومت عدل الهی و کوتاه کردن دست بیگانگان و استعمارگران بوده است. سید جمال الدین اسد آبادی برای رسیدن به این هدف تلاش خود را در نصیحت، هدایت و تشویق حکام کشورهای اسلامی در ایجاد وحدت جهان اسلام قرار داده بود و بیهوده تلاش می‌کرد که شاهان ایران و امپراتوران عثمانی و خدیوهای مصر را نصیحت و آنها را وادار کند در مقابل سیل بنیان‌کن فرهنگ و تمدن غربی

---

۱. مخفی کردن عقیده حق برای حفظ جان یا مدارا با مخالفان

دوباره به دژ مستحکم فرهنگ و تمدن اسلام پناه برند.

روحانیت صدر مشروطیت که از شاهان بریده بودند به دو دسته تقسیم شدند؛ دسته‌ای همچون مرحوم بهبهانی و طباطبایی درصدد محدود کردن قدرت پادشاهان خودکامه و کسب و تضمین برقراری نظامی دمکراتیک و دادن حق مجتهدان بودند، بدین امید که از وضع و اجرای قوانین خلاف شرع و اسلام جلوگیری گردد؛ ولی در همان حال میدان را به لیبرال‌ها و غرب‌زده‌ها سپردند و خود کناره گرفتند. دسته دیگر چون مرحوم شیخ فضل الله نوری که از حاکمیت لیبرالیسم وحشت داشت و نگران بود، تلاش می‌کرد تا حکومت شرع اسلام برقرار شود که عاقبت بر سر آن هم جان خود را فدا کرد.

آیت الله کاشانی راه را در همراهی و مساعدت لیبرال‌ها برای کسب آزادی و کوتاه کردن دست بیگانگان می‌دید، به این امید که با نظارت و تلاش خود متعاقباً در ایجاد حکومت با قوانین اسلامی موفق گردد؛ ولی غافل از آنکه لیبرال‌ها دیگر فرصتی به او و فدائیان اسلام نخواهند داد که به خواسته خود برسد و از روحانیت صرفاً به صورت نردبانی برای رسیدن به حاکمیت و قبضه کردن قدرت بهره خواهند برد.

امام که تاریخ پر از تجربه روحانیت مبارز را پشت سر گذاشته بود، در این زمان خود رهبری را به دست گرفت و اجازه نداد دیگران از جمله لیبرال‌ها در رهبری و بهره‌برداری از ثمره مبارزات مردم شریک شوند. شیوه مبارزه امام بسیار ساده و دور از هر نوع پیچ و خم سیاست‌بازی‌های امروزه بود. او از ابتدا هدف خود را نه در پیروزی و تحقق خواسته‌های خود و مردم، بلکه در اجرا و ادای تکلیف شرعی قرار داد. او می‌گفت که ما صرفاً به تکلیف الهی و شرعی خود عمل می‌کنیم؛ یا پیروز می‌شویم و یا کشته می‌شویم که در هر دو صورت پیروزیم. این شیوه مبارزه برای کسانی که سال‌ها به روش‌های سیاسی مسالمت‌آمیز عادت کرده بودند و تاکتیک‌های سیاسی غربی را در مبارزات اجتماعی و معاملات سیاسی خود می‌پسندیدند، بسیار ناخوشایند بود و نه تنها دولت و مخالفان ایشان را به خشم می‌آورد بلکه برای نزدیکان و همراهان ایشان نیز شگفت‌آور بود. مهندس بازرگان و یاران لیبرالش از کسانی بودند که از این

شیوه برخورد امام عصبانی وناراحت بودند.

از ویژگی‌های امام خمینی، روحیه تحول‌آفرینی بود. تحول، یعنی به داشته‌های کنونی اکتفا نکنیم بلکه چند قدم به پیش برویم و به عبارت دیگر با شتاب به سوی اهداف بلند، سرعت بگیریم. برخی از موارد تحول‌آفرینی امام چنین است:

۱. تحول روحی در مخاطبان: طلابی که در درس اخلاق امام شرکت می‌کردند، چنان متحول می‌شدند که غالبا به شدت می‌گریستند، همین تحول روحی را در جوانان رزمنده که در دیدار امام شرکت می‌کردند، مشاهده می‌کردیم.

۲. تحول در روحیه مردم: کلام دلنشین امام، روحیه تسلیم‌پذیری مردم را به روحیه مطالبه‌گری و قیام میلیونی متحول کرد.

۳. تحول در نگاه مردم: این‌که ملتی بتواند بر اراده ابرقدرت‌ها پیروز شود، در ذهن کسی نمی‌آمد، امام توانست احساس حقارت مردم را به احساس عزت و اعتماد به نفس تبدیل کند تا اراده خود را بر ابرقدرت‌ها پیروز کنند.

۴. تحول در مطالبات: امام مطالبات مردم را از امور روزمره اقتصادی و گرانی به مطالبات عظیم و آرمان‌های بزرگ مانند استقلال، آزادی، نه شرقی نه غربی و مسائل این گونه متحول نمود.

۵. تحول در نگاه به دین و فقه: امام نگاه به دین را از انحصار در عبادات و مسائل فردی به رسالت نظام‌سازی، تمدن‌سازی، جامعه‌سازی و انسان‌سازی متحول نمود و حوزه معرفتی فقه را به منافع ملی و تشکیل امت اسلام متحول نمود.

۶. تحول در نگاه به قدرت‌های جهانی: در زمانی که کسی تصور نمی‌کرد بتوان علیه قدرت‌های جهانی سخن گفت، امام قدرت‌های مادی را پوشالی و شکست‌پذیر دانست و این تحول در نگاه به قدرت‌های جهانی، امروزه متداول شده است.

۷. تحول در نگاه به جوانان: امام به جوانان اعتماد کامل داشت و همین اعتماد زمینه تحول روحی و فکری جوانان گردید و جوانانی که به طراحی رژیم شاه با فرهنگ غربی رشد

کردنـد ناگهـان به رزمندگان شـهادت‌طلب، متحول شـدند. امام تحـول جوانـان را مهم‌تر از شکسـت طاغوت می‌دانست؛ زیرا تحول جوانان پیروزی بر شیطان بود و پیروزی بر شیطان از پیروزی بر طاغوت مهم‌تر است.

نکته مهم این‌که امام، همه تحولات را از سوی خداوند می‌دانست و هرگز نقشی برای خود قائل نبود.

۳. مکتب انقلاب

یکی از وظایف مهم رهبری ارائه ایدئولوژی یا مکتب انقلاب است. اصولاً مکتب انقلاب برای برخورداری از مقبولیت وسیع اجتماعی بسیار مهم است.

مکتب انقلاب یعنی نظریه‌ای که از یک سو برای براندازی نظام حاکم طرح داشته باشد و از سوی دیگر نظام ارزشی جدید و آینده مطلوبی را پیش روی انقلابیون ترسیم کند.

به عبارت دیگر، همراه با نفی سلطنت، نظام مطلوب را طراحی و معرفی کند.

در ایران، از اوایل قرن اخیر سه مکتب نظری متفاوت مطرح بود که گروه‌های اجتماعی به سـوی آن‌ها جذب می‌شـدند. مکاتب مزبور عبارت بودند از: ملی‌گرایی، کمونیسـم و اسلام. طرفـداران هـریک از مکاتب در قرن نوزدهم و بیسـتم میلادی سـعی می‌کردند با نشـان دادن جامعه کمال مطلوب، پیروان بیشتری جلب کنند.

ملی‌گرایی

ملی‌گرایی در اندیشه واضعان غربی ناسیونالیسم به معنای آن است که گروهی از مردم را که در مرزهای جغرافیایی معین با نژاد، سـابقه تاریخی، زبان، فرهنگ و سنن واحد گرد آمده‌اند، در قالـب یک واحد تفکیک‌ناپذیر مبنا و اصـل قرار گیرند و آنچه را در حیطه منافع، مصالح، حیثیت و اعتبار این واحد وجود دارد، خودی و دوست و بقیه را بیگانه و غیرخودی بدانند؛ به عبارت دیگر، ملی‌گرایی یا ناسیونالیسـم عبارت از وجود یک احسـاس مشترک میان عده‌ای از انسان‌هاست که یک واحد سیاسی یا ملت را می‌سازند. این ایده به دنبال انقلاب فرانسه از

جامعه لیبرالیستی غرب الهام گرفت و در کشورهای در حال توسعه خاورمیانه حربه‌ای برای مبارزه با نفوذ و سلطه استعمارگران و بیگانگان شده بود.

ملی گرایی در ایران تا حدود زیادی توانست طیف روشنفکر و تحصیل‌کرده و نیز طبقات متوسط شهری را به خود جلب کند و در نهضت مشروطه و ملی شدن صنعت نفت نظریه‌ای غالب و مسلط بود که از طریق ارائه معیارها و ارزش‌های مطلوب آن، طرفداران بسیاری جذب آن شدند. البته این مکتب نتوانست میان توده‌های مردم پایگاه محکمی برای خود به دست آورد. از یک طرف، ناسیونالیسم با اعتقادات مذهبی مردم در تعارض بود؛ زیرا معنا و تعریف غربی‌ها از ملت که ادعای جدایی خون و نژاد را مطرح می نمود، در اسلام خرافه‌ای بیش نبود. از طرف دیگر ویژگی‌های خاص جامعه ایرانی با معیارهای ناسیونالیسم تطبیق نمی‌کرد؛ زیرا بیشتر مردم ایران که امروزه ایرانی و فارسی زبان‌اند و خود را ایرانی می‌دانند یا عرب‌اند با ترک و یا مغول؛ همچنان که بسیاری از اعراب که از عربیت دم می‌زنند، از نژادهای ایرانی و یا ترک و مغول هستند. اگر ایرانی‌ها را بخواهیم براساس نژاد تقسیم‌بندی کنیم و کسانی را ایرانی بدانیم که نژاد آریا داشته باشند، گروه نسبتا زیادی از ملت ایران را باید غیر ایرانی بدانیم و بسیاری از مفاخر خود را از دست بدهیم.

از طرف دیگر در دوران نهضت مشروطه و ملی شدن صنعت نفت، رهبران این مکتب در عمل نشان دادند که نه تنها بر خلاف آنچه ادعا می‌کردند زمینه رسوخ و نفوذ استعمار غرب را از بین نبردند، بلکه حتی به آزادی و دمکراسی که مبلغ آن بودند پشت کردند و با مشارکت و همکاری با بیگانگان در کودتای رضاشاه (۱۲۹۹) وکودتای فرزندش (۱۳۳۲) خود زمینه‌ساز دیکتاتورهای خشن گردیدند و به عبارت دیگر ملی گرایی در ایران ، راه را برای نفوذ غرب ، ترویج غرب زدگی و لیبرالیسم فراهم ساخت . با حمایت انگلیس در سه کشور اسلامی ، سه حاکم با ایده ملی گرایی قدرت را در دست گرفتند ، در ایران ، رضاشاه با ایده پان ایرانیسم ، در ترکیه ، آتاتورک با ایده پان ترکیسم و در مصر، ملک فاروق با ایده پان عربیسم ، ملی گرایی دراین سه کشور، طرحی برای مبارزه با اسلام بود و با تکیه بر ملی گرایی ، وحدت امت اسلام

، فراموش شـده ، زمینه برای ایجاد شـکاف و اختلاف بین امت اسـلام ، فراهم شـد ، که این همه طرح های دراز مدت انگلیس مبنی بر "تفرقه بینداز ، حکومت کن" را به مرحله اجرا می گذاشت . نازیسم آلمان که آتش جنگ جهانی دوم را شعله ور ساخت ، از این ایده پیروی می کرد و صهیونیسم که سال هاست آتش جنگ در فلسطین را روشن نموده از این ایده پیروی می کند و با عقیده به برتری نژاد یهود ، فتنه ای بزرگ در جهان امروز محسوب می شود .

کمونیسم

کمونیسم ، مکتب فکری است که برای ایجاد عدالت ، بر مالکیت عمومی (دولتی) تاکید دارد و مالکیت خصوصی را نفی می کند . کمونیسم ، با تفسیر مارکس ، مارکسیسم و با تحلیل لنیـن ، لنینیسـم و با توضیح مائو، مائوئیسـم نامیده می شـود . این نظریه بـا پیروزی انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷م ، مکتب فکری آن محسوب می شد و به زودی مورد توجه نیروهای جوان ، که از سـتم واسـتعمار غرب در رنج بودند، قرار گرفت و طرفداران فراوان در دنیا پیدا کرد و در قالب مکتب انقلابی به سرعت گسترش یافت. در ایران هم به دلیل مجاورت با شوروی تأثیر خود را بر جای گذاشـت و با شـیوه های تبلیغاتی و همچنین ایجاد تشـکیلات منظم مخفی و علنی و در عین حال منسـجم، سـعی شـد اهداف آن در جهت تغییر نظام جامعه ایران و برقراری نظام سوسیالیستی پیش رود.

بعد از جنگ جهانی دوم در ایران، تشکیل حزب توده با دیدگاه کمونیستی، سابقه حضور نسبتاً طولانی در صحنه تحولات سیاسی ـ اجتماعی ایجاد کرد.

این جنبش علی رغم فعالیت و تلاش زیاد و حمایت های مالی و سیاسی شوروی به دلایل زیر ناموفق تر از لیبرالیسم غربی و ناسیونالیسم (ملی گرایی) بود.

الف- ماهیت الحادی

اسـاس مادیگری کمونیسـم ، با طبیعت جامعه ایرانی و اعتقادات عمیق مذهبی مردم ایران در تضاد جدی بود و مقبولیت عام نداشت.

ب- وابستگی شدید کمونیست‌ها به مسکو با توجه به سوابق تلخ روابط تاریخی ایران و روسیه موجب می‌شد نه تنها آنها را گروهی غیرمستقل و وابسته به بیگانه بشناسند، بلکه خود نیز بازیچه دست سیاست‌های بین‌المللی روسیه تلقی گردند.

اسلام

اسلام در قالب یک مذهب و مکتب الهی در اعماق قلب‌ها و روح‌های اقشار وسیع جامعه نفوذ تاریخی داشت. مذهبی که در روستاها و شهرها میان طبقات فقیر، غنی، کارگر، کشاورز و کارمند، دانشجو و روشن فکر حداقل به منزله راه و رسم، بر زندگی افراد و احوال شخصی آن‌ها حاکم بود. جامعه‌ای که حداقل ۹۸ درصد به صورت سنتی مسلمان بود و بیشتر آنها به دستورات قرآن، این کتاب آسمانی، اعتقاد داشتند و به احکام آن عمل می‌کردند و آمادگی بیشتری برای پذیرفتن اسلام و نظریه‌های اسلامی مبتنی بر تحول و تغییرات سیاسی ـ اجتماعی داشتند.

ویژگی‌هایی که مکتب اسلام را از سایر مکتب‌های سیاسی جدا می‌کرد و به آن امتیاز و جلوه خاصی می‌داد، در جهان‌بینی آن نهفته است که خطوط مشخصه آن عبارت است از:

الف- واقعیت و هستی مساوی با ماده و طبیعت نیست (ماده پرتوی از واقعیت مطلق است.)

ب- جهان مادی پدیده‌ای است که از هستی و واقعیت مطلق سرچشمه می‌گیرد و دارای مبدأ و مدبر عالم، حکیم و قادر است که بر تمام روابط و عوامل طبیعی حاکم می‌باشد و منشا همه عالم، عوامل طبیعی، حرکت‌ها و فعل و انفعالات در ماده، خداوند است و این جهان مظهر و تجلیگاه اراده اوست.

ج- در جهان‌بینی الهی، جهان هستی تحت سرپرستی و ولایت الهی قرار دارد و موجودات مادی با ولایت و تدبیر خداوند از نقص به سوی کمال در حرکت‌اند و بازگشت همه به سوی اوست.

د- در ایـن جهان‌بینی انسـان تنها دارای بعد مادی نیسـت، بلکه بعد معنـوی هم دارد و این انسان به سوی کمال مطلق، یعنی آفریننده هستی در حرکت است و کمالش در لقاء الله است.

ه- انسان موجودی ابدی و جاودانی است و با مرگ فانی و نابود نمی‌شود و عوالم دیگری در پیش دارد که نتایج اعمال زندگی این جهان خود را خواهد دید.

و- انسان موجودی است آزاد و مسئول که با اختیار حرکت تکاملی خود را به پایان می‌رساند و چون آزاد اسـت گاه حرکت به سـوی الله را انتخاب می‌کند و گاه به سـوی شـیطان حرکت می‌کند.

ز) زندگی در این جهان مرحله‌ای اسـت که انسـان در آن تحصیل کمال می‌کند و با عمل خود زندگی ابدی و حیات جاودانی را تأمین می‌نماید.

از اشکالات عمده که در اعمال این مکتب در قالب مکتب انقلاب وجود داشت، می‌توان مسائل زیر را بیان کرد:

سـالیان دراز، بر اثر تبلیغ اسـتعمارغرب تلقین شده بود که مذهب از سیاست جداست و مکتب، ارتباطی به مسـائل سیاسـی-اجتماعی ندارد و نسـخه و دارویی برای حل معضلات پیچیـده سیاسـی-اجتماعی روز نخواهد بود کـه این تبلیغ میان طبقـات مختلف حتی در بعضی از روحانیون و علمای مذهبی تأثیر خود را گذاشته بود.

جامعه کمال مطلوبی که اسـلام می‌خواست به صورت الگو مطرح کند متعلق به چهارده قرن قبل بود که برای بسیاری تصور نمی‌رفت امکان پیاده کردن احکام آن در جوامع صنعتی مدرن و پیشـرفته امروز و به اصطلاح در عصر اتم، عملی و پاسـخگوی مسـائل پیچیده زمان حاضر باشد.

بـا تکیـه بر بعضی از باورهای مذهبـی از جمله تقیه و انتظار فرج و برداشـت غلط از آن‌ها میان جامعه شـیعه و اطاعت از ولی امر غالب و قاهر میان اهل سـنت، این تصور که اسـلام می‌تواند به شکل یک مکتب انقلابی و در جهت دگرگونی ارزش‌های حاکم مطرح شود، برای

بسیاری از مردم حتی بعضی از مسلمانان معتقد هم با شک و تردید همراه بود.

با توجه به موانع فوق، علی‌رغم مجاهدت و تلاش‌هایی که مردانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، نائینی، نوری، مدرس، کاشانی و فداییان اسلام انجام داده بودند و اگرچه در تحقق بسیاری از اهداف ملی نقش اساسی داشتند، موفق نشدند اسلام را به صورت مکتب انقلاب در باور توده‌های وسیع و علی الخصوص انقلابیون جوان جای دهند تا این‌که در سال ۱۳۴۱ امام خمینی با شناخت دقیق مشکلات مذکور قدم به قدم در جهت از میان برداشتن موانع مزبور گام برداشت و موفق شد با رفع توهمات موجود که در اذهان مردم بود و طرح اسلام به شیوه جدید آن را به صورت مطلوب‌ترین مکتب انقلاب در جامعه مطرح کند. امام خمینی ابتدا در نقش مرجع تقلید شیعیان، تقیه را حرام اعلام کرد و اظهار حقایق را واجب دانست (ولومابلغ).

به این وسیله و از طریق فتوای تاریخی مزبور این مشکل که خود مانع بزرگی بر سر راه جنبش‌های انقلابی در ایران و دستاویزی برای عافیت‌طلبان بود، برطرف شد.

امام، همچنین در نقش مرجع تقلید و محور اصلی حوزه علمیه قم، با به دست گرفتن پرچم مبارزه و حمله به سیستم سیاسی حاکم موضوع انفکاک دین از سیاست را در عمل به صورت امری باطل و نادرست تثبیت کرد. جمله معروف ایشان که با قید سوگند در اوایل نهضت مطرح شد که فرمود: «والله اسلام تمامش سیاست است» بر جدایی دین از سیاست خط بطلان کشید.

متعاقب آن در فرصتی که در دوران تبعید در نجف اشرف حاصل گردید در کلاس درس‌های خود با طرح حکومت اسلامی و ولایت فقیه تحولی اساسی در نگرش به اسلام در قالب یک مکتب سیاسی پویا و قابل تحقق در عصر حاضر به وجود آورد.

در ارائه مکتب انقلاب ابتدا باید حاکمیت موجود را نفی و طرد کرد و ارزش‌های مسلط بر نظام سیاسی موجود را به چالش کشاند. در شرایطی که سال‌های متمادی تبلیغ شده بود که سلطان سایه خداست و اطاعت از سلطان، اطاعت از خداست یا اینکه سلطنت ودیعه و

موهبتی الهی است، رهبر انقلاب با نفی همه این باورهای غلط چنین فرمود:

این مواد قانون اساسی و متمم آن که مربوط به سلطنت و ولایتعهدی و امثال آن است، کجا از اسلام است؟ این‌ها همه ضد اسلامی است؛ ناقض طرز حکومت و اسلام است. سلطنت و ولایتعهدی همان است که اسلام بر آن خط بطلان کشید و بساط آن را در صدر اسلام در ایران و روم شرقی و مصر و یمن برانداخت. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در نامه‌هایی که به امپراتوری روم شرقی (هراکلیوس) و شاهنشاه ایران نوشته بود، آنها را دعوت کرد که از طرز حکومت شاهنشاهی و امپراتوری دست بردارند و بگذارند مردم خدای یگانه و بی‌شریک را که سلطان حقیقی است بپرستند. سلطنت و ولایتعهدی همان طرز حکومت شوم و باطلی است که حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام برای جلوگیری از برقراری آن قیام فرمود و شهید شد.[۱]

با طرح این موضوع برای اولین بار، رهبر انقلاب نظام سلطنت را که نه تنها سالیان دراز تبلیغ و به مردم تلقین شده بود بلکه جزء اصول مهم قانون اساسی نیز شناخته می‌شد، باطل و ضدارزش اعلام نمود.

وظیفه دیگر این است که جامعه کمال مطلوب را نه تنها ترسیم کند بلکه شیوه عملی رسیدن به آن را هم نشان دهد. برای معتقدان به مکتب اسلام که اکثریت قریب به اتفاق جامعه را تشکیل می‌دادند، این امر پذیرفته شده بود که حکومت اسلامی به طریقی که زمان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خلفای راشدین و از نظر شیعیان در دوران امام علی علیه‌السلام پیاده و اجرا شده بود، حکومت کمال مطلوب تلقی می‌شود و الگو و نمونه حکومت آینده قرار می‌گیرد؛ اما نکته مهم این بود که بعد از چهارده قرن و با توجه به پیچیدگی‌های جامعه امروزی، چگونه و به وسیله چه کسانی می‌توان چنین جامعه‌ای را تشکیل داد؛ از طرف دیگر، عده زیادی با اعتقاد به این‌که دنیا باید پر از فساد و ظلم و جور شود تا مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ظهور و دنیا را پر از عدل و داد کند و حکومت اسلامی را تشکیل دهد، مطلقاً امکان تشکیل چنین حکومتی را در زمان غیبت منتفی می‌دانستند و تلاش برای چنین حرکتی را ضد ارزش تلقی می‌کردند.

---

۱. امام خمینی – صحیفه نور- ۱۳۶۱

در چنین شـرایطی، امام خمینی، با ارائه اصل ولایت فقیه و به زبانی ساده و در عین حال مستند به آیات قرآنی، اخبار و احادیث ثابت کرد که احکام خدا از جمله تشکیل «حکومت اسـلامی» تعطیل‌بردار نیسـت و در هیچ شـرایطی حتی در عصر غیبت کبری هم نمی‌توان از اجرای احکام الهی سرباز زد و این مسئولیت بر دوش فقها و علما است.

امام خطاب به طلاب و در این رابطه اظهار می‌دارد:

> شـما در صورتی خلفای اسـلام هستید که اسـلام را به مردم بیاموزید و نگویید بگذار تا امام زمان (عج) بیاید، شما نماز را هیچ وقت می‌گذارید تا امام زمان آمد، بخوانید. حفظ اسلام که واجب‌تر از نماز است. منطق حاکم خمین را نداشته باشید که می‌گفت: باید معاصی را رواج داد تا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بیاید. اگر معصیت رواج پیدا نکند حضرت ظهور نمی‌کند.[۱]

برای اداره جامعه اسـلامی دو شرط اساسی برای حاکم لازم است؛ اول اینکه آگاهی کامل به احکام خدا داشته باشد و دوم اینکه در اجرای احکام مزبور راه عدالت را در پیش گیرد؛ به عبارت دیگر، فقیه عادل به منزله جانشین رسول خدا و ائمه اطهار وظیفه اداره جامعه اسلامی و اجـرای احـکام آن را دارد و اطاعـت از وی در نقـش ولی امر همچون اطاعت از رسـول خدا واجب است.

در مـورد حاکـم و ولـی امر در نظام اسـلامی، آرای مردم تنها نقش فعلیـت و به مرحله اجرا درآوردن ولایـت فقیـه را دارد؛ بدین معنا که ولایت امر، مقامی اسـت که بر اسـاس علم، تقوا وشایستگی هایی که فقیه دارد، از طرف خداوند به وی داده شده است اما عینیت و فعلیت بخشیدن ولایت، در گرو آراء و پذیرش عمومی مردم است.

رهبر انقلاب، با طرح حکومت اسـلامی، سـه مسئله مهم را در قالب راهبرد انقلاب تعیین و ارائه کرد: ابتدا سـرنگونی حکومت شاهنشـاهی و به دنبال آن تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی و در نهایت تضمین چنین حکومتی با اعمال اصل ولایت فقیه.

امام خمینی، چنین اظهار می‌دارد:

---

۱. امام خمینی - صحیفه نور-۱۳۶۱

ما برای این‌که وطن اسلامی را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آن‌ها خارج کنیم، راهی نداریم جز این‌که حکومت اسلامی تشکیل بدهیم.[۱]

امـام خمینـی، از یک مکتب فکـری و اجتماعی-سیاسـی برخوردار بود و شـاخص‌های هندسه فکری امام را می‌توان چنین معرفی نمود:

۱. اسـتواری بـر جهان‌بینی توحیدی و به گفته شـهید صـدر، امام ذوب در اسـلام بود. ۲. سخنان امام، پویا، زنده و عملیاتی بود، نه صرف نظریه‌پردازی.

۳. ضدیت با اسـتبداد و اسـتکبار، ۴. معرفی اسـلام اصیل و ناب، ونفی اسلام آمریکایی که خود دو شـاخه دارد: اسـلام سـکولار، که دین را منحصر در مسـائل فردی می‌داند و اسلام متحجر، که نگاه عقب‌افتاده دارد و برای عصر حاضر غیرقابل قبول است. این دو مسیر انحرافی از حمایت آمریکا برخوردار اسـت. ۵. اعتماد به وعده‌های الهی و عدم اعتماد به مستکبران، ۶. طرفداری جدی از محرومان و مخالفت شـدید با اشرافی‌گری، ۷. اهتمام کامل به وحدت و همدلی امت اسلام.

مکتب فکری امام از سـخنان ایشـان و عملکردشان کاملاً آشـکار است؛ اما برخی افراد یا جریانات فکری ممکن است این اندیشه روشن را دچار انحراف و تغییر نمایند.[۲]

جمع بندی:

در جریـان تحولات سیاسـی-اجتماعی ایران، سـه رکـن اصلی انقلاب (مـردم، رهبری و مکتب)، با همه اقتدار ممکن، هماهنگ و منسجم کاربردی موفقیت‌آمیز یافت؛ بدین ترتیب که حضور فعال و گسترده امت مسلمان ایران در صحنه مبارزه به رهبری مرجع تقلید خود که از نبوغ و درایتی بی‌نظیر برخوردار بود و تحت لوای مکتب حیات‌بخش و جهان شمول اسلام، سبب پیروزی شگرف انقلاب اسلامی گردید. این‌که چه عاملی حرکت انقلاب اسلامی و سیر حوادث آن را شتاب بخشید، موضوعی است که در فصل آینده به آن خواهیم پرداخت.

---

۱. امام خمینی – ولایت فقیه – ۱۳۶۹

۲. Khmenei.Ir

فصل چهارم: عوامل شتاب‌زا تا وقوع انقلاب اسلامی

۱. عوامل شتاب‌زا

یکی از مسائلی که بعد از پیروزی هر انقلابی توجه تحلیل‌گران تحولات انقلابی و گروه‌های سیاسی را به خود جلب می‌کند این است که چه عواملی موجب سرعت گرفتن و شتاب تحولات سیاسی ـ اجتماعی و سیر حوادث گردیده است که در نهایت به پیروزی انقلاب منجر شد.

در رابطه با پیروزی سریع و غیر قابل پیش‌بینی انقلاب اسلامی تا کنون بحث‌های زیادی شده و کتاب‌های متعددی به چاپ رسیده است. به ویژه در جهان غرب و به خصوص در آمریکا تحلیل‌های متفاوت و نظریات گوناگونی به منظور شناسایی و تعیین عوامل اصلی در سقوط رژیم شاه ارائه شده است.

مسئولان وقت دولت آمریکا نیز برای دفاع از خود دست به انتشار خاطرات آن دوران زده‌اند، ازجمله می‌توان از خاطرات کارتر، رئیس جمهور، برژینسکی مشاور امنیت ملی، ونس وزیر خارجه، سولیوان سفیر آمریکا در تهران، جردن رئیس کاخ سفید نام برد. شاه معدوم نیز در این زمینه مطالبی را با عنوان پاسخ به تاریخ تحریر کرده است.

نظراتی که تا کنون در این زمینه ارائه شده، مبنی بر این است که چرا و چگونه کشوری که

کارتر، آن را در دی ماه ۱۳۵۶ جزیره ثبات و آرامش دانسته و شاه را قدرتمندترین و لایق‌ترین رهبر کشورهای منطقه می‌خواند، پس از گذشت چند ماه ، آن چنان متلاطم و متحول شد که پیروزی انقلاب اسلامی را که برای بسیاری از مردم چه داخل و چه خارج از کشور غیر قابل پیش‌بینی بود ، به دنبال آورد.

براساس دیدگاه‌ها و تحلیل‌های متفاوت از چهار عامل عمده نام برده شده که عبارت است از:

حقوق بشر کارتر

نظریه اول این است که کارتر در دوران مبارزات انتخاباتی خود بر اجرای حقوق بشر تأکید کرده و این عامل سبب شد شاه نتواند با طوفان انقلاب برخورد قاطع نماید.

در حالی که کارتر هرگز به خفقان موجود در ایران اعتراض نداشت و فقط به دنبال فروش اسلحه بیشتر به شاه بود . در زمان وی خرید تسلیحات نظامی از آمریکا به اوج رسید و علاوه بر آن قرارداد چندین میلیارد دلاری تأسیس پنج نیروگاه اتمی با شاه امضا شد. کریستوس، پژوهشگری که اسناد و مدارک را بررسی نموده، می‌گوید: حقوق بشر کارتر عامل اصلی بروز انقلاب تلقی نمی‌شد. انقلاب دیر یا زود، با حقوق بشر کارتر یا بدون آن صورت می‌گرفت. تضادهای درونی جامعه ایران که با نقش وسیع آمریکا در طول بیست و پنج سال در ایران افزایش یافته بود یک رژیم ظاهراً با ثبات و محکم را متلاشی کرد.

بیماری سرطان در شاه

شاه در سال ۱۳۵۳ در یک سفر تفریحی برای اسکی، وجود غده‌ای در شکم خود احساس کرد و پزشک فرانسوی وی، سرطان غدد لنفاوی را تشخیص داد و از همان زمان تحت درمان شیمیایی قرار گرفت؛ اما هیچ کس از این بیماری اطلاع نیافت.

برژینسکی ، از عدم توانایی شاه در تصمیم‌گیری قاطع در اعمال خشونت، رنج می‌برد و معتقد است که وی با وجود حمایت کارتر می‌توانست مخالفانش را سرکوب کند؛ اما به دلیل

ضعف جسمی و تأثیر داروهای تسکین‌دهنده، قدرت نداشت.

این نظریه مانند نظر قبلی پایه و اساسی ندارد؛ زیرا شاه تا آخرین لحظات حکومت، در اجرای خواسته قدرت های بزرگ و انجام خشونت و خونریزی کوتاه نیامد.

در طول سال ۱۳۵۷ هر روز و هفته عده‌ای از افراد بی‌گناه به خاک و خون می‌غلتیدند. فاجعه سینما رکس آبادان و مسجد کرمان و بعد اعلام حکومت نظامی در غالب شهرهای بزرگ از جمله تهران و فاجعه جمعه سیاه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ که در اولین روز حکومت نظامی به وقوع پیوست و موجب قتل و جرح هزاران نفرگردید، تنها نمونه‌ای از خشونت و خون‌ریزی شاه است.

مدرن‌سازی کشور

نظریه دیگری که از سوی طرف داران شاه مطرح می‌گردد این‌که شاه می‌خواست عقب‌ماندگی کشور را به سرعت جبران کند و ایران را به دروازه تمدن برساند؛ اما در مدرن‌سازی کشوری که جامعه سنتی داشت، شتاب به خرج داد و به همین دلیل دچار مشکلات شد و شرایط سقوط نظام فراهم گردید.

شاه می‌گوید: من می‌خواستم قرن‌ها عقب‌ماندگی کشور خود را در یک برنامه ضربتی بیست و پنج ساله جبران کنم و همه گرفتاری‌ها از سرعت عمل و شتاب‌زدگی در اجرای این برنامه بود.

پارسونز، سفیر انگلیس در ایران، این نظر شاه را تأیید می‌کند.[۱]

در بی‌پایه بودن این نظریه شاه، کمتر کسی تردید می‌کند و واقعیات ده سال آخر حکومت وی خود دلیل قوی بر رد این نظریه است.

علی‌رغم درآمد نفت به چندین برابر، این درآمد بی‌آن که به خزانه کشور سپرده شود، در اختیار بانک‌های غربی بود و برای پرداخت وام به کشورهای غربی، خرید شرکت‌های

---

۱. پهلوی – ۱۳۷۱ – ۱۲

ورشکسته اروپا و آمریکا، خرید اسلحه برای تجهیز پایگاه‌های آمریکایی و رآکتورهای اتمی مصرف می‌شد.

کشاورزی و دامپروری با یک برنامه حساب شده نابود گردید و آنچه از درآمد نفت مانده بود، صرف خرید گندم از آمریکا، برنج از تایلند، مرغ از هلند، تخم مرغ از رژیم صهیونیستی، پنیر از دانمارک و گوشت از استرالیا گردید. این شرایط در آستانه دروازه تمدن شاه بود، درحالی که پانزده سال قبل از این، ایران در محصولات غذایی خودکفا بوده و این خودکفایی قبلی و وابستگی به واسطه طرح‌های آمریکایی، واقعیتی است که امام خمینی در مصاحبه در پاریس به آن اشاره دارد .

در ایامی که شاه ادعای دروازه تمدن را مطرح می‌کرد، سولیوان، آخرین سفیر آمریکا در ایران در خاطراتش ، از عقب ماندگی شدید اقتصادی در ایران گزارش می دهد . (سولیوان،۱۳۶۱)

مقاله توهین آمیز به امام

نظریه چهارم این است که به دنبال شهادت سید مصطفی خمینی در نجف و مراسمی که بدین منظور در قم برگزار شد و انتشار مقاله توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات در ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ اولین جرقه‌های انقلاب زده شد؛ احساسات مذهبی مردم سخت جریحه‌دار گردید و آتشفشان خشم توده‌های مردم به غرش درآمد. با یک حرکت پیوسته و زنجیروار و با توسل به سنت‌ها و مراسم مذهبی (برگزاری اربعین شهدا) دودمان سلطنت را درهم نوردید ، شاه در دی ماه سال بعد از کشور گریخت و هنگام فرار علاوه برده ها چمدان طلا و عتیقه گرانبها ، ۳۵ میلیارد دلار از کشور خارج کرد که در بین دزدی دیکتاتورهای سده اخیر رتبه اول را دارد . (راجی ، ۱۳۹۸ ، ۲۸۵)

از زمان انتشار مقاله توهین‌آمیز که گفته می‌شود به دستور مستقیم شاه یا هویدا نخست‌وزیر وی به چاپ رسید، همواره این پرسش مطرح بوده است که آیا این اقدام یکی دیگر از اشتباهات بی‌شمار رژیم بوده یا آن که عملی بوده دانسته و حیله و سرآغاز مرحله‌ای از یک برنامه تازه

سـرکوبی و تجدید حیـات دوران اختناق کامل که براثر اقـدام اکراه‌آمیز رژیم در جهت ایجاد فضای باز سیاسـی اکنون به خطر افتاده بود. شـاه می‌خواسـت به آمریکا و جهان غرب نشان دهد نهضت مخالف با حکومت، صرفاً جنبه مذهبی دارد و مخالفان رژیم مشتی روحانیون متعصب مرتجع هسـتند. اعطای آزادی در شرایط کنونی به هرج و مرج و لجام گسیختگی و بی‌قانونی منجر خواهد شد و ثبات و امنیت منطقه و منافع نفتی و سرمایه‌های بین‌المللی به خطر خواهد افتاد. برخی آتش زدن سینما رکس را نیز به دست رژیم، به منظور اثبات این نظریه می‌دانند؛ ولی تصور شـاه این بود که امکان کنترل حوادث را خواهد داشـت و تصور نمی‌کرد وارد مهلکه‌ای آن چنان خطرناک شده است که وسعت دامنه و عظمت ابعاد آن موجب درهم شکستن پایه‌های سلطنت او و نظام شاهنشاهی خواهد شد.

به هر حال در اعتراض و راهپیمایی مردم قم در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶عده زیادی به شـهادت رسـیدند و در چهلم شـهدای قم در ۲۹ بهمن همان سال، مردم تبریز به پا خاستند و آن چنان حرکـت سـریع و غیرقابل پیش‌بینی انجـام دادند که تا مدتی کنترل شـهر از دسـت مأموران رژیم خارج شـده بود و مردم با به آتش کشـیدن سینماها، مشروب‌فروشی‌ها و حزب رستاخیز خشـم خود را نسبت به رژیم بروز دادند. عاقبت، ارتش با کامیون‌های سرباز و تانک‌های خود صحنه‌ای خونین ایجاد کرد و ده‌ها نفر را به شـهادت رسـاند. در اربعین شـهدای تبریز، مردم یزد قیام کردند. روز نهم و دهم فروردین ماجرای تبریز در یزد تکرار گردید. این سیر تسلسلی با گسترش وسیعی در سراسر کشور ادامه یافت و در این سیر در طول سال ۱۳۵۷ روزهای خونین و در عین حال باشکوهی همچون عید فطر، جمعه سیاه (۱۷ شهریور) و راهپیمایی و تظاهرات تاسوعا و عاشورا اتفاق افتاد که پیروزی انقلاب اسلامی را به ارمغان آورد.

دلایل بارز و آشـکاری که در این حرکت‌های توده‌ای و مردمی مشـاهده می‌گردد و نشانگر این است که عامل اصلی شتاب‌زای انقلاب جنبه مذهبی داشت و به انتشار مقاله توهین‌آمیز به امام خمینی و جریحه‌دار ساختن احساسات مذهبی توده‌های مردم مربوط گردید، عبارت است از:

الف- از ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ تا پیروزی انقلاب، کلیه تظاهرات مردمی جنبه مذهبی داشت و با توسل به سنت‌های مذهبی (عاشورا و اربعین) و اعیاد و مراسم مذهبی بوده است و مطلقا جنبه دیگری نداشته است.

ب- نقطه عزیمت و محل تجمع مردم مساجد بود و رژیم هم با حمله به مسجد جامع کرمان و مسجد حبیب شیراز و مسجد لرزاده تهران، کینه و عناد خود را نسبت به مبادی تجمعات و تظاهرات مردم نشان می‌داد و سعی می‌کرد از برپایی این اجتماعات جلوگیری کند.

ج- دعوت برای راهپیمایی و رهبری آن‌ها صرفاً از سوی روحانیون انجام می‌شد و رهبران غیرمذهبی هرگز نقشی در اداره و رهبری این تظاهرات نداشتند و حتی زمانی که جبهه ملی در اربعین شهدای جمعه سیاه، خواست قدرت و نفوذ کلام خود را بیازماید و اعلام اعتصاب و راهپیمایی کرد با شکست مواجه شد و مورد اعتنا قرار نگرفت.

د- کلیه این حرکت‌ها نه تنها ارتباطی به فضای باز سیاسی و حقوق بشر کارتر نداشت بلکه با خشونت و بی‌رحمی هر چه تمام‌تر پاسخ داده می‌شد و حتی منادیان حقوق بشر آمریکایی، شاه را در این اعمال خشونت تشویق و ترغیب می‌کردند.

ه- خواسته‌ها و شعارهای مردم مذهبی-سیاسی بود و حول دو محور اصلی می‌چرخید؛ یکی رفتن شاه و سقوط رژیم پهلوی و دیگری برقراری حکومت اسلامی وگروهای غیرمذهبی چاره‌ای جز پیوستن به رودهای خروشان توده‌های مردم مسلمان نداشتند و در این راه ناچار شدند از طرح شعارهای خودشان خودداری کنند تا مورد اعتراض مردم قرار نگیرند.

در نهایت می‌توان بدون تردید عنوان کرد که پیروزی انقلاب اسلامی صرفاً برپایه رهبری روحانیت مبارز که از سال ۱۳۴۲ آغاز شد و در رأس آنها رهبری قاطع مرجع بزرگ مسلمانان و شیعیان ایران، امام خمینی، با حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ و ایثارگونه امت مسلمان ایران و حول محور مکتب اسلام و مکتب شهادت بود و هر تلاشی برای ارتباط دادن آن به مسائلی از قبیل حقوق بشر کارتر، ائتلاف نیروهای مختلف، اعم از لیبرال‌ها، مارکسیست‌ها و التقاطیان

بیهوده بوده است و با واقعیات و مستندات تاریخی تطبیق نمی‌کند.

درعین حال این تحلیل به آن معنا نیست که سایرعوامل مطرح‌شده هیچ نقشی درشتاب حوادث منجربه پیروزی انقلاب نداشت، بلکه آثار آن‌ها آن‌قدر محدود بود که نمی‌توان هیچ کدام از آنها را عامل مهم و اصلی تلقی کرد.

۲. وقوع انقلاب اسلامی

الف) مبارزین با رژیم شاه

در طول دو قرن اخیر حوادثی درجهان اسلام و منطقه خاورمیانه براثر هجوم فرهنگی-سیاسی و نظامی اروپاییان رخ داده که در ایران هم بازتاب و تأثیرعمیق و وسیعی داشته است. افول تدریجی دولت‌های مقتدر اسلامی، زمینه را برای نفوذ استعمارگران غربی فراهم آورد و در واقع سبب برخوردهای مجدد با تمدن رقیب شد. تمدن و فرهنگ اسلامی که به قول آرنولد توین بی، در حال دفاع از خود بود و تمدن غرب که در حال احیا و بیداری و آماده حمله بود، با یکدیگر برخورد کردند و در نهایت براثر ضعف جوامع اسلامی و از خودبیگانگی آنها به تفرق و برتری فرهنگی-سیاسی تمدن غرب منجر گردید. این امر در روحیات و رفتار مردم ایران هم تأثیر گذاشت، قشرعظیمی از جامعه به خصوص توده‌های مردم، طبقات فقیر و محروم شهری و روستایی که سخت به عقاید مذهبی خود پایبند بودند و اینک برای عقاید خود احساس خطر می‌کردند، خود را از فعالیت‌های سیاسی اجتماعی کنار کشیدند و با توسل به جنبه‌های خاصی از مذهب از قبیل رعایت تقیه، روحیه انزواطلبی را پیشه خود کردند و در مقابل حوادث و وقایع اجتماع خود بی‌تفاوت ماندند.

قشر نازکی از جامعه که عمدتاً دارای تحصیلات و آگاهی کافی بودند و نمی‌توانستند در قبال حوادثی که در اجتماعشان می‌گذشت بی‌تفاوت باشند، به دو طریق واکنش نشان دادند: گروهی که براثر تماس با جوامع غربی، به ویژه تحصیل‌کردگان در اروپا، به علت مشاهده پیشرفت‌های علمی و صنعتی جوامع مزبور و زرق و برق مادی آنها سخت شیفته و مجذوب

شده، راه علاج مشکلات جوامع خود و جبران عقب‌افتادگی‌های اجتماعی جوامع اسلامی را در این می‌دیدند که ارزش‌های فرهنگی مذهبی خود را رها و جامعه جدیدی برپایه و اساس معیارهای نوین بیگانه بنا کنند. این عده خود به دو دسته تقسیم شدند: دسته اول تحت تأثیر لیبرالیسم غربی و انقلاب فرانسه قرار گرفته و اعتقاد به پیروی تقلید تمام و کمال از جوامع غربی داشتند.

به گفته تقی‌زاده، که از سردمداران این نظریه بوده، بایست از فرق سر تا نوک پا غربی شد تا به خوشبختی، رفاه و پیشرفت‌هایی که در جوامع غربی نصیبشان گشته است، دست یافت. این گروه، عمدتا به طبقات ثروتمند و مرفه شهری تعلق داشته و امکان تماس بیشتر با جوامع غربی و به ویژه اعزام فرزندانشان برای تحصیل در غرب را داشتند و از طرف دیگر این گروه لیبرالیسم غربی را با روحیه و مزاج خود سازگارتر می‌دیدند.

دسته دوم نیز که عموماً از روشنفکران و جوانان پرشور بودند از بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه ایران رنج می‌بردند. در آغاز قرن اخیر و مخصوصاً به دنبال پیروزی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه در تماس با همسایه روسی تحت تأثیر افکار مارکسیسم ـ لنینیسم قرار گرفتند و حرکت‌های چپ‌گرایانه را در ایران پایه‌گذاری کردند. این دسته ضمن این‌که ارزش‌های مسلط بر جامعه اسلامی و به ویژه معیارهای دینی را نفی کرده، آن‌ها را خرافاتی می‌دانستند، در جست‌وجو و تلاش برای ایجاد یک جامعه سوسیالیستی مشابه آنچه در روسیه به وقوع پیوسته بودند و بدین وسیله افکار الحادی و مادی‌گرایانه مارکسیستی را تبلیغ می‌کردند.

طرفداران دو گروه فوق در مواردی به مخالفت با رژیم شاه اقدام می کردند ، اما به واسطه بی توجهی به اعتقادات دینی مردم ، مورد حمایت توده مردم قرار نمی گرفتند و فعالیت سیاسی آنان محدود به تعداد اندک از گروه خودشان بود .

گروه سوم که به طور عمده از میان روحانیون و علمای مذهبی بودند علل عقب‌افتادگی جامعه خود را نه به خاطر پیروی از ارزش‌های فرهنگی اسلامی، بلکه در رها کردن آن می‌دانستند و معتقد بودند جوامع اسلامی اگرچه ظاهر و پوسته جامعه اسلامی را حفظ کرده‌اند، در عوض

آن را از محتوا و جوهر ارزش‌های واقعی و اصلی‌اش خالی نموده‌اند.

صاحبان این نظریه که با نهضت سیدجمال‌الدین اسدآبادی آغاز شد و شکل گرفت، تنها راه رستگاری و نجات جامعه و امت اسلامی را بازگشت واقعی به اسلام می‌دانستند و در این راه تلاش‌ها و مجاهدت‌های بسیاری را آغاز کردند که سیر تکاملی آن را می‌توان در نهضت تنباکو، مشروطیت و ملی شدن صنعت نفت مشاهده کرد. از جمله پیش‌قراولان این فکر در ایران پس از سیدجمال‌الدین اسدآبادی می‌توان از شیخ فضل الله نوری، سید حسن مدرس، آیت الله کاشانی و نواب صفوی نام برد و پس از آن امام خمینی پرچمدار این حرکت شد.

ب) مبارزات امام خمینی

در مبارزه با رژیم شاه، احزاب و گروه‌های ملی، چپ‌گرا و مذهبی فعال بودند و در دسته‌های محدود فعالیت‌های مخفی داشتند و در غالب موارد با سیستم امنیتی شاه (ساواک) شناسایی و دستگیر می‌شدند.

امام خمینی، شیوه دیگری برای مبارزات خود در پیش گرفت، ایشان نه به سبک گروه‌های سیاسی، بلکه به عنوان یک مصلح دلسوز، سخن خود را در حضور هزاران نفر از پیروانش، به شکل آشکار و علنی بیان می‌داشت.

امام خمینی، با استفاده از نبوغ و جاذبه خویش، با تکیه بر شعارها و معیارهای روشن اسلامی و قاطعیت خاص خود، تاکتیک‌های لازم را به منظور پیشبرد اهداف خود برای رسیدن به یک جامعه ایدئال اسلامی به کار می‌گرفت.

امام در ایجاد ارتباط با اقشار و توده‌ای مردم نبوغ خاصی داشت که از کمتر کسی مشاهده گردیده است. او با کلامی بسیار ساده و قابل درک برای همه حتی بی‌سوادترین انسان‌ها پیچیده‌ترین مسائل سیاسی اجتماعی را مطرح می‌کرد و با بیان خود در اعماق قلوب انسان‌های معتقد و مؤمن نفوذ می‌کرد.

باید در نظر داشت که شیوه رهبری و مبارزه امام در انقلاب اسلامی، از نوع حرکت‌های تاریخی صدر اسلام است. امام با درک و شناخت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه بزرگوار علیهم‌السلام و بررسی سیر تاریخی تحولات اجتماعی زمان معاصر، شیوه مبارزه خود را انتخاب و حرکت کرد.

ایشان ابتدا موانع راه مبارزه را برداشت، از جمله تقیه را کنار گذاشت. آن‌گاه هدف اولیه خود را، حمله بی‌امان به کانون فساد جامعه یعنی سلطنت، با طرح عدم مشروعیت آن قرار داد و سپس با اعلام هدف نهایی که برقراری حکومت اسلامی بود، علی‌رغم همه فشارها و تلاش برای سازش و مصالحه، قاطعانه در موضع خود ایستاد و تا نیل به پیروزی مقاومت کرد.

استاد منوچهر محمدی ، مبارزات امام خمینی را به چهار دوره تقسیم می کند : دوره ظهور رهبری – دوره نظریه پردازی – فرماندهی انقلاب و معمار انقلاب .[۱]

با نگاهی دیگر می توان زندگی امام خمینی را به دو دوره تقسیم نمود ؛ دوره اول کسب علوم و معارف الهی ، فقه ، فلسفه و عرفان و دوره دوم ، آغازحرکت اعتقادی برای دفاع از دین و مبارزه با هرنوع انحراف ، از شبهه افکنی ها تا حکومت وابسته به غرب . امام با تالیف کتاب کشف الاسراردر ۱۳۲۳ مبانی فکری خود را ارائه نمود و با استقبال مردم و حمایت همه اقشار ، راه انجام تکلیف را تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داد . البته شرایط مختلف ، سبب تفاوت در برخورد امام داشته است .

دوره اول، از خرداد ۱۳۴۲ تا تبعید (آغاز رهبری امام خمینی)

این دوره با ظهور امام خمینی، در قالب رهبر سیاسی مذهبی و کسب جایگاه رهبری و مقبولیت سریع ایشان از طرف توده‌های تشنه مردم همراه بود. این دوران با اعلامیه مخالفت با قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد و اوج شکوفایی آن در سخنرانی معروف در روز عاشورای محرم سال ۱۳۴۲ و دستگیری ایشان و قیام ۱۵ خرداد همان سال بود و یک سال بعد با تبعید ایشان به ترکیه که به دنبال مخالفت شدید با کاپیتولاسیون (مصونیت قضایی

۱. محمدی – ۱۳۹۸ – ۸۹

آمریکایی‌ها) و سازش بعضی روحانیان صورت گرفت، وارد دوره جدیدی گردید.

در این دوره از مبارزه، امام امت چهار اقدام اساسی انجام دادند:

الف- امام اعتقاد داشت ، اکنون زمان تقیه ، سکوت و کوتاه آمدن در برابر رژیم شاه نیست و باید با پیروی از امام حسین علیه‌السلام برای دفاع از دین قیام نمود ، در این راه یا پیروز می شویم یا شهید می شویم که هردو پیروزی است . امام در فتوای تاریخی خود اعلام داشتند : الیوم تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب است. (ولوبلغ ما بلغ) یعنی در راه انجام تکلیف الهی و مبارزه با ظالم، هر حادثه‌ای پیش آید، باید به مقاومت خود ادامه داد.

ب- امام با کشاندن مبارزه به کانون اصلی فعالیت‌های مذهبی، یعنی حوزه علمیه قم، برای همیشه خط بطلان برنظریه جدایی دین از سیاست کشید که در جهت جا انداختن آن تلاش زیادی می‌شد، حتی کسانی را که از ورود به فعالیت‌های سیاسی اکراه داشتن، وادار به اتخاذ موضع کرد و این انقلاب روحی، آغازی برای حساسیت نسبت به مسائل سیاسی- اجتماعی گردید.

ج- با متوجه کردن لبه تیز حملات خود به کانون اصلی فساد، یعنی سلطنت و شخص شاه به شیوه محافظه‌کارانه قبلی در مبارزه پایان داد. در گذشته مبارزان و مخالفان رژیم به ویژه لیبرال‌ها و حتی بعضی از مبارزان مذهبی سعی کردند از حمله مستقیم به سلطنت و شاه خودداری کنند و با اعتراض به اطرافیان شاه از جمله نخست وزیران و هیئت دولت، دربار را از دخالت در جرایم و خطاها مصون بدارند . امام خمینی، ضمن زیرسؤال بردن مشروعیت و قدرت سلطنت، هرنوع محافظه کاری را کنار گذاشت و محور اصلی مبارزه را در حمله به عامل اصلی تمام مفاسد، یعنی سلطنت، درباریان و شاه قرارداد و به دیگران هم جرئت و جسارت بخشید تا چنین کنندایشان گوید :

> فقط خدا می‌داند که سلطنت ایران، از آغاز پیدایش خود چه جنایت‌ها کرده است، جنایات پادشاهان تمام تاریخ ما را سیاه کرده است، مگر پادشاهان نبودند که به قتل عام توده مردم فرمان می‌دادند و بدون کمترین وسواس دستور سر بریدن می‌دادند. از نظر پیامبر

اسلام کلمه ملك الملوک نفرت‌انگیزترین کلمات نزد خداوند است. اصول اسلامی با سلطنت مخالف است. کاخ‌های استبدادی شاهنشاهی ایران را ویران کنید. سلطنت یکی از شرم‌آورترین و پست‌ترین ارتجاع‌هاست.[۱]

د- امام خمینی با حمله مستقیم به نظام سلطه جهانی و تمام قدرت‌های سلطه‌گر و در راس آنها آمریکا هر نوع ملاحظه‌کاری سیاسی را که در گذشته، به ویژه در دوران نهضت مشروطه و ملی شدن صنعت نفت رایج بود، مطرود دانستند و شیوه‌ای کاملا نو در مبارزه انتخاب کردند. در دوران مشروطه، مشروطه خواهان با تحصن در سفارت انگلیس سعی در جلب پشتیبانی دولت انگلستان داشتند و نتیجه آن حاکمیت فراماسونری بر سرنوشت ملت ایران و به نام مشروطیت شد.

در دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت به قول دکتر مصدق از تضاد منافع دو قدرت بزرگ بهره بردند؛ یعنی با کمک دولت آمریکا نفت را ملی کردند وچنان که قبلا بیان شد، چند صباحی نگذشت که دولت‌های آمریکا و انگلیس با هم در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برای بیست و پنج سال نه تنها بر صنایع نفت بلکه بر همه امور کشور سلطه مجدد یافتند.

امام امت با شناخت دقیق از تجربیات گذشته آن جمله معروف را فرمود:

آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر و شوروی از هر دو بدتر و همه از هم پلیدتر اما سروکار ما امروز با این خبیث‌هاست، با آمریکاست.[۲]

امام راه هر نوع نفوذ و امید را بر وابستگان به سیاست‌های خارجی برای شرکت در مبارزه و سوار بر موج شدن را بستند.

بدین شیوه بود که ایشان توانست با درک صحیح دردهای مردم و با استفاده از جایگاه خاص خود، یعنی مرجعیت که به گفتار و نظرات ایشان مشروعیت مذهبی می‌بخشید، علی‌رغم تلاش رژیم که سعی می‌کرد بعد از مرحوم آیت الله بروجردی، مرجعیت را به خارج از

---

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱

۲. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۰۵

کشـور منتقل کند، به سرعت این مقام را با کسب مقبولیت عام به خود اختصاص دهد و در قالب رهبر مذهبی سیاسـی جدید ایران در دوره‌ای از یأس و ناامیدی، بارقه‌ای از نور در دل و روح انسان تشنه مبارزه تاباند. مردم هم گم گشته خود را یافتند و تحقق آمال و آرزوهای خود را در کلام و نوشته‌های رهبر جدید خویش به وضوح می‌دیدند.

دوره دوم، تدریس در نجف ، کادر سازی و نظریه پردازی

رهبـری امـام امت در این مرحله یک دوره فترت طولانی پانزده سـاله را گذراند که با تبعید ایشان به ترکیه آغاز شد و با عزیمت ایشان از نجف به پاریس پایان یافت . در این دوره اگرچه گاه‌گاهـی بـه مقتضای زمان و با توجه به حـوادث و اتفاقاتی که در ایران رخ می‌داد، با انتشـار اعلامیه‌هـا و صدور فتاوی و انجام سـخنرانی‌ها نه تنها مخالفت و مبارزه بـا رژیم را ادامه داد بلکه ارتباط خود را با مردم حفظ کرد و آنها را در این دوره ارشـاد و راهنمایی نمود؛ کار اصلی و مهمـی کـه امام در ایـن دوره انجام داد این بود کـه در قالب یک نظریه پـرداز انقلاب با ارائه یـک بحث فقهی در دروس حوزوی که با عنوان «حکومت اسـلامی» یا «ولایت فقیه» معروف اسـت طرح اصلی نظام سیاسـی بعد از انقلاب را ریخت و برای کسانی که تا آن زمان برایشان حکومت اسلامی نامفهوم و در ابهام بود، روشن کرد که درصدد ایجاد چه نوع نظام و حکومتی است.

رهبری انقلاب سه وظیفه اساسی بر عهده دارد: ۱. نظریه پردازی؛ ۲. فرماندهی انقلاب، ۳. ساختن حکومت انقلابی.

امام در این دوره از یک سـو با انتشـار اعلامیه های روشـنگرانه ، مردم به ویـژه جوانان را به خیانت های رژیم متوجه می نمود و از سـوی دیگر، در نقش نظریه پرداز انقلاب رسـالت خود را به نحو شایسـته انجام داد و مبانی علمی حکومت اسـلامی را تبیین نمود . اگرچه انقلاب بـر پایه مکتب اسـلام و بر اسـاس مآخذ و منابع اصلـی آن یعنی قرآن، سـنت و احادیث مورد تردیـد و شـک نبود، از آنجا که چهـارده قرن از زمانی که حکومت اسـلامی واقعی و به صورت

عینـی و عملی برقرار بود، می‌گذشـت و بـه ویژه در دوران غیبت امام مهـدی (عج) و با توجه بـه تحولات عظیم اجتماعـی که در طول چهارده قرن رخ داده اسـت، برای مردم روشـن نبود حکومت اسـلامی که بنا بود بر خرابه‌های رژیم سلطنتی پایه‌ریزی شود، چه حکومتی است و با مسائل مختلف و به خصوص پدیده‌های تازه عصر حاضر چگونه رفتار خواهد کرد و معلوم نبود شیوه انتخاب و اختیارات رهبری حکومت و تقسیم‌بندی مسئولیت بر چه پایه‌ای است، آیا نوعی از حکومت تئوکراسـی و یا شـبه دموکراسی غربی با توتالیتر است؟ در چنین شرایطی بود که امام با طرح نظریه ولایت فقیه چهارچوب اصلی حکومت اسلامی را مشخص کرد و به مردم ارائه داد.

ولایت فقیه

امام خمینی در جلسات درس فقه، در سال ۱۳۴۸ در نجف، بحث علمی را مطرح کردند که بعدها به صورت یک کتاب، منتشر گشت.

خلاصه بحث چنین است:

قرآن، کتاب قانون زندگی است و همه مسائل مورد نیاز جامعه سعادتمند را دارد.

هر قانونی به هدف اجرا نگاشته می‌شود و اگر اجرا نشود، به نتیجه نخواهد رسید.

مجـری قانون قرآن، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ایشـان بر این اسـاس در مدینه تشـکیل حکومت دادند.

آیا اسلام، برای زمان پس از پیامبر، برنامه حکومتی دارد یا نه؟ پاسخ مثبت است.

دلایل این‌که اسلام سیستم حکومتی دارد، چیست؟

سـه دلیل مطرح اسـت: ۱. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام، حکومت تشـکیل دادند و سیره یا عملکرد ایشـان برای ما حجت اسـت؛ یعنی مسلمانان باید حکومت داشته باشند. (سیره پیامبر، تنها در عبادت نیست، بلکه در همه مسائل است.)

۲. اسلام، مکتب جاودانی است و چنین نیست که پس از پیامبر، تعطیل‌بردار باشد.

۳. قوانین اسلام، جامعیتی دارد که بدون حکومت، بخش عمده آن تعطیل می‌شود (مانند روابط با دولت‌ها، ثروت‌های عمومی و مسائل قضایی و نظامی و دیگر مسائل کلان جامعه)

اگر گفته شود، اسلام حکومت دارد، اما با توجه به غیبت امام عصر علیه‌السلام نمی‌توانیم حکومتی تشکیل دهیم و باید تا ظهور ایشان صبر کنیم.

امام پاسخ می‌دهد، لازمه این‌که صبر کنیم تا امام زمان، بیایند، این است در این چندین قرن، از نعمت اسلام کامل محروم باشیم و این برخلاف حکمت خداوند است؛ زیرا خدای حکیم، دین را برای سعادت همه بشر در همه زمان‌ها فرستاده است.

در نتیجه باید در زمان غیبت نیز حکومت اسلامی داشته باشیم. این حکومت بر اساس توصیه امام زمان علیه‌السلام، توسط علمای دین باید اداره شود و این به معنای ولایت فقیه (مدیریت فقیه) است.

کسی می‌تواند عهده‌دار این مسئولیت شود که علاوه بر دانش فقه، مدیر، مدبر، پرهیزکار و زمان‌شناس باشد.[۱]

نظریه ولایت فقیه با استناد به آیات قرآن و روایات مورد بحث علمی امام خمینی، قرار گرفت.

قیام میلیونی مردم در سال ۱۳۵۷ و درخواست از امام برای بازگشت به کشور، سبب شد دعوت مردم را بپذیرد و با تاسیس حکومت اسلامی، دین را به صحنه اداره زندگی بیاورد.

دوره سوم، هدایت کشتی انقلاب (فرماندهی انقلاب)

رهبری امام در این دوره از زمانی شکل گرفت که اولین جرقه‌های انقلاب در دی ماه ۱۳۵۶ در قم موجب شعله‌ور شدن آتش زیر خاکستر گردید و دیری نگذشت که با شعله‌های خود خرمن هستی سیستم سیاسی حاکم بر ایران را سوزاند و برای همیشه بر نظام طولانی دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی خط بطلان کشید.

---

۱. امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۳۶۹

در ایـن دوره امـام امت با تشـخیص موقعیت مناسـب و پایداری و حرکـت مردم درنگ و تأمـل را جایـز ندانسـت و فرماندهی انقـلاب را بـر دوش گرفت و بدون هیچ گونه سـازش و مصلحت‌طلبی و با درک صحیح از خواسته، اراده و توان مردم که با شور و احساسات و ایثار جان و فداکاری در صحنه‌های تظاهرات و درگیری با مأموران دولتی به ظهور رسید، عزم قاطع و خلل‌ناپذیر خود را در ادامه مبارزه بی‌امان تا سرنگونی رژیم شاه اعلام و دنبال کرد.

با عزیمت امام به فرانسه و امکان دسترسی بیشتر مشتاقان و عاشقان به ایشان، توفل لوشاتو (محل اقامت امام در پاریس) نه تنها زیارتگاه ایرانیان مشتاق دیدار رهبر انقلاب بود، بلکه برای مدتی این محله به صورت پایتخت دوم ایران یا به عبارتی بهتر پایتخت واقعی ایران درآمد و در اینجا بود که انقلاب اسلامی از مرحله حرف به عمل درآمد و رژیم شاه را از بنیان برکند.

شـیوه‌هایی که در این دوره، امام امت برای رهبری و پیروزی انقلاب به کار گرفت عبارت بود از:

الف- از رخنه و نفوذ همه کسـانی که با شـامه قوی خود پیروزی سـریع انقلاب اسلامی را احسـاس کردند و سعی در نزدیک شدن به مقام رهبری داشتند، جلوگیری کرده اعلام نمود، من سخنگو ندارم. ما با کسی ائتلاف و تفاهم نکرده‌ایم. هر کس حرفمان را بزند با ما و با مردم است.

بدین وسیله امام از هر نوع سوءاستفاده از موقعیت ایشان و دستاوردهای انقلاب جلوگیری کرد.

ب- برخورد قاطع ایشـان با رژیم شاه و عدم سازش و گذشت در راه تحقق اهداف مبارزه، تلاش بسـیاری از لیبرال‌ها و میانه‌روها را برای وادار کردن امام به اتخاذ سیاست معتدل‌تر و به اصطلاح گام به گام یا در کلام مهندس بازرگان سـنگر به سـنگر خنثی کرد. امام با قاطعیت همه آنها را رد کرد و همواره اعلام می‌کرد "شـاه باید برود" و به جای او و با رأی مردم جمهوری اسلامی برقرار گردد.

ج- با موقعیت مناسـبی که در پاریس از نظر دسترسی به رسانه‌های گروهی دنیا به دست

آمده بود، امام از این موقعیت برای رساندن پیام انقلاب به گوش جهانیان بیشترین استفاده را کرد، به طوری که علی‌رغم اقتضای سن خود، روزانه در چندین مصاحبه مطبوعاتی و تلویزیونی شرکت می‌کرد و به سؤالات گوناگون خبرنگاران پاسخ می‌داد، بدین وسیله امام موفق شد یک بعد وسیع جهانی به انقلاب بدهد و باب دیگری در سطح بین‌المللی برای مبارزه با شاه و حامیانش بگشاید.

بدین ترتیب امام توانست شور و هیجان و اراده مردم را آنچنان رهبری و هدایت کند که در کوتاه‌ترین مدت ممکن بدون دست‌یازی به اسلحه و اعمال خشونت به اهداف انقلاب تحقق بخشید.

هر چه آهنگ حرکت مردم سریع‌تر می‌شد، نبوغ و قدرت امام در رهبری بیشتر ظاهر می‌شد و اوج این دوره زمانی بود که با خروج شاه از ایران و بازگشت پیروزمندانه امام به آغوش مردم، ضربان نبض و تپش قلب انقلاب به شدت به فزونی رفت و در روز شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ که امام دستور شکستن حکومت نظامی را صادر کرد، دیگر آخرین ساعات عمر رژیم شاه و پیروزی انقلاب فرارسیده بود.

دوره چهارم، برپایی نظام مردم سالاردینی (معمار انقلاب)

این دوره حساس‌ترین و مشکل‌ترین دوره رهبری انقلاب بود؛ دوره‌ای که رهبرانقلاب هم رهبر سیاسی اجتماعی و هم رئیس حکومت تلقی می‌شد و باید کشتی هیجان‌زده انقلاب را به ساحل آرامش هدایت می‌کرد؛ در حالی که قدرت سیاسی و نظام طاغوتی سقوط کرده بود و میلیون‌ها انسان که در بند اسارت رژیم وابسته به بیگانه بود، از بند آزاد شدند و امکان هر نوع هرج و مرج و خارج شدن فرماندهی نهضت از کنترل رهبری وجود داشت. رهبر انقلاب باید با قدرت و توانایی فوق‌العاده، ضمن کنترل هیجان و احساسات عمومی توده‌های مردم و جلوگیری از هرج و مرج همچون معماری قابل و توانا ساختمان جدید حکومت اسلامی را طراحی و ایده آن را که از قبل اندیشیده بود، برویرانه‌های حکومت ساقط شده بنا کند. در این

دوره بود که هرگونه غفلت و بی‌دقتی می‌توانست سبب سوءاستفاده از آزادی‌های داده‌شده، رخوت و فتور در شور و هیجان مردم که حرارت و موتور انقلاب بود، از بین رفتن دستاوردهای انقلاب و انحراف آن ازمسیر اصلی و ترسیم شده‌اش شود.

ولـی امام امت علی‌رغم شـیوه سـاده و روشـنی که در نحوه مبارزه با رژیم شـاه داشـت از سیاسی‌کاری به سبک امروز خودداری ورزید؛ البته این توهم در بسیاری از تحلیل‌گران ایجاد شـده بود که روحانیت و امام ممکن اسـت توانایی مبارزه با رژیم شـاه و سرنگونی آن را داشته باشند، ولی از ساختن و اداره جامعه و حکومت بعد از آن عاجزند و معمولاً کار را به کارشناسان و تکنوکرات‌ها خواهند سـپرد؛ اما این بار نیز امام با نبوغ و توانایی خاص خود امید بسیاری از روشـنفکران و تکنوکرات‌هـا را بـه یأس تبدیل کرد و مهـارت و توانایی خـود را در ادامه رهبری نهضت و مبارزه مردم و در عین حال در تعقیب و شکست بقایای رژیم سابق و ضد انقلابیون جدیـد از یـک طـرف و اداره رهبری سیاسـی از طرف دیگر بـه اثبات رسـاند. او با حوصله‌ای وصف‌ناپذیر و با استفاده از موقعیت‌ها و آمادگی‌های مردم و با سرعتی که در همه انقلاب‌های دنیا بی‌سابقه است، در طول یک سال پایه‌های نظام اسلامی را با انجام چندین انتخابات، از جمله رفراندوم جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و نیز تدوین و به رفراندوم گذاردن قانون اساسی تثبیت و تحکیم کرد و بدین وسیله قابلیت و توان بی‌نظیر خود را در ساختارسازی و اداره جامعه بعد از انقلاب نشان داد.

امـام خمینـی، در مدت زمانی بیش از ده سـال بعـد از پیروزی انقلاب و تـا زمان رحلت جانگـداز خود با رهبری خردمندانه خود نه تنها نظام نوپای اسـلامی ایران را از انواع توطئه‌ها، انحرافات و خطرات سهمگین و هولناکی که هریک به تنهایی کافی بود تا نظام‌های با ثبات دنیـا را واژگون کند، محافظت کرد، بلکه با حل بسـیاری از معضلات پیچیده نظری و فقهی که ممکن بود نظام را به بن بسـت بکشـاند، شـرایط تثبیت نظام و تداوم انقلاب پس از خود را نیز فراهم آورد.

در فصل بعد به این موارد بیشتر خواهیم پرداخت.

به طور اجمال چنانچه بخواهیم نقش و جایگاه امام خمینی را در تاریخ و اثرگذاری متقابل ایشـان را با تاریخ معین کنیم، بی‌شک می‌توان ادعا کرد که این مرد بزرگ عصر ما نه تنها خود سـاخته تاریخ اسـلام بود، بلکه سـازنده تاریخ انقلاب اسلامی اسـت و بنا بر نظر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای " انقلاب اسلامی بی‌نام امام خمینی، در هیچ جای جهان شناخته شده نیست." (Khamenei. Ir)

فصل پنجم: شرایط بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

هر انقلاب اصیل و واقعی بعد از سقوط رژیم غیرمردمی ، با انبوهی از مشکلات و مسائل مواجه می‌گردد که در دوران قبل از پیروزی هرگز آن ها را لمس نکرده و احتمالاً به آنها فکر هم نکرده است؛ به عبارت معروف، تخریب یک ساختمان فرسوده به مراتب آسان‌تر از ساختن بنای نو است و چه بسا انقلاب‌ها که در این مرحله با ناکامی مواجه شده و شکست خورده‌اند.

انقلاب اسلامی هم از این لحاظ مستثنا نبوده است به ویژه که در دوران قبل از پیروزی فرصت برنامه‌ریزی نداشته و الگوی مناسب برای استفاده از آن در اختیار نداشته است.

با این وصف به طوری که ملاحظه خواهد گردید رهبری انقلاب با یک دوراندیشی فوق‌العاده و استثنایی، هم زمان و همگام ، همه مسائل و مشکلات رو در رو را بدون آن‌که از هیچ یک از آن مسائل و مشکلات غافل باشد یا بعضی از آنها را به تعویق اندازد، برخورد نمود و توانست باوجود پیچیدگی‌های مسائل رو در رو، توقعات و انتظارات توده‌های از بند رسته و با وجود افزایش خصومت‌ها ودشمنی‌های ضد انقلاب داخلی و خارجی، کشتی انقلاب را به منزل نجات و ثبات هدایت نماید. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان این مسائل و مشکلات عظیم را در سه گروه و طبقه دسته‌بندی نمود:

الف- از یک طرف با سقوط رژیم شاه مسئولیت اداره سیاسی کشور که در خطر هرج‌ومرج بود، بر عهده انقلابیون قرار گرفت، مدیریت سیاسی جامعه انقلابی که با توجه به استمرار امور

جاری کشور، نمی‌شد حتی یک روز از آن غفلت کرد و باید وظایف اداره سیاسی جامعه انجام می‌گرفت و همچنین جایگزینی مدیران سیاسی و اجرایی رژیم گذشته از فوری‌ترین وظایف و برنامه‌های رهبران انقلاب بود؛ در حالی که رشته‌های ساختار باقیمانده از آن رژیم از هم گسیخته و اعضای آن نیز در معرض تندباد انقلاب، روحیه خود را از دست داده بودند. به هر حال در یک دوره انتقالی نباید امور جاری کشور معطل می‌ماند و باید به مسائل فوری و اضطراری پرداخته می‌شد تا چرخ امور حکومت به حرکت درآید.

ب- از طرف دیگر باید به سرعت نظام مطلوب "جمهوری اسلامی" براساس مبانی و ارزش‌های اسلامی طراحی و پایه‌گذاری می‌شد و سازوکارهای لازم از طریق تدوین قانون اساسی و تعیین نهادهای مرتبط با آن، با آرامش و حوصله و به صورت بنیادین و اساسی طراحی و به مرحله اجرا درمی‌آمد؛ به عبارت دیگر، باید خواسته‌ها، شعارها و آرزوهای انقلابیون از مرحله حرف خارج می‌شد و به مرحله عمل درمی‌آمد و تثبیت می‌گردید.

ج- از طرف دیگر و مهم‌تر از همه باید برای صیانت از انقلاب و محافظت از آن با تمام نیرو و توان، توطئه‌ها و بحران‌هایی که دشمنان داخلی و خارجی به طرق مختلف علیه انقلاب و به منظور شکست آن صورت می‌دادند که مهم‌ترین آنها تجاوز و هجوم به سرزمین کشور تازه انقلاب کرده بود، خنثی و با آنها مقابله می‌شد. تجربه انقلاب‌های دیگر هم نشان داده است که عموما رهبران انقلاب زیر بار این همه معضلات و مشکلات کمر خم می‌کنند و عموماً یا با شکست مواجه می‌شوند یا مجبور به عقب‌نشتی از اهداف عالیه خود می‌گردند.

در این فصل به عملکرد انقلاب اسلامی در هریک از زمینه‌های مورد اشاره خواهیم پرداخت و ملاحظه می‌گردد چگونه از یک سو رهبری و مردم با تشکیل شورای انقلاب، معرفی دولت موقت، تدوین قانون اساسی و برگزاری پنج انتخابات برای نظام مردمی، تشکیل نهادهای انقلابی و برکناری عناصر رژیم قبل به دنبال ایجاد امنیت و رفاه عمومی است و از سوی دیگر دشمنان داخلی و خارجی با انواع بحران‌آفرینی‌ها از کودتا، ترور، انفجار، آشوب تا جنگ نظامی، به دنبال ناامنی و ناامیدی مردم بودند، البته به لطف خدا، دشمن شکست

خورد و انقلاب راه خود را ادامه داد .

۱. مدیریت سیاسی کشور

الف- شورای انقلاب و دولت موقت

رهبر انقلاب قبل از پیروزی و زمانی که احتمال داده می‌شد که رژیم شاه، رفتنی است، در زمانی که هنوز در تبعید از کشور به سر می‌بردند، در یک اقدام انقلابی، نهادی به نام «شورای انقلاب اسلامی» تشکیل دادند.

وظایف شورای انقلاب عبارت بود از انجام امور قانونی کشور، تعیین نخست وزیر و هیئت وزیران و سایر مسئولان اجرایی و قضایی .

در پیام مهم امام در ۲۲ دی ۱۳۵۷ آمده است:

> این شورا موظف است شرایط تأسیس دولت انتقالی را بررسی کند و مقدمات اولیه آن را فراهم سازد.[۱]

از اقدامات مهم شورای انقلاب دیدارهای دیپلماتیک و مذاکره با نیروهای مسلح، به منظور جلوگیری از کشتار مردم بود.

> شاه ، بختیار را به عنوان نخست وزیر معرفی نمود و خود در ۲۶ دی ماه از کشور گریخت و به آمریکا رفت . امام خمینی پس از تبعید ۱۵ ساله در روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ پیروزمندانه وارد کشور شدند و با استقبال میلیون‌ها نفر از مردم انقلابی تهران، در قطعه شهدای بهشت زهرا سخنرانی و اعلام کردند: "من به پشتیبانی مردم ، دولت تعیین می‌کنم."

با حضور رهبر انقلاب در کشور، فعالیت شورای انقلاب گسترده شد و آنان به حضرت امام مشاوره می‌دادند.

در این ایام بختیار، خود را دولت رسمی می‌دانست، با این وجود در ۱۹ بهمن مهندس بازرگان از سوی رهبر انقلاب به عنوان نخست وزیر موقت معرفی شد و از سوی دیگر «ژنرال

---

۱. امام خمینی – صحیفه نور - ج ۴، ص۲۰۷

هایزر» فرستاده ویژه کارتر، برای کودتای نظامی آمریکایی، ارتش را تحت فشار قرار داده بود که به توطئه ۲۱ بهمن منجر شد که با هشیاری امام، حکومت نظامی نادیده گرفته شد و مردم فداکارانه همه ارکان رژیم از کلانتری، پادگان، ساواک، وزارتخانه تا صدا و سیما، را تصرف کردند ودر یوم اله ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ، جشن پیروزی انقلاب اسلامی برپا شد و شعار مردم این بود: «در بهار آزادی، جای شهدا خالی».

ده روز، ورود امام خمینی تا پیروزی انقلاب را "دهه فجر" می‌نامند.

شورای انقلاب پس از پیروزی

شورای انقلاب از اولین روز تأسیس، وظایف و مسئولیت‌های مهمی را برعهده داشت که برخی از آن را یادآور می‌شویم.

اولین برنامه شورا، تعیین فردی به عنوان رئیس دولت موقت بود که نظر شورا به آقای مهندس بازرگان بود و امام ایشان را طی حکمی به عنوان نخست وزیر معرفی کردند. در این حکم، به ایشان مأموریت داده شد برای رفراندوم، تصویب قانون اساسی و انتخاب نمایندگان مجلس اقدام نماید تا ارکان کشور با رأی مردم شکل گیرد.[۱]

پس از پیروزی انقلاب در مدت حدود یک سال ، پنج انتخابات مردمی برپا شد و همه ارکان کشور با رای باشکوه مردم ، تشکیل شد :۱ رفراندم ، ۲ انتخاب اعضای خبرگان قانون اساسی ، ۳ رای به قانون اساسی ، ۴ انتخابات ریاست جمهوری ، ۵ انتخابات مجلس شورا .

اولین حضور حماسی مردم ، برپایی رفراندم بود که ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ (دو ماه پس از پیروزی انقلاب) انجام شد و با رای قاطع ۹۸/۲ درصد آری ، "جمهوری اسلامی " به تصویب رسید .

ملی شدن بانک‌ها، ملی شدن صنایع بزرگ، ساماندهی به دادگاه‌های انقلاب، برگزاری همه‌پرسی در رابطه با نظام، بررسی پیش‌نویس قانون اساسی و انتشار آن در جراید، تصویب

---

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۶، ص ۵۴

آیین نامه مجلس خبرگان بخشی از اقدامات این شورا بود. اولین ریاست شورای انقلاب استاد مطهری بود که ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ به شهادت رسید و دومین نفر آیت الله طالقانی بود که ۱۹ شهریور همان سال رحلت کرد.

۱۳ آبان ۱۳۵۸ جمعی از دانشجویان تهران تا کنار سفارت آمریکا تظاهرات کردند و سه درخواست داشتند: بازگرداندن شاه برای محاکمه، پرداخت دارایی‌های ایران و عدم دخالت در امور داخلی ایران.

این حرکت به تسخیر لانه جاسوسی و دستگیری کارمندان سفارت منجر شد. به دنبال این ماجرا آقای بازرگان خواستار اخراج دانشجویان از سفارت بود و به عنوان اعتراض استعفا داد.

رهبر انقلاب، استعفای ایشان را پذیرفت و حرکت دانشجویان پیرو خط امام را «انقلاب دوم» نامید و آن را تأیید کرد، غالب اسناد لانه جاسوسی توسط کارمندان سفارت معدوم شد و تنها مقداری از آن باقی ماند و با وجود آن که در دستگاه خرد شده بود با تلاش دانشجویان تنظیم شد و در هفتاد و چهار جلد کتاب چاپ گردید و مشخص شد که بسیاری از آشوب‌های ماه‌های ابتدای پیروزی، از این مکان هدایت می‌شده.

پس از اقدام دانشجویان، کارتر رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد: روابط با ایران را قطع می‌کند. امام خمینی در پاسخ فرمود:

"اگر کارتر در تمام عمر خود یک کار کرده باشد، که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است ، همین قطع رابطه است. چون این قطع رابطه دلیلی بر قطع امید آمریکا از ایران است. ما این قطع رابطه را به فال نیک می‌گیریم. ملت رزمنده ایران، اگر جشن بگیرد، حق است."[۱]

پنجاه گروگان پس از ۴۴۴ روز و به دنبال قرارداد الجزایر با تصمیم مجلس شورای اسلامی آزاد شدند؛ اما کارتر به خاطر شکست از ایران، برای بار دوم نتوانست رئیس جمهور شود. آمریکا بر اساس قطعنامه، متعهد شد همراه آزادی گروگان‌ها، اموال بلوکه شده ایران را آزاد کند، اما

---

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ۱۹/ ۱/ ۱۳۵۹

هرگز به تعهد خود عمل نکرد.

با توجه به استعفای دولت ، شورای انقلاب، وظایف باقیمانده دولت را برعهده گرفت وبه منظور تهیه قانون اساسی ، اعضای مجلس خبرگان در۱۲ مرداد ۱۳۵۸ با رای مردم انتخاب شدند .

هفتاد و پنج نماینده مجلس خبرگان برای نوشتن قانون اساسی، جلسات فشرده برگزار کردند و قانون اساسی با یک مقدمه ، ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل، تکمیل شد و دررای گیری ۱۲ آذر ۱۳۵۸ با رای ۸۷ درصدی مثبت مردم به تصویب رسید ؛ در حالی که در دهه اول انقلاب فرانسه، هرسال یک قانون اساسی تهیه و قبلی را لغو می‌کردند و در انقلاب روسیه و چین که بر پایه کمونیست بود، مردم هیچ گونه حقی برای اظهارنظر نداشتند.

پس از تصویب قانون اساسی و براساس آن، در بهمن همان سال انتخابات ریاست جمهوری انجام شد و بنی‌صدر اولین رئیس جمهور گردید. در ۷ خرداد ۱۳۵۹ انتخابات مجلس شورای اسلامی انجام شد و با تکمیل اعضا و حقوق دانان شورای نگهبان، شورای انقلاب پایان کار خود را اعلام نمود. بدین ترتیب در مدت حدود یک سال همه ارکان کشور با رای مردم شکل گرفت .

ب- پاک‌سازی نظام سیاسی موجود

به موازات تلاش‌های قبل، اقدامات گسترده‌ای در زمینه پاک‌سازی در نیروهای مسلح، ادارات و مؤسسات دولتی و عمومی و همچنین در بخش خصوصی اقتصادی و مالی انجام گرفت.

افرادی که در کشتار مردم دست داشتند به زندان افتادند، سران و فرماندهان ارتش از سرهنگ به بالا بازنشست شدند، سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) منحل شد و به موازات آن نهادی برای تأمین امنیت به نام «کمیته انقلاب اسلامی» تشکیل شد.

زمانی که قرار شد حضرت امام به کشور بازگردد و رژیم گذشته امنیت مراسم استقبال را نپذیرفت، کمیته‌ای از جوانان انقلابی تشکیل شد که تشریفات و امنیت استقبال را برعهده

گرفت. همین کمیته، بعد از سقوط رژیم شاه، در کنار شهربانی و ژاندارمری، مسئولیت امنیت کشور را برعهده گرفت و از طریق مساجد عضوگیری نمود.

سه نهاد کمیته انقلاب اسلامی و شهربانی و ژاندارمری در سال ۱۳۷۰ ادغام شدند.

ج- تشکیل سایر نهادهای انقلابی

نهادهای انقلابی، که به موازات سازمان‌ها و وزارتخانه‌های رسمی، برای رفع کمبودها و حل مشکلات مردم تشکیل شد، عبارت بود از:

دادگاه انقلاب: در کنارقوه قضائیه و دادگستری که به جرائم عمومی رسیدگی می‌کرد، برای رسیدگی به به متهمان ضد انقلاب و همکاران رژیم شاه، دادگاه‌های انقلاب تشکیل شد.

کمیته امداد: ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ برای کمک به مستمندان، تاسیس شد.

سپاه پاسداران: ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸، برای حراست از انقلاب و دستاوردهای آن، نهادی به نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شد. سپاه خود را در کنار ارتش می‌دید و برخلاف خواسته گروه‌های چپ و مارکسیستی برای انحلال ارتش، امام از بدنه ارتش حمایت کرد و به آنان عفوعمومی داد و آشتی میان مردم و ارتش را درخواست نمود و ۲۹ فروردین را روز ارتش نامید.

بنیاد مسکن: ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ به منظور ساخت مسکن برای محرومان تاسیس شد.

جهادسازندگی: برای عمران روستاها و مناطق محروم، در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ جهاد سازندگی تشکیل شد و سال ۱۳۷۹ با وزارت کشاورزی ادغام و وزارت جهاد کشاورزی نام گرفت.

بسیج: ۵ آذر ۱۳۵۸ بسیج مستضعفان، برای ساماندهی همه اقشار در حمایت مردمی از انقلاب اسلامی تشکیل شد.

بنیاد شهید: ۲۲ اسفند ۱۳۵۸ برای خدمت به خانواده معظم شهیدان تشکیل شد.

جهاد دانشگاهی: ۱۶ مرداد ۱۳۵۹ برای تحرک علمی در دانشگاه و کشور، ارگان جهاد دانشگاهی تاسیس گردید.

هم چنین کمیته ۱۵ خرداد و بنیاد مستضعفین، ارگان‌های انقلابی هستند که هریک برای

خدمت به مردم، به ویژه اقشار آسیب‌پذیر تشکیل شد.

۲. مقابله با دشمنان انقلاب اسلامی (مدیریت بحران‌ها)

هرانقلابی، آن‌گاه که به پیروزی می‌رسد و موانع را پشت سر می‌گذارد، از درون و بیرون با چالش‌های جدید مواجه می‌شود، که حل آن‌ها نیاز به درایت فراوان دارد و با اندک غفلت می‌تواند انقلاب را با خطر نابودی تهدید کند.

انقلاب اسلامی که در نوع خود، تحولی عمیق در ایران و کشورهای اسلامی محسوب می‌شود و در مقابل اردوگاه استعمار به ویژه غرب، صف آرایی کرده است، با دشمنان زیاد داخل و خارج مواجه شد، که می‌توان آن‌ها را در سه سطح دسته‌بندی نمود:

الف- در سطح ملی، گروه‌های سلطنت‌طلب، ملی‌گراهای غرب‌زده، کمونیست‌های شرق زده، التقاطی‌ها، فرقه‌های منحرف و افرادی باسابقه انقلابی یا بدون آن، به هردلیل، در موضع دشمنی قرار گرفتند.

ب- در سطح منطقه‌ای نیز دولت‌های تحت سلطه استعمار، از سرایت بیداری اسلامی به کشورهایشان و الگوبرداری مردم، به وحشت افتادند و با تمام توان به دشمنی برخاستند.

ج- در سطح جهانی نیز با وجود رقابت میان بلوک شرق و غرب، دو ابرقدرت، آمریکا و شوروی، در زمان پیروزی انقلاب، منافع خود را در خطر دیدند و برای تقابل با انقلاب اسلامی، هم پیمان شدند.

این حجم عظیم از دشمنان، برای مقابله با انقلاب اسلامی، فعال شدند که بخشی از اقدامات آنان چنین است:

ترور

مردم ایران با شیوه اعتراضات عمومی و غیرمسلحانه، به رهبری امام خمینی، رژیم شاه را سرنگون کردند و این مسئله برای گروه‌هایی که تلاش می‌کردند با حملات مسلحانه، رژیم را از بین ببرند، قابل تصور نبود و این گروه‌ها، پس از پیروزی انقلاب نیز به دلیل عدم توجه مردم،

در فعالیت‌های قانونی و مدنی شکست خوردند. آنان برای جبران شکست خود به اقدامات تروریستی دست زدند، به امید این‌که توده‌ها را با خود همراه کنند و رژیم جدید را تغییر دهند؛ لذا شعارهای حمایت از خلق را به فراموشی سپردند و با مردم به نبرد پرداختند و مجبور شدند برای بقای خود به دشمنان مردم بپیوندند. برخی از این گروه‌ها را معرفی می‌کنیم:

گروه فرقان: گروه فرقان به سرکردگی طلبه جوانی به نام محمد گودرزی تشکیل شد و آیات قرآن را با برداشت مارکسیستی تفسیر می‌کردند و رفراندوم جمهوری اسلامی را توطئه استعمار دانستند و با ناتوانی از مباحث فکری، به اقدامات مسلحانه روی آوردند و به ترور شخصیت‌های مؤثر انقلاب پرداختند، ترور و شهادت استاد مطهری و دکتر مفتح و عراقی و ترور ناموفق آیت الله خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی از جمله آن‌ها است.

سازمان مجاهدین خلق (منافقین)

سازمان مجاهدین خلق از دهه ۵۰ در افکار عمومی مورد توجه بود و بنیانگذاران آن توسط رژیم شاه اعدام شدند. بقایای این گروه در سال ۵۴ در زندان، مکتب مارکسیست را برگزیدند. آرم این گروه، آیه "فضل الله المجاهدین" است و پس از تغییر ایدئولوژی و انتخاب مارکسیست، باز هم از آرم قرآنی استفاده نموده و خود را مجاهد می خواندند. با توجه به این دوگانگی در عقیده و عمل، آنان را منافقین می نامند.

با پیروزی انقلاب از زندان آزاد شدند و اعضای آن توسط مسعود رجوی سازماندهی شدند و در ابتدای انقلاب، امام امت را با نام «امام مجاهد اعظم، مجاهد آگاه» و مانند آن نام می‌بردند.

سازمان به تدریج با اتکا به سلاح‌ها و مهماتی که هنگام پیروزی انقلاب از مراکز نظامی جمع‌آوری نموده بود، به هر بهانه‌ای، مخالفت با نظام را آشکار و علنی می‌کرد.

با شروع جنگ تحمیلی عراق، به عنوان نیروی نفوذی عراق، در جبهه حضور می‌یافتند و اطلاعات محرمانه را به ارتش صدام می‌رساندند و یک روز پس از طرح عدم کفایت بنی صدر،

در ۲۸ خرداد ۱۳۶۰ شـورش مسلحانه علیه نظام را رسـما اعلام کردند و در حالی که کشور در حال نبرد با صدام بود، خانه‌های تیمی این گروه مسلح، به جنگ داخلی، پرداختند و هر روز جمعی از مردم و مسئولیت را ترور می‌کردند.

انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیر ۱۳۶۰ که منجر به شهادت دکتر بهشتی و ۷۲ نفر همراهان ایشـان از جمله ۴ وزیر و چندین نماینده مجلس گردید . هم چنین انفجار دفتر نخسـت وزیری در ۸ شـهریور همان سال که به شهادت رئیس جمهور رجایی و نخست وزیر باهنر منجر شد، از اقدامات این گروه می باشد .

بـا شناسـایی خانه‌هـای تیمی آنان توسـط مـردم، ایـن گروه پـس از ترور جمعـی بیش از هفـده هـزار نفر از مردم و مسـئولین و انفجارهای متعدد از جمله انفجار حـرم امام رضا علیه‌السلام، در روز عاشـورا ، سـرانجام از کشـور گریختند و به صدام پناهنده شـدند و پس از پایان جنگ تحمیلی، با مساعدت ارتش عراق، اقدام به تهاجم نظامی با نام «عملیات مرصاد» نمودند.

ایـن گروه با حمایـت آمریکا و اروپا به گروه ضد انقلاب خارج‌نشـین تبدیل شـده‌اند و در عملیات‌هـای داعش همـکاری دارند، از جمله خرداد ۱۳۹۶ بـه حرم امام خمینی و مجلس شورای اسلامی حمله مسلحانه داشتند و جمعی از مردم را به شهادت رساندند.

سازمان پیکار

سازمان پیکار (پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) با دیدگاه کمونیستی، از سازمان مجاهدین خلـق جـدا شـدند و به اعمـال مسـلحانه علیه نظام دسـت زدند. در سـال ۱۳۶۰ در شـهرو جنگل‌های آمل دست به شورش زدند که با حضور حماسی مردم ناکام ماندند.

آشوب‌های قومی

واقعیت این اسـت که در هر کشـور اقوام مختلف، با گویش‌های متفاوت و آداب و رسـوم خود و چه بسـا رنگ‌های غیرهمسـان همچنین از ادیان و مذاهـب گوناگون زندگی می‌کنند و هیچ انسـان خردمند نمی‌پذیرد که صرف اختلاف قومی یا مذهبی سـبب اختلاف و تنازع

شـود؛ به ویژه در کشورهای گسـترده مانند ایران و جمعیت چند میلیونی که اغلب یک آیین دارنـد. آن هـم آیینی که همه انسـان‌ها را فرزندان یـک پدر و مادر می‌داند و همـواره به احترام متقابل و مهربانی با دیگران دعوت می‌کند.(انا خلقناکم من ذکر و انثی...) (حجرات: ۱۳)

از نظـر قـرآن تنوع گویش زبانـی و تنوع رنگ پوسـت، خود از نشـانه‌های حکمت خداوند به‌شمار می‌آید. (روم : ۲۲)

دست استعمار اما در قرن های گذشته تلاش کرده است اختلافات طبیعی زبان و مذهب را زمینه‌ای برای نزاع و اختلاف به حسـاب آورد و بر همین اساس، موفق شد پس از جنگ اول جهانی، کشـورهای بزرگ اسـلامی به مناطق کوچـک قابل کنترل تبدیل کنـد و همین حربه شـیطانی، چه جنگ‌ها برپا نمود و خدا می‌داند چه تعداد مظلومان به دسـت برادران خود در خون غلتیدند و دشمن مشترک ملت ها ، چه مقدار از ذخائر این مناطق را به یغما برد .

پـس از پیـروزی انقلاب اسـلامی، طرح قدیمی «تفرقـه بینداز، حکومت کن» فعال شـد و آشـوب‌های خونین در مناطق مختلف ایجاد شـد؛ اما با تصرف لانه جاسوسی آمریکا، اسناد و مدارک نشـان داد که اغلب این توطئه‌ها در آن مکان شیطانی طراحی شده است. سولیوان (سـفیر آمریـکا) در خاطراتش به مواردی که می‌توان برای انقلاب مشـکل ایجـاد کرد، به تنوع قومی و مذهبی تصریح دارد که نشان می‌دهد، آمریکایی‌ها، قبل از پیروزی انقلاب، برای این آشوب‌ها طراحی داشته‌اند. (سولیوان – سقوط) برخی از موارد آشوب استان‌ها چنین است:

مناطق کردسـتان، خوزسـتان، ترکمـن، آذربایجان و بلوچسـتان هریک با رفتار مشـکوک افرادی که بعدها پرونده همکاریشان با سفارت آمریکا افشا شد، ادعای خودمختاری داشتند و جمعی از جوانان انقلابی و حافظ نظام را به شهادت رساندند.

تفاوت‌های زبانی و قومی موجب گسسـت ملی نبـوده و اقوام مختلف ایرانی با افتخار به ایرانی بودن و تعلق به تمدن ایرانی کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، به همین جهت آشوب‌های ساختگی در همه نقاط، توسط خود مردم محل خنثی گردیده است.

کودتاهای نظامی

آمریکایی‌ها چنان که تحلیل درستی از شرایط پوشالی رژیم شاه نداشتند و هیچ پیش‌بینی برای وقوع انقلاب اسلامی در ذهن تصور نمی‌کردند، پس از پیروزی نیز درک درستی از شرایط جامعه ایران ندارند. در بسیاری کشورها با کودتا توانسته‌اند مهره‌های خودشان را حاکم کنند؛ اما کودتا در ایران انقلابی، موفق نشد. کودتاهایی که طراحی شد و خنثی گردید عبارت است از: کودتای ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ با مدیریت ژنرال هایزر و همراهی بختیار، که با هوشیاری امام امت و مردم انقلابی خنثی شد.

کودتای نوژه: توسط سازمان امنیت آمریکا (سیا) و با همکاری عوامل داخلی در آذر ۱۳۵۸ طراحی شد و مرکزیت آن پایگاه شهید نوژه همدان بود. این کودتا قبل از هر تحرکی توسط نیروهای مردمی افشا و خنثی شد.

کودتای قطب‌زاده: از موضوعات عبرت‌آموز این‌که قطب زاد یکی از شخصیت‌های انقلاب ، مشاورامام و اولین رئیس صدا و سیما ، بر اثر ارتباط با شبکه‌های جاسوسی آمریکا، تبدیل به مهره آنان شد و با همکاری چند کشور منطقه و چند نظامی و یکی از علمای مطرح، تصمیم داشت با حمله نظامی و انفجار مراکز مهم، نظام را ازبین ببرد و خود حکومت جدیدی ایجاد کند ، اما فروردین ۱۳۶۱ دستگیر شد.

کودتای حزب توده: این حزب کمونیستی وابسته به شوروی، در حوادث ملی شدن نفت، در جهت کودتای آمریکایی، اقداماتی را انجام داد و پس از پیروزی انقلاب، خود را طرفدار انقلاب نامید و پس از نفوذ در دستگاه‌های اجرایی، نقشه‌ای را برای کودتا، طراحی نمود، اما اعضای حزب در سال ۱۳۶۲ دستگیر و مقدار زیادی اسلحه، از خانه‌های تیمی آنان به دست آمد.

تهاجم‌های نظامی

مستکبران، هرگاه از فتنه‌های داخلی ناامید شوند، به تهاجم نظامی می‌اندیشند، در حالی

که در برابر ملتی که اهل جهاد است و شهادت را افتخار می‌داند، نمی‌توان در حمله نظامی به نتیجه رسید. برخی از تهاجم‌های نظامی چنین است:

تهاجم نظامی آمریکا

پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا (۱۳ آبان ۵۸)، کارتر دستور داد ستاد مشترک برای آزادی گروگان‌ها اقدام کند. به این منظور عملیات پنجه عقاب طراحی شد. شب چهارم اردیبهشت ۱۳۵۹، هشت فروند هلیکوپتر از پایگاه نظامی برخاست؛ اما ساعتی بعد یکی از آن‌ها دچار مشکل شد و دو فروند دیگر نقص فنی پیدا کرد، مراتب به اطلاع کارتر رسید و دستور توقف عملیات صادر شد، یک هلیکوپتر که در صحرای طبس مستقر بود، در حین سوختگیری براثر توفان شن، به هواپیما برخورد کرد و آتش گرفت و نه نفر خدمه آن به هلاکت رسید و بقیه سریع فرار کردند. این ناکامی، رسوایی بزرگی برای کارتر محسوب شد و در کتاب خاطراتش آمده که گریست.

امام خمینی، در سخنرانی خود توفان شن را مأمور الهی و امداد غیبی برای شکست آمریکا نامید و فرمود: امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.[۱]

تهاجم نظامی صدام

آمریکا پس از ناکامی ازطرح‌های متعدد چون کودتاها، آشوب‌ها، حمله طبس و تلاش‌های دیگر، حمله نظامی گسترده کشور همسایه ایران را طراحی کرد.

صدام، به بلوک شرق وابسته بود؛ اما طرح آمریکا را پذیرفت و پس از چند ماه آمادگی و خرید اسلحه فراوان در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حمله گسترده هوایی، دریایی و زمینی آغاز شد.

با اطلاعاتی که آمریکا به صدام داد، وی تصور می‌کرد در مدت سه روز بر خوزستان مسلط می‌شود و چند روز بعد تهران را تصرف می‌کند.

مظلومیت مردم ایران و مقاومت عاشورایی آنان از یک سو، همکاری مالی و تسلیحاتی و

---

۱. فیلم سینمایی طوفان شن را ببینید

نیرویی غالب کشورهای جهان از آمریکا و اروپا تا شوروی و ارتجاع منطقه و سکوت یا همکاری سازمان ملل در برابر حمله هوایی و موشکی به شهرها، بمباران شیمیایی و هر نوع جنایت دیگر، کتاب پر خاطره‌ای است که برای ملت ما افتخار و برای صدام و حامیانش ننگ ابدی است. سازمان ملل ده قطعنامه بی‌تأثیر درباره جنگ تحمیلی داشت و پس از هشت سال در قطعنامه ۵۹۸ خواسته‌های منطقی ایران را پذیرفت . این قطعنامه چهار محور داشت: معرفی متجاوز، عقب‌نشینی تا مرز، پرداخت غرامت و تبادل اسیران.

پس از پذیرش قطعنامه، عراق به تصور این‌که پذیرش قطعنامه نشان از ناتوانی و تسلیم ایران است، بار دیگر حمله همه‌جانبه‌ای را در جبهه جنوب آغاز کرد ومنافقین نیز از جبهه غرب حمله کردند . اما پس از چندین روز نبرد شدید و ناتوانی از پیشروی، تسلیم شده و شکست را پذیرفتند .

جنگ تحمیلی، با وجود خسارت‌های فراوان درس‌هایی از شکوه شهادت، مقاومت و خودباوری به ما داد که خود گنجینه تمام نشدنی است و امام خمینی فرمود:

ما در مظلومیت در جنگ، انقلابمان را به جهان صادر می‌کنیم.

صدام با لقب دیکتاتور قرن اعدام شد؛ اما حامیانش یعنی آمریکا، اروپا و مرتجعین منطقه هنوز محاکمه نشده‌اند.

مردم مظلوم ایران در تحریم بود و کمبود اسلحه داشت؛ اما روحیه عاشورایی و مشارکت همه اقشار و حضور داوطلب‌های بی‌شمار، طرح دنیای سلطه را خنثی کرد و کمک همه‌جانبه آمریکا و شوروی و اروپا و مرتجعین و حمایت سازمان ملل، نتوانست صدام را نجات دهد.

دو سؤال در رابطه با جنگ تحمیلی، بررسی می‌شود:

۱. با وجود اسلحه آمریکایی فراوان، چرا گفته می‌شود کمبود اسلحه داشتیم؟

آری! تعدادی اسلحه در انبارهای ارتش بود؛ اما این تعداد در مقایسه با تجهیزات عراق، بسیار ناچیز بود. در برابر صد تانک او، یک تانک داشتیم. تعمیرات تانک تنها با مهندسان آمریکایی بود که اکنون نبودند. مهم‌تر این‌که طبق بخشنامه دولت موقت، هر ارتشی،

می‌توانست به شهر دیگر منتقل شود، به همین جهت با شروع ناگهانی جنگ، با تانک‌های بدون راننده و هواپیماهای بدون خلبان مواجه شدیم. علاوه بر این صدها تانک خریداری شده ایران از انگلیس، باید تحویل می‌شد؛ اما با شروع جنگ، انگلیس، تانک‌ها را به صدام تحویل داد.

۲. چرا پس از آزادی خرمشهر، جنگ تمام نشد؟

سوم خرداد ۱۳۶۱ ایران توانست در اقدامی شگفت، در عملیات بیت المقدس خرمشهر را از اشغال بیرون آورد و بیش از نوزده هزار نفر ارتش صدام را به اسارت بگیرد.

دنیای سلطه، از قدرت ایران احساس وحشت کرد و به فکر نجات صدام افتاد. به همین دلیل جریانی با مدیریت انگلیس در دنیا راه افتاد به نام دعوت به صلح.

رئیس سازمان ملل و چند رئیس جمهور ابتدا به عراق سفر کرده و بعد به دیدار امام آمدند و خواهان صلح بودند، این جریان مشکوک بود؛ زیرا هیچ طرح مشخصی درباره معرفی متجاوز، تبادل اسیران، پرداخت غرامت و رفتن تا مرزها، وجود نداشت. امام به اینان گفتند: شما دو ساعت سخن صدام را گوش کردید، یکی از شما سؤال نکرد، اکنون جنگ در کدام سرزمین است؟

بوق‌های تبلیغاتی استکبار همواره می‌گفتند، ایران به عراق حمله کرده است. امام می‌خواست اشاره کند، اگر جنگ درسرزمین ایران است یعنی او به ما حمله کرده است . امام فرمود : ما اهل جنگ نیستیم و اکنون از خود دفاع می کنیم . شما جلوی متجاوز را بگیرید تا جنگ تمام شود .

البته صلحی که انگلیس پیشنهاد کند ، برای این بود که اولا صدام را از مهلکه نجات دهد ، ثانیافرصت تجدید قوا به وی داده شود و تلاش کنند که زیرپوشش صلح ، صدام را به اهداف مقطعی مانند تصرف خوزستان و مانند آن برسانند . البته برخی از جریان های لیبرال داخلی نیزبه بهانه های مختلف خواستار تسلیم بودند . به هر حال پس از هشت سال جنگ ، چهار خواسته ایران برای اولین بار در قطعنامه سازمان ملل آمد و ایران آن را پذیرفت

امـا بلافاصله اصلی‌ترین تهاجم عراق، آغاز شـد و نیت آنان که دعـوت به صلح می کردند ، آشکار شد .

تصور صدام و حامیانش این بود که، هرزمان ایران قطعنامه‌ای را بپذیرد، یعنی قدرت دفاع ندارد و زمان مناسـب برای تهاجم خواهد بود. البته ایران با تجربه هشت ساله، با تمام قدرت مقاومت کرد و پس از چند هفته نبرد بسیار سنگین، عراق از پیشروی مایوس شد و قطعنامه را پذیرفت.

نکته مهم این‌که در نبرد با دشـمن، انگیزه معنوی و اراده انسـانی مهم‌تر از سـلاح و ادوات جنگی است. اسلحه و تجهیزات صدام، امکانات مشترک همه نظام سلطه بود و از نظر مادی بـا اسـلحه و نفرات ما قابل قیاس نبود؛ اما آن قدرت جهنمی، شکسـت خـورد. در این جا به سخن امام پی می‌بریم که فرمود: خرمشهر را خدا آزاد کرد.

علت پیروزی در جنگ، همان علت پیروزی در انقلاب یعنی نصرت الهی بود.

تهاجم نظامی منافقین (عملیات مرصاد)

مجاهدین خلق، از سـال ۱۳۶۱ به صدام پناهنده شدند. پس از پذیرش قطعنامه از سوی ایـران، ارتش صدام از جنوب مجدداً حمله کرد و نیـروی ایران برای مقابله، به جنوب رفتند، در همیـن هنگام منافقین عملیات فروغ جاویـدان را آغاز کردند و از مرز غربی، حمله کردند. رجوی، فرمانده عملیات وعده داد در ۴۸ سـاعت به تهران می‌رسـد. وی اعلام کرد، دسـتور می‌دهم ارتش عراق، هرسـه سـاعت منطقه را بمباران کنند و هوانیروز عراق تا سرپل ذهاب، همراه ما خواهد بود.

آنان شـهرهای قصرشـیرین، سـرپل ذهاب و اسـلام آباد را تصرف کردند و همزمان، ارتش عراق چند روستای ایران را بمباران شیمیایی کرد و منافقین در ۴ مرداد مجروحان بیمارستان اسلام آباد را قتل عام کردند و آن جا را به آتش کشیدند.

رزمندگان ایران به دفاع در مقابل متجاوزان برخاستند و «عملیات مرصاد» را با رمز «یاعلی»

آغاز کردند و پس از چند روز درگیری روز ۵ مرداد ۱۳۶۷ با فرماندهی صیاد شیرازی، منافقین مهاجم را تار و مار کردند. وی در سال ۱۳۷۸ در تهران و توسط منافقین به شهادت رسید .

دهه شصت را می توان دهه مظلومیت ایران نامید زیرا کشور در حال بازسازی مشکلات باقیمانده زمان شاه بود و نهال نوپای انقلاب با جنگ تحمیلی ، ترورها و انفجارهای منافقین ، تحریم و تهدید استکبار و مرتجعان منطقه و مسایل دیگر، در حال مقاومت جانانه بود . اما در سال های بعد ، قبل از حمله داعش و منافقین به مجلس شورای اسلامی و حرم امام (سال۱۳۹۶) ناگهان فضا سازی شدید علیه امام در تبلیغات خارجی و رسانه های داخلی همسو، از جمله در دانشگاه ها به راه افتاد که می خواست جای مظلوم وظالم را تغییر دهد و به دفاع از منافقین و انتقاد از نظام ، اقدام کردند . البته این فضاسازی مقدمه حمله داعش بود که ناکام ماند اما درس عبرتی برای آینده است .

فتنه‌های داخلی

دشمنان انقلاب اسلامی که مجموعه‌ای دولت‌های استعمارگر اروپایی، آمریکا و مرتجعین منطقه هستند، در آرزوی واهی شکست داخلی انقلاب هستند تا با کمترین هزینه، بتوانند به مقاصد شیطانی خود برسند.

فتنه‌های داخلی سبب هرج و مرج می‌شود، امنیت را از بین می‌برد، دشمن را شاد و دوستان را افسرده می‌کند.

فتنه‌هایی که تاکنون پیش روی انقلاب بوده، ضرورت بصیرت همگانی را دو چندان می‌کند؛ زیرا هریک از فتنه‌ها ممکن بود به جنگ داخلی بینجامد و همه داشته‌ها را قربانی مقاصد فردی نماید. برخی از فتنه‌ها چنین است:

فتنه قائم مقام رهبری

با توجه به کهولت سن امام خمینی، موضوع رهبری انقلاب اسلامی از اصلی‌ترین دغدغه‌های مسئولان نظام در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی بود.

سابقه مبارزاتی و مقام علمی و فقهی آقای منتظری که در آن مقطع به مرز مرجعیت رسیده بود، سبب شد نقش ایشان در جهت مسئولیت رهبری، به شکل ممتاز شناخته شود و توسط برخی از شخصیت‌ها مطرح گردد. فردی به نام سید مهدی هاشمی، با سابقه اقدامات تروریستی قبل از انقلاب، در دفتر ایشان چنان نفوذ داشت که وقتی وزارت اطلاعات بر اساس مستندات قطعی قصد دستگیری وی را داشتند، آقای منتظری برخورد کرد و حمل بر توطئه نمود.

در مدت چهار سال که ایشان به عنوان قائم مقام رهبری مطرح شده بود، موضعگیری‌ها و سخنان ایشان به منبعی برای رسانه‌های بیگانه و دشمنان انقلاب تبدیل شده بود و امام خمینی بارها تذکر دادند که از منابع صحیح کسب خبر نماید نه از افراد مشکوک چون مهدی هاشمی؛ اما هرگز نصیحت پدرانه استادش را گوش نکرد، تا این‌که امام خمینی در فروردین ۱۳۶۸، وی را رسماً از این مسئولیت عزل کردند و انقلاب اسلامی را از یک فتنه خطرناک داخلی نجات دادند.[۱]

درس عبرتی که از این ماجرا و موارد مشابه در تاریخ صدر اسلام و چهل سال گذشته انقلاب اسلامی می‌گیریم این‌که معیار حال کنونی افراد است.

فراوان داشته‌ایم افرادی با سابقه درخشان، به علل متفاوت دچار چرخش می‌شوند و بر خلاف گذشته خوب خود، در موضعی قرار می‌گیرند که قبلا با آن دشمنی می‌کردند، البته تحول اندیشه و دیدگاه‌ها از منفی به مثبت یا از مثبت به منفی، از خصوصیات انسانی است که کم و بیش در افراد جامعه دیده می‌شود؛ اما این تغییر در افرادی که از موقعیت اجتماعی برخوردار شده‌اند، متفاوت است و نمونه مورد گفت‌وگوی ما از این قبیل است و موارد مشابه دیگر نیز در انقلاب اسلامی داشته‌ایم.

قطب‌زاده از افراد مورد اعتماد امام خمینی بود و اولین ریاست صدا و سیما را برعهده داشت؛ اما در کودتای آمریکایی علیه امام و انقلاب اقدام نمود. برخی از کسانی که در تسخیر

---

۱. فیلم مستند قائم مقام را ببینید

لانه جاسوسی آمریکا بودند، چند سال بعد، از حامیان سیاست‌های آمریکا شدند و اقدام انقلابی خود را محکوم نمودند. البته این یک سوی ماجرای تغییرعقیده است که آن را "ریزش" گوییم، در مقابل، "رویش" های فراوان نیزداشته و خواهیم داشت.

افرادی روحیه انقلابی و مبارزاتی نداشتند؛ اما متحول شدند و در جبهه دفاع مقدس، حماسه‌آفرینی کردند و شهید شدند.

اگرافرادی با سابقه درخشان انقلابی، به اردوگاه استکبار پناهنده شدند، افرادی مانند "ادواردو آنیلی" ایتالیایی نیزهستند که با انقلاب اسلامی آشنا شد، مسلمان شد و توسط سرویس جاسوسی صهیونیسم، به شهادت رسید .[۱]

۱. فیلم مستند ادواردو آنیلی را ببینید

فصل ششم: رحلت امام خمینی و انتخاب رهبری انقلاب

۱۴ خـرداد ۱۳۶۷، یک روز پس از رحلت ملکوتی امـام خمینی، مجلس خبرگان رهبری، تشکیل شد و پس از قرائت وصیت‌نامه سیاسی-الهی امام، برای تعیین رهبر، مذاکره کردند و با رأی مشترک همه نمایندگان، آیت الله سید علی خامنه‌ای به رهبری انقلاب اسلامی برگزیده شدند.

سید علی حسینی خامنه‌ای (رهبر فرزانه) در سال ۱۳۱۸ در مشهد مقدس چشم به جهان گشـود. پدرش روحانی عالی‌قدر، متقی و ساده‌زیسـت و مادرش بانویی پارسـا و آشنا با قرآن و کتب ادبی بود. از چهار سـالگی به مکتب قرآن رفت، تحصیل در دبیرسـتان را به پایان برد و دروس حـوزوی را تـا بالاترین مقطع ادامه داد. با عزیمت به قـم، از درس امام خمینی و علامه طباطبایی بهره‌مند شد و از سال ۱۳۴۱ در کنار امام خمینی با رژیم شاه به مبارزه پرداخت. از ۱۵ خرداد ۱۴۲ تا ۱۳۵۷، به جرم اقدامات سیاسـی، شش بار دستگیر و مدت‌ها زندانی شد و به دو شهر ایرانشهر و جیرفت تبعید گشت.

از سـال ۱۳۴۷ جلسات تفسیر قرآن در مشهد و برای دانشجویان برگزار نمود وهفت کتاب پژوهشـی و پنج کتاب ترجمه، بخشی از فعالیت علمی ایشان است. دی ماه ۱۳۵۷ با حکم امام خمینی به عضویت شـورای انقلاب منصوب شـد و به تهران عزیمـت نمود. پس از آیت الله طالقانی به امامت جمعه تهران برگزیده شـد و از روزهای ابتدای جنگ تحمیلی در جبهه

حضور یافت. ۶ تیر ۱۳۶۰ در حین سخنرانی در مسجد ابوذر، بر اثر انفجار بمب منافقین، به شدت مجروح شدند و امام در پیامی از ایشان تمجید نمودند.

در انتخابات ۱۰ مهر ۱۳۶۰ و پس از شهادت رجایی، با کسب ۹۵ درصد آراء به ریاست جمهوری انتخاب شدند، دور دوم ریاست جمهوری ایشان تا روزهای قبل از رحلت امام ادامه داشت و سید احمد خمینی از قول امام گفت: «الحق ایشان شایستگی رهبری دارد».[۱]

آیت الله خامنه‌ای از محبوب‌ترین افراد نزد مسلمانان جهان هستند و سخن ایشان در رسانه‌های دنیا انعکاس بسیار دارد و مورد توجه محافل دینی وسیاسی دنیاست. از سال‌های قبل از پیروزی ارتباط گسترده با جوانان و دانشجویان داشته‌اند و در دوره ریاست جمهوری، همه هفته در مسجد دانشگاه تهران سخنرانی داشتند و در ایام رهبری تا این تاریخ حدود دویست دیدار و گفت‌وگوی مستقیم با دانشجویان، اساتید و نخبگان علمی و هنرمندان و نویسندگان و دانشمندان کشورهای اسلامی داشته‌اند.

از آغاز رهبری آیت الله خامنه‌ای تا امروز حوادث مهمی در منطقه و جهان رخ داده است و ایران ضمن برخورداری از پیشرفت‌های مختلف، با انواع ترفندهای دشمنان داخلی و خارجی مواجه شده است و اتفاقات مهمی پدید آمده که با اندک اشتباه می‌توانست سبب خسارت‌های فراوان و جنگ داخلی یا خارجی شود. اکنون تنها به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

حوادث تلخ و شیرین سی سال اخیر

پس از انتخاب آیت الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب اسلامی در خرداد ۱۳۶۸، آیت اله اکبر هاشمی رفسنجانی، پس از دو دوره ریاست مجلس شورای اسلامی، با رأی اکثریت مردم به ریاست جمهوری انتخاب شد.

ایشان با توجه به ریاست مجلس در دوره هشت ساله، با مشکلات کشور آشنا بود و کشور هشت سال پر آسیب جنگ تحمیلی و ویرانی شهرها و آوارگی مردم را پشت سر گذاشته،

---

۱. فیلم مستند مجلس خبرگان را ببینید

انتظار بازسازی و توسعه زیرساخت‌ها، خواسته منطقی مردم بود. برای توسعه صنعت و کشاورزی، اقدام به ساختن سدهای فراوان گردید؛ زیرا احداث سد، هم آب‌ها را مهار می‌کند، هم برق تولید می‌کند.

همچنین در این دوران، جاده‌های کشور تا حد خوبی ترمیم یا احداث شد، فرودگاه‌های کشور ساخته و ترمیم شد، فروشگاه‌های بزرگ مانند شهروند، اتکا و موارد دیگر ساخته شد.

در کنار سازندگی‌ها مشکلاتی نیز پدید آمد. تا این زمان ارزاق عمومی که با کالا برگ بین همه شهروندان توزیع می‌شد، آزاد شد و به خاطر کمبود منابع برای تأمین کارهای عمرانی، گرانی‌هایی ایجاد شد و آغازی برای فاصله بین فقیر و ثروتمند گردید.

در دوره دوم ایشان برخی از تکنوکرات‌های تحصیل‌کرده غرب، دچار مفاسد مالی شدند و برای اولین بار در جمهوری اسلامی افرادی در سطح شهردار و معاون وزیر در دادگاه‌های مالی محاکمه شدند.

در خرداد ۱۳۷۶ آقای سیدمحمد خاتمی، با رأی اکثریت مردم به ریاست جمهوری انتخاب شد. بسیاری از طرح‌های مهم اقتصادی که از دوره آقای هاشمی آغاز شده بود، در این زمان به پایان رسید و توسط ایشان افتتاح شد.

دو دوره ریاست جمهوری ایشان از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ هم زمان با مسائل داخلی و خارجی متعدد بود .

در مسائل سیاسی داخلی، برگزاری جلسه سران کشورهای غیرمتعهد، از موفقیت‌های دیپلماسی ایران بود، که با شکوه تمام انجام شد. مسائل دیگری نیز در جریان بود که می‌توان به بحران‌آفرینی نشریات کشور، ترورهای مشکوک با نام قتل‌های زنجیره‌ای، دعوا و تحصن در مجلس شورای اسلامی و حادثه کوی دانشگاه اشاره کرد.

در مسائل خارجی حادثه ۱۱ سپتامبر، لشکرکشی آمریکا به افغانستان و عراق، تهدید ایران به حمله نظامی آمریکا، جنگ اسرائیل با حزب الله لبنان و غزه اتفاق افتاد.

از آن‌جا هر حادثه‌ای می‌تواند درس عبرتی برای آیندگان باشد و ممکن است در آینده نیز

مشابه این حوادث را شاهد باشیم، برخی از این حوادث را بررسی می‌کنیم.

فروپاشی شوروی

انقلاب شـوروی در سـال ۱۹۱۷م به پیروزی رسید. انقلاب شـوروی مانند فرانسه با دین و معنویـت مخالف بود و با اندیشـه سوسیالیسـتی و عقیده به مالکیـت عمومی، نقطه مقابل اقتصاد سـرمایه‌داری غرب محسوب می‌شد. این کشـور، مدتی پس از جنگ جهانی دوم، به ابرقدرت شـرق تبدیل شد وجهان به دو بلوک شـرق با رهبری شوروی و غرب با رهبری آمریکا تقسـیم گردید. مردم در بسـیاری از کشـورها، به واسـطه رنجـی که از اسـتعمار غرب تحمل کرده بودند، جذب این اندیشـه شـدند و از جمله در کشورهای اسلامی طرفدار پیدا کرد. بروز مشـکلات اقتصادی در این کشور، سبب شـد آخرین رئیس جمهور، از غرب، به ویژه آمریکا، درخواست کمک نماید و به مذاکره مستقیم با رئیس جمهور آمریکا دل خوش کند؛ اما آمریکا با امضای قراردادها و عمل نکردن به آن موجب تشدید مشکلات و فروپاشی رقیب بزرگش در سال ۱۹۹۱ م گردید. پیام امام خمینی به گورباچف ، رئیس جمهور شوروی ، هشداری بود که وی به کمک غرب، دل خوش نکند و به غرب اعتماد نکند.[۱]

امام در پیام تاریخی خود، مشـکل اصلی ابرقدرت شـرق را دوری از معنویت دانسـتند و فروپاشی آن نظام را پیش‌بینی کردند و تأکید نمودند که همین سرنوشت برای ابرقدرت غرب پیش خواهد آمد.

حدود یک سـال پس از رحلت امام خمینی، شـوروی دچار فروپاشی شد و به پانزده کشور تبدیل گشت و همگان به پیش‌بینی امام، اعتراف کردند.

برخی از تحلیل‌گران، حرکت استقلال‌طلبانه انقلاب اسلامی را از موثرترین عوامل فروپاشی شوروی می‌شمارند.[۲]

فروپاشی ابرقدرت شرق، سبب شد برخی از غربی‌ها نظریاتی مانند دهکده جهانی، پایان

---

۱. پیام امام خمینی را در ضمیمه همین کتاب مطالعه فرمایید
۲. ملکوتیان، ۱۳۹۷، ص۱۱۹

تاریخ و جهان تک‌قطبی به فرماندهی آمریکا را ارائه نمایند؛ اما پس از گذشت چند سال و ظهور مشکلات فراوان ابرقدرت غرب، نظریه‌ها را لغو کردند و اکنون (تابستان ۱۳۹۹) جنبش مردمی علیه تبعیض و بی‌عدالتی، لایه‌های پنهان آمریکا را افشا نموده و متفکرانی چون چامسکی و فوکویاما، سخن از شکست دمکراسی آمریکایی دارند.

فتنه کوی دانشگاه

نشریات کشور با عنوان آزادی بیان، در مواردی به خود اجازه می‌دادند به مقدسات توهین کنند و مسئله‌آفرینی کنند و سبب آشوب، اعتصاب و اعتراض شوند و در مواردی امنیت ملی را با خطر فتنه داخلی مواجه نمایند. حادثه کوی دانشگاه یک نمونه از این ماجراهاست.

۱۵ تیر ۱۳۷۸ در روزنامه سلام مطلبی به چاپ رسید که مجعول و بدون سند بود و روزنامه به همین دلیل توقیف شد.

دفتر تحکیم وحدت، شب ۱۷ تیر اعلام تجمع اعتراضی نمود و دانشجویان را به این تجمع دعوت کرد. براساس برنامه طراحی شده‌ای، جمعیتی از دانشجویان و غیردانشجویان، پس از تظاهرات در محوطه کوی دانشگاه، به خیابان آمدند و با شعارهای علیه نظام و رهبری با پلیس درگیر شدند.

تجمع اعتراضی تبدیل به حمله به بانک‌ها و آتش زدن اموال عمومی شد، هم زمان وزیر علوم استعفا داد، برخی از نمایندگان از این جریان حمایت کردند و رسانه‌های بیگانه از آمریکا تا اسرائیل و منافقین، از آشوب‌ها حمایت کردند و اخبار آن را پوشش دادند.

آشوب و درگیری تا ۲۲ تیر ادامه یافت اما ۲۳ تیر با حضور انبوه جمعیت مردمی و با شعارهای اعلام بی‌زاری از آشوب، حمایت از دانشجو و انقلاب اسلامی، فتنه داخلی پایان یافت.

آشوب‌های داخلی، از نظر زمانی پس از حادثه فروپاشی شوروی بود؛ به همین دلیل رئیس جمهور آمریکا، بارها در سخنرانی‌های اعلام کرد که به زودی مشابه شوروی در ایران اتفاق خواهد افتاد.

حادثه ۱۱ سپتامبر

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برابر با ۲۰ شهریور ۱۳۸۰ چهار هواپیما ربوده شد، دو هواپیما به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در شهر نیویورک، یک هواپیما به پنتاگون اصابت کرد و یک هواپیما سقوط کرد.

آمریکایی‌ها می‌گویند این حادثه تروریستی توسط نوزده نفراز اعضای القاعده صورت گرفته و در این حادثه جمعا ۲۹۹۳ نفر کشته شده‌اند.

بعد از این حادثه، آمریکا جهان را به دو بلوک تقسیم کرد، گروه‌هایی که از نظر این کشور، حامی تروریسم هستند و کشورهایی که در برابر تروریسم، مقاومت می‌کنند.

آمریکا در واکنش به این حادثه و برای مبارزه با تروریست و ایجاد امنیت، به کشور افغانستان تهاجم نظامی نمود و همراه کشورهای همسو، این کشور را اشغال کرد.

اکنون با گذشت حدود بیست سال، نه تنها امنیتی ایجاد نشده، بلکه ده‌ها هزار نفراز مردم بی‌گناه کشته شدند و بخش غالب کشور در تصرف گروه‌های تروریست است و کشت مواد مخدر بیش از بیست برابر افزایش یافته است.

این حادثه با ابهامات و گزارش‌های متناقض روبه‌رو شده است. برخی احتمال انفجار مهندسی‌شده را طرح می‌کنند و برج‌ها با سرعتی فروریخته که گویا عاملی از داخل ساختمان، آن را ویران کرده و پرفسور جونز عامل تخریب را بمب‌های جداسازی شده در ساختمان می‌داند. چند روز پس از حادثه با وجود ممنوعیت پرواز در آمریکا، به دستور مسئولان کاخ سفید، اعضای خانواده بن لادن (متهم اصلی حادثه) از این کشور منتقل شدند و مایکل مور ، برنده جایزه اسکار، در فیلم مستند فارنهایت، روابط صمیمی بن لادن و بوش، رئیس جمهور آمریکا را به تصویر کشانده است.[۱]

رهبر انقلاب در یک سخنرانی پس از حادثه اعلام کردند:

"ما کشتار جمعی را به اسلام نسبت نمی‌دهیم. ما کشتار جمعی را محکوم می‌کنیم، خواه در

---

۱. فیلم فارنهایت را ببینید

هیروشیما باشد یا در نیویورک... .» (Khamenei.Ir)

آمریکایی‌ها به بهانه مبارزه با تروریسم، دو کشور اسلامی را اشغال کردند و علاوه بر خسارت‌های اقتصادی و ویرانی، حدود یک میلیون نفر را قتل عام کردند و به علاوه تبلیغات اسلام‌هراسی در همه کشورهای دنیا به راه انداختند و فضاسازی مسموم علیه اسلام موجب حمله و ویران کردن ده‌ها مسجد و قتل و جرح صدها نفر از مسلمانان در اروپا، آمریکا و دیگر کشورها شد.

پانزده سال پس از حادثه، نتیجه تحقیقات سازمان ملل، نشان داد که "عربستان، پنتاگون و سازمان سیا"، عامل حادثه بوده‌اند؛ البته عربستان تهدید کرد، در صورت اعلام این موضوع در سازمان ملل، ثروتش را از آمریکا منتقل خواهد کرد و رئیس جمهور اوباما، با حق وتوی خود از اعلام رسمی گزارش، جلوگیری کرد.

حادثه برج‌های تجارت جهانی، در راستای اسلام‌هراسی انجام شد تا چهره اسلام را مخدوش کنند و توجیه مردم‌پسند برای اشغال و نابودی کشورهای اسلامی فراهم آورند.

جالب این‌که آمریکا بخشی از پول‌های بلوکه‌شده ایران را به خسارت‌دیدگان حادثه پرداخت کرد.

طرح خاورمیانه بزرگ

خاورمیانه، سرزمین حد فاصل شمال آفریقا تا مغولستان است؛ اما نقطه محوری آن دریای خزر، خلیج فارس و کشورهای مجاور این دو می‌باشد که ایران در مرکزیت آن قرار دارد. حادثه ۱۱ سپتامبر زمینه‌ساز اجرای طرح خاورمیانه جدید با نام «راه صلح» را فراهم آورد.

راه صلح یعنی آغاز نبردهای خونین برای تقسیم کشورهای خاورمیانه به ایالت‌های کوچک با مرکزیت اسرائیل. پس از اشغال افغانستان توسط آمریکا و ناتو، نوبت به عراق رسید و به بهانه انهدام سلاح‌های کشتار جمعی و به جرم همکاری صدام با القاعده، برای حمله به عراق برنامه‌ریزی کردند تا دمکراسی ایجاد کنند.

باوجود مخالفت سازمان ملل و راهپیمایی‌های فراوان مردم در بسیاری از کشورها، سال ۲۰۰۳، آمریکا و انگلیس به عراق حمله گسترده نظامی نمودند. یک میلیون نفر از مردم بی‌گناه به شهادت رسیدند و صدام در سال ۲۰۰۴ سقوط کرد و حاکم آمریکایی جای او را گرفت و همه ثروت و آثار باستانی عراق را غارت کردند. جنگ به شهرهای نجف و کربلا کشیده شد و مردم ایران در تظاهرات متعدد خواهان دفاع از اماکن مقدس شدند.

رهبر انقلاب در خطبه نماز جمعه، تهاجم نظامی آمریکا را به شدت محکوم کردند؛ اما دفاع از اماکن مقدس عراق را وظیفه مردم همان کشور دانستند. آمریکایی‌ها تصور می‌کردند، ایران به کمک عراق خواهد آمد و بهانه‌ای برای جنگ با ایران پیدا می‌کنند؛ اما با موضعگیری رهبری، توطئه آنان خنثی شد و مدتی بعد، از شهرهای مقدس خارج شدند.

حدود هشتاد درصد منابع انرژی جهان در این منطقه است و آمریکا و اروپا برای اقتصاد آینده خود نیاز به تسلط بر منطقه دارند. مبارزه با تروریست و گسترش دمکراسی، بهانه خوبی برای حضور آنان در منطقه است. آمریکا در سال ۲۰۰۴، طرح "راه صلح" را به اجلاس گروه هشت، که شامل کشورهای صنعتی و روسیه می‌باشد، ارائه داد که به او اجازه می‌داد، خاورمیانه جدید را طراحی کند. در این طرح، کشورهای بزرگ از جمله ایران، به چند کشور قابل کنترل تقسیم می‌شد و چنانچه اشاره شد، پس از اجرای طرح، ایالات متحده خاورمیانه به مرکزیت اسرائیل اعلام می‌شد.

بوش پس از استقرار در عراق، به ایران اعلام جنگ کرد و ناوهای جنگی خود را به خلیج فارس فرستاد. وی مدت‌ها اعلام می‌کرد، به زودی به ایران حمله می‌کنیم، مسئولان ایران نیز قاطعانه اعلام کردند، برای دفاع همه جانبه آماده‌ایم و به کمترین تجاوز پاسخ مناسب خواهیم داد. پس از گذشت مدت‌ها از جنگ روانی سنگین رسانه‌های آمریکا و منطقه، بوش اعلام کرد، قصد ندارد به ایران حمله کند.

اسرائیل، در اندیشه نابودی طرفداران انقلاب اسلامی، در سال ۲۰۰۶، حزب الله لبنان را مورد تهاجم نظامی قرار داد؛ این جنگ ۳۳ روز به طول انجامید و حزب الله شدیدترین مقاومت را از

خود نشان داد و اسرائیل عقب‌نشینی کرد.

اسـرائیل قطعنامه سـازمان ملـل برای پایان جنـگ را پذیرفت و پـس از پذیرش قطعنامه، انبوهی از بمب‌های خوشه‌ای و فسفری بر شهرها، روستاها و مزارع لبنان فروریخت.

پس از جنگ با حزب الله، این بار تهاجم نظامی اسرائیل به غزه آغاز شد.

در سـال ۲۰۰۶ از ۱۲۰ کرسـی مجلس شورای ملی فلسطین، ۷۴ کرسی به جنبش مقاومت اسـلامی (حمـاس) اختصاص یافـت؛ حماس مخالف اسـرائیل بود و اکنون بـا رأی مردم به مجلس راه یافته بود.

اسـرائیل از سال ۲۰۰۷ غزه را به محاصره درآورد و این محاصره شدید همچنان ادامه دارد. (۲۰۲۰)

اسـرائیل با حماس توافق شش ماهه برای عدم حمله به یکدیگر امضا کردند اما بلافاصله قرارداد را لغو و حمله نظامی به غزه را آغاز نمود.

این تهاجم نابرابر، ۲۲ روز طول کشـید و بسـیاری از مناطق غزه از جمله بیمارسـتان‌های القدس و الوفا با بمب‌های فسفری مورد حمله قرار گرفت.

در ایـن جنـگ حـدود ۱۵۰۰ نفـر از جمله حـدود ۵۰۰ کودک به شـهادت رسـیدند، وعده کشـورهای عربی برای بازسـازی غزه، هرگز محقق نشد. در این ایام اوباما رئیس جمهور آمریکا شـد و اعلام نمود، جنگ تمام شـود تا من وارد کاخ سفید شـوم و به این ترتیب در ژانویه ۲۰۰۹ جنگ با مقاومت و پیروزی غزه تمام شد.

بوش، در آرزوی این بود که پس از حادثه ۱۱ سـپتامبر و به نام مبارزه با تروریسـت ، می‌تواند خاورمیانه جدید به مرکزیت اسرائیل را به انجام برساند، اما موفق نشد.

شکسـت اسـرائیل از حزب الله لبنان و مردم محاصره شـده غزه، در حالی است که ده‌ها سال قبل از آن، اسرائیل در حمله شش روزه (ژوئن ۱۹۶۷)، بر چندین کشور عربی پیروز شد و همواره از کمک‌های آمریکا برخوردار شده است؛ اما سال ۱۳۸۷ش، از جنوب لبنان و غزه فرار کرد و اکنون از جبهه مقاومت (حزب الله لبنان و غزه) شکست را پذیرفت.

بیـش از هفتاد سـال از تشـکیل دولت غاصب اسـرائیل می‌گذرد و در تمـام این مدت از حمایت بی‌دریغ غرب از آمریکا تا اروپا و سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی برخوردار بوده و در این مدت چندین قرارداد صلح بین اسـرائیل و فلسـطین امضا شـده و همه آنان را اسرائیل لغو کرده است. قرارداد ، پوشش تبلیغاتی و فریبی است برای عقب‌نشینی فلسطین و پیشـروی خائنانه اسـرائیل؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شرایط تغییر کرده و اسرائیل غاصب به سوی بحران و نابودی در حرکت است. اکنون جبهه مقاومت در موقعیتی قوی قرار دارد و اسرائیل پس از شکست در نبرد ۲۲ روزه ، چند سال در نبرد یک هفته ای و بعد از آن در نبرد یک روزه شکست را پذیرفت .

فتنه انتخابات ۸۸

سی سال پس از پیروزی انقلاب، تقریباً سی انتخابات برگزار شده و سیستم انتخابات طبق قوانین کشـور انجام و هیچ یک دچار مشکل نشده است؛ اما در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ مسائلی پیش آمد که به اختصار یادآور می‌شویم.

انتخابات با حضور حدود چهل میلیون نفر یعنی ۸۵ درصد جمعیت ایران برگزار شد. رأی نفـر اول حدود ۲۴ میلیون و نفر بعد حدود سـیزده میلیون بود؛ امـا دو نفر از داوطلبانی که مورد تأییـد شـورای نگهبان قرار گرفته بودند، نتایـج آرا را نپذیرفتند و طرفداران خـود را به اعتراض دعوت کردند.

یک هفته پس از آشوب‌های فراوان، نماز جمعه با حضور رهبر انقلاب برگزار شد. ایشان به مسئله انتخابات پرداخته، از سوابق گذشته همه کانداها تجلیل کرد و آنان را نیروهای انقلاب نامید؛ اما با قاطعیت اعلام نمود: انتخابات فقط در صندوق آراء اسـت و کف خیابان جای اعلام نظر نیسـت. انتخابات پایان یافته و کسـانی که اعتراض دارند دلایل خود را به شـورای نگهبان ارائه دهند تا طبق قانون عمل شود.

ایشان تأکید کردند:

باید در صندوق‌های رأی معلوم بشود، مردم چی می‌خواهند، نه در کف خیابان... قانون فصل الخطاب است. زور آزمایی خیابانی، بعد از انتخابات کار درستی نیست.[۱]

اوباما، رئیس جمهور آمریکا که چندی پیش رسماً خواهان مذاکره با ایران بود، از اعتراضات و آشوب‌ها حمایت کرد و جبهه وسیع دشمنان انقلاب، از سلطنت‌طلب‌ها و منافقین تا ملی‌گراها و کشورهای اسرائیل، اروپا و مرتجعین منطقه همگی در یک صف از آشوب حمایت کردند. در مواردی اعتراضات به درگیری خیابانی با پلیس و تخریب اماکن دولتی و شعارهای براندازی نظام تبدیل می‌شد. چنان که در بحث انقلاب‌های مخملی گذشت، آشوب و فتنه ادامه یافت تا عاشورای آن سال و طرفداران دو کاندیدا با حمله به عزاداران امام حسین ، ماهیت خود را نشان دادند. پس از عاشورا، جمعیت میلیونی مردمی در نهم دی ماه همان سال به خیابان‌ها آمدند و انزجار خود را از ناامنی و آشوب ، فریاد زدند. این حضور مردمی، پایانی بر هشت ماه فتنه و ناامنی بود ، دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی را ناامید ساخت و رهبر انقلاب نهم دی ماه را یوم اله نامیدند .

مذاکرات هسته‌ای تا برجام

واژه مذاکره در لغت، عرف و حقوق بین‌الملل به یک معنا و از نظر دنیای سلطه به معنای دیگر است، البته معنای واقعی را پنهان می‌کنند. از ابتدای انقلاب مذاکره و محاصره آمریکا باهم مطرح شده است.

کارتر، همراه با نامه عذرخواهی برای امام خمینی، محاصره اقتصادی، حمله به طبس و طراحی جنگ تحمیلی را پیش برد، کلینتون، جنگ همه‌جانبه اقتصادی – سیاسی و فرهنگی را آغاز کرد و مک فارلین، مشاور امنیت را مخفیانه برای مذاکره فرستاد که تبدیل به رسوایی "ایران گیت" شد؛ زیرا بدون نتیجه، از فرودگاه ایران، به کشورش برگشت، کلینتون، قانون داماتو را تصویب کرد، تحریم شرکت‌هایی که بیش از چهل میلیون دلار در صنعت نفت

---

۱. آیه اله خامنه ای ، ۲۹ خرداد ۱۳۸۸

و گاز ایران سرمایه گذاری کنند. بوش، با شعار "مبارزه با تروریسم" افغانستان و عراق را اشغال کرد، به ایران اعلام جنگ کرد و توانست سه قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب برساند. اوباما، با کمک اروپا "تحریم‌های فلج‌کننده" علیه ایران تصویب کرد و اعلام آمادگی برای مذاکره نمود و ترامپ گستاخانه ، قرارداد بین المللی برجام را پاره کرد و تحریم ها را تشدید نمود .

مذاکره آمریکایی‌ها هرگز با صداقت و برای حل منطقی روابط دو کشور نبوده، بلکه اهداف پشت پرده شوم را دنبال کرده است؛ اما دولت ایران با صداقت وارد مذاکره شد به امید این‌که تحریم‌ها برداشته و اموال ایران آزاد شود، در نگاهی کوتاه، مسئله را بررسی می‌کنیم.

دانشمندان ایران همواره برای رشد علمی کشور و شکستن بن بست‌ها تلاش کرده‌اند، یکی از جدیدترین علوم بشری، صنعت هسته‌ای است و نه تنها برای درمان‌های پزشکی و تولید برق ضروری است ، بلکه آینده بشر است و دانشمندان ایران در این مسیر دشوار به پیشرفت‌های چشمگیر دست یافتند؛ اما انرژی هسته‌ای کاربرد دوگانه صلح‌آمیز و جنگی دارد و همین بهانه شد که آمریکا و اروپا، برای جلوگیری از رشد علمی کشور دست به کار و توطئه شوند.

در سال ۲۰۰۲ منافقین، گزارشی درباره تأسیسات غنی‌سازی نطنز و آب سنگین اراک منتشر کردند و دولت‌های غربی به دنبال فتنه‌گری علیه ایران بودند.

دولت هشتم قراردادی موسوم به توافق سعدآباد را پذیرفت که به صورت داوطلبانه فعالیت غنی‌سازی اورانیوم را تعلیق کند، به شرط آن‌که اورانیوم مورد نیاز داخلی ایران از سه کشور اروپایی خریداری شود. پس از گذشت چندین ماه، اروپایی‌ها به تعهد خود عمل نکردند و ایران برای مسائل درمانی و مانند آن دچار مشکل شد.

ژانویه سال ۲۰۰۶ به دستور رهبری پلمب تأسیسات هسته‌ای شکسته و فعالیت‌ها آغاز شد و دانشمندان، به دنبال تلاش علمی، در مدتی کوتاه به غنی‌سازی ۲۰ درصد دست یافتند، این جهش، طرف اروپایی را که پس از سال‌ها به این رشد دست یافتند، بسیار شگفت‌زده

کرد.

ده سال مذاکرات هسته‌ای ادامه داشت تا با آغاز ریاست جمهوری آقای روحانی، شکلی دیگر گرفت.

این بار در مذاکرات علاوه بر سه کشور اروپایی، آمریکا، روسیه و چین اضافه شد و از مهر ۱۳۹۲ مذاکرات ۵+۱ آغاز شد. عاقبت پس از ۲۲ ماه مذاکرات فشرده، از جمله هفده روز جلسات مشترک وزرای خارجه ، در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به تصویب رسید و امضای نهایی شد و به تأیید سازمان ملل و سازمان انرژی اتمی نیز رسید و به عبارتی یک توافق جهانی شد.

براساس برجام، بایست در مقابل محدودیت‌های هسته‌ای، تحریم‌های اقتصادی، بانکی و نفتی برداشته شود؛ اما رئیس جمهور آمریکا، ترامپ، قرارداد برجام را لغو کرد و قرار شد کشورهای باقیمانده، خسارت ناشی از خروج آمریکا را جبران کنند. پس از گذشت چندین ماه و ادامه مذاکرات، اروپایی‌ها یازده تعهد را پذیرفتند؛ اما بازهم هیچ اقدام عملی صورت نگرفت، اروپایی‌ها نه تنها به تعهدات امضاشده خود عمل نکردند بلکه در تاریخ ۱ تیر ۱۳۹۹ از ایران به خاطر داشتن تأسیسات هسته‌ای شکایت کردند و این در حالی است که ایران پس از برجام بسیاری از اقدامات هسته‌ای را تعلیق یا تعطیل کرده است.

رهبر انقلاب در رابطه با برجام چند بیانیه و سخنرانی دارند، ایشان دوم تیر ۱۳۹۴ در دیدار با رئیس جمهور و هیئت دولت مطالبی را بیان داشتند و همواره یادآور شدند که آمریکا و اروپا قابل اعتماد نیستند. برخی از محورهای سخنان رهبری چنین است:

تعهد درازمدت مانند ۱۰ یا ۱۲ سال را نپذیرید.

تحقیقات و توسعه در زمان محدودیت نیز باید ادامه یابد. اجرائیات لغو تحریم‌ها، باید با امضای موافقتنامه متناظر باشد. (هر مقدار آنان به تعهد عمل کردند شما نیز بخشی از تعهد را انجام دهید.)

با موکول کردن تعهدات طرف مقابل به گزارش آژانس، مخالفیم.

در فرصت دیگر نیز تأکید کردند، ضمانت‌های محکم بگیرید که نتوانند خلف وعده کنند.[۱]

با مطالعه سند برجام اما مشاهده می‌شود که به تذکرات رهبری، توجه نشده است.

برخی از موارد سند برجام با ترجمه وزارت خارجه چنین است:

ایران قصد دارد تا ابد سوخت مصرفی آب سنگین اراک را از خارج خریداری کند.

ایران قصد دارد تا ابد، از نیروگاه‌های آب سبک استفاده کند.

ایران قصد دارد تا ابد از بازفرآوری، چشم‌پوشی کند.

به مدت ۲۵ سال، آژانس بر سنگ معدن اورانیوم تولیدی ایران نظارت خواهد کرد.

اتحادیه اروپا بخشی از تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای را همزمان با تأیید آژانس، لغو و برخی را تعلیق خواهد کرد.[۲]

متن کامل سند برجام، در سامانه وزارت خارجه قابل مشاهده است.

در برابر تعهدات قطعی ایران، تعهد دیگران مبهم و کلی است و ایران یک طرفه همه مفاد قرارداد را اجرا نمود.

بد عهدی آمریکا پدیده جدید ی نیست. در قرارداد الجزایر تعهد کردند که همراه با آزادی گروگان ها اموال بلوکه شده ایران را بازگردانند، گروگان ها آزاد شدند و آنان نه تنها خلف وعده کردند، بلکه از صدام حمایت کردند و انواع کمک مالی و تسلیحاتی به او دادند.

سی سال قبل، برای فروپاشی شوروی سابق همین شیوه را به کار بردند و قبل از آن هفتاد سال است که با فلسطین قرارداد صلح امضا می‌کنند و از این فرصت فقط برای فریب استفاده می‌کنند.

برجام می‌تواند درس عبرتی برای جوانان امروز باشد تا بخشی از لایه‌های پنهان دنیای سلطه و جهان غرب را بشناسند که آنان هیچ گاه به تعهد خود پای بند نیستند و قوانین

---

۱. Khamenei.Ir

۲. روزنامه شهرآرا، ۲۹ / تیر/ ۱۳۹۴

انسانی را هم قبول ندارند.

غربی‌ها در حین مذاکرات هسته‌ای پا از گلیم خود بیرون کردند و خواستند تحت عنوان قرارداد ۲۰۳۰ بر فرهنگ انقلاب اسلامی مسلط شوند؛ اما ناکام ماندند، همچنین با پافشاری بر قرارداد موسوم به fatf قصد داشتند سیستم مالی کشور را زیر نظر گیرند، که نتوانستند. براساس این قرارداد برای این‌که غربی‌ها مطمئن شوند ایران به تروریست‌ها کمک مالی نمی‌کند، باید اطلاعات مالی کشور به آنان داده شود.

ابهام اصلی در تعریف تروریست است. از نظر ما، سربازی که به مردم بی‌گناه تیراندازی کند، تروریست است؛ اما از نظر غربی‌ها هر کس به دنیای سلطه اعتراض کند، تروریست است. چنان که در این ایام (تابستان ۹۹) به کسانی که در اعتراض به بی‌عدالتی و تبعیض نژاد در آمریکا فریاد می‌زنند، تروریست گویند، قبل از این هم به نوجوانی که به طرف تانک مهاجم اسرائیل، سنگ پرتاب کند، تروریست می‌گفتند.

هرکس نظم جهانی مورد نظر غرب را نپذیرد، از نظر آنان تروریست است. افتخار انقلاب اسلامی این است که نظم جهانی غربی را به چالش کشیده است.

امام خمینی، آمریکا را شیطان بزرگ نامید. شیطان نزد همه ملت‌ها، مفهوم مشخصی دارد، مظهر زشتی‌ها که باید از او دوری گزید. در سال‌های اخیر، برخی گروه‌های سیاسی، باورشان این شد که سخن امام، مشمول گذشت زمان شده و شرایط، به گونه‌ای است که می‌توانیم با آمریکا رابطه داشته باشیم. در این رابطه مقالاتی در برخی روزنامه‌ها نوشته می‌شد مبنی براین که، حال که آمریکا توسط اوباما، روی خوش نشان داده و اعلام آمادگی برای برداشتن تحریم‌ها و آزادی اموال ایران دارد، باید ما نیز این دعوت را بپذیریم.

شرایط پیش آمده سبب شد کاندیدایی که معتقد بود برای رفع تحریم ها باید با کدخدا مذاکره نماییم، آراء اکثری ریاست جمهوری را کسب کند، البته پس از مذاکرات فراوان و امضای قراردادهای بین‌المللی، آمریکا همه قرار دادها را لغو کرد و مشخص شد وعده‌ها و اعلام آمادگی‌ها، پوششی برای رفتارهای شیطانی گذشته است و سخن امام مشمول گذشت

زمان نشده، بلکه هم چنان پابرجاست که "آمریکا شیطان بزرگ" است.

البته وعده‌های دروغ آمریکا، پدیده جدیدی نیست و روسای جمهور دیگر آمریکا از این حربه غافل نبودند. روزهای ابتدای پیروزی، کارتر که تا آخرین لحظه دست از حمایت شاه برنداشت، نامه محرمانه‌ای خدمت امام فرستاد و ضمن عذرخواهی، آمادگی خود را برای مذاکره اعلام کرد. نامه توسط سفیر کانادا تحویل دفتر امام شد. امام با مطالعه آن فرمود، متن نامه، از صدا و سیما به اطلاع مردم برسد.

آمریکا، ارسال نامه را تکذیب کرد. سفیر کانادا احضار شد و به او گفته شد، چرا نامه جعلی داده است؟

وی گفت: نامه محرمانه بوده و نباید اعلام رسمی شود. امام فرمود: ملت ایران نامحرم نیست.

امام ، فریب‌های آمریکا را به خوبی افشا می‌کرد.

ریگان رئیس جمهور آمریکا زیر پوشش مذاکره، فروپاشی شوروی ابرقدرت را تسریع کرد و فیلم مستند آکتور سینما، به خوبی این مسئله را نشان می‌دهد. در پایان فیلم سخن اوباما پخش شده که گوید:

"ما همین شیوه مذاکره با ایران را در پیش می‌گیریم و امیدوارم برای همیشه برآنان پیروز شویم."[۱]

تجربه مذاکره امریکا در عراق و لیبی عبرت آموز است . پس از مذاکره وقرارداد برای کمک ، بازرس ها برای شناسایی مراکز نظامی اعزام شدند ، اسلحه آنان را از بین بردند و با وجود تسلیم حاکمان این کشورها ، حمله نظامی کرده و حکومت های تسلیم شده را نابود کردند .[۲] سپس در این کشورها مستقر شدند ، همه ثروت عراق را غارت کردند ، با ایجاد گروه های ترور ، اساتید دانشگاه را ترور کردند ، با تله های انفجاری هزاران نفررا به خاک وخون کشیدند ودر

---

۱. فیلم مستند اکتور سینما را ببینید

۲. راجی ، ۱۳۹۸ ، ۳۱۰

فرصت مناسب ، داعش را سازماندهی کردند . در لیبی نیز کشور را به دو بخش تقسیم کردند و با حمایت از دولت غیرقانونی ، این کشـور اسـلامی را در معرض جنگ و خونریزی داخلی قرار دادند . درس مهمی که می‌توان آموخت این‌که، هر مقدار با غربی‌ها مهربانی کنیم و چشم بر جنایات آنان بپوشـانیم، و شـرایط آنان را بپذیریم ، مشکلات کشور بیشتر می‌شود و آنان در دشـمنی خود، چندگام به جلو می‌آیند. اکنون در سـال ۱۳۹۹ بیشـترین نرخ گرانی از ابتدای انقلاب را تجربه کردیم، در حالی که دولت فعلی، نزدیک‌ترین روابط و مذاکرات و کوتاه آمدن در برابر غرب را داشته است و پس از انقلاب تنها دولتی است که وزیر خارجه مستقیما با وزیر خارجه آمریکا جلسات متعدد برگزار نمود .

مذاکـرات آمریکایـی ها فرمـول خاصی دارد ، ابتدا وعده هـای زیبا و حتمی می دهند و اهـداف اصلی خـود را نمی گویند . اگر طرف دیگر مذاکره را نپذیـرد ، با تبلیغات پر حجم او را مخالـف دمکراسـی معرفی می کنند . در صورتی که به پـای مذاکره آمد ، وعده های خود را به صورت نسـیه و اقدامات طرف مقابل را نقد درخواسـت می کنند . وقتی اقدامات مورد نظر آمریکا انجام شـد ، همه مذاکرات را لغو می کنند . اسـرائیل و امریکا در هفتاد سال گذشته با همین فرمول ، مردم فلسطین را تحت فشار قرار داده اند و همواره قراردادهای طرفینی را ، یک طرفـه لغو و اهداف شـیطانی خـود را دنبال می کنند . به عبارت دیگـر مذاکره با آمریکا یعنی پذیرش تسلیم در برابر آنان و این تجربه ده ها ساله رفتار آنان با همه دنیاست . البته به واسطه اسـتحکام پایه های جمهوری اسـلامی و هوشـیاری رهبری و مردم ، در برابر انقلاب اسـلامی ناکام شدند .

بیداری اسلامی

از دو قرن پیش که استعمارگران برای تسلط برکشورهای اسلامی و تصرف منابع آنان اقدام کردند، حرکت‌های آزادی‌بخش هم آغاز شـده و در مواردی به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی، مسلمانان رنج کشیده را امیدوار ساخت و به الگویی برای آنان تبدیل

شد. اواخر دهه ۸۰ قیام‌های مردمی علیه حکومت‌های وابسته به غرب در پنج کشور اسلامی صورت گرفت که آن را "بیداری اسلامی" گویند. بیداری اسلامی در کشورهای تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین به وقوع پیوست.

تونس، سال‌ها مستعمره فرانسه بود و در سال ۱۳۳۳ به استقلال رسید و در این مدت دو رئیس جمهور داشت. قیام مردمی علیه زین العابدین بن علی، دیکتاتور لائیک این کشور به نتیجه رسید و او را برکنار کردند.

مصر، در کنار کانال سوئزاست و موقعیت جغرافیایی و سابقه تاریخی مهم دارد. این کشور در سال ۱۲۶۰ به تصرف انگلیس درآمد و سال ۱۳۳۰ مستقل شد و نظام سلطنت مشروطه داشت و مدتی بعد نظام جمهوری تشکیل داد. رئیس جمهور مادام العمر و این کشور، حسنی مبارک، با قیام مردمی در ۲۲ بهمن ۱۳۸۹ سقوط کرد. قانون اساسی جدید تدوین شد و بر اساس آن رئیس جمهور مورد حمایت اخوان المسلمین به قدرت رسید، پس از یک سال اما، ضعف‌های داخلی و توطئه خارجی، شرایط را تغییر داد و رئیس ستاد ارتش زمان مبارک، به قدرت رسید و سیاست مبارک را تداوم بخشید، در نتیجه قیام مردمی مصر با شکست مواجه شد.

لیبی، کشور نفت خیزی که سال‌ها معمر قذافی، در آن جا حاکم بود. قیام مردمی علیه قذافی با برخورد خشن ارتش این کشور موجه شد و جمعی از مردم به شهادت رسیدند. دادگاه لاهه در سال ۱۳۹۰ حکم بازداشت قذافی را صادر کرد، انقلابیون مرداد آن سال طرابلس را تصرف کردند و دیکتاتور فراری در مهر ۱۳۹۰ در شهر سرت کشته شد. نزاع‌های داخلی و دخالت‌های خارجی سبب شده که این کشور تا این تاریخ گرفتار جنگ و خونریزی شود.

یمن، همسایه جنوبی عربستان است و مردم در ۷ بهمن ۱۳۸۹ علیه علی عبدالله صالح قیام کردند و در خرداد ۱۳۹۰ با حمله به کاخ او، وی مجروح شد و برای درمان به عربستان رفت و از قدرت کنار رفت. حوثی‌ها قیام کردند و بخش‌هایی از کشور را تصرف کردند و در سال ۱۳۹۳ با نظارت سازمان ملل به توافق‌هایی دست یافتند. از آن سال، عربستان به همراه

چند کشور از جمله آمریکا، به کشور یمن حمله نظامی نموده و نیز کشور را محاصره کرده‌اند. تا این تاریخ همه مجامع حقوق بشری و سازمان ملل، در برابر کشتار وسیع مردم مظلوم یمن، هیچ حرکتی انجام نداده و رهبر قیام مردمی یمن عبدالملک بدرالدین است و مقاومت مردم، مثال‌زدنی و کم‌نظیر است.

بحرین، کوچک‌ترین کشور خاورمیانه است که به دلیل منابع نفتی، مورد توجه استعمارگران می‌باشد. بهمن ۱۳۸۹ قیام مردمی علیه حاکم وابسته به انگلیس، انجام شد و اسفند همان سال نیروی نظامی عربستان، برای سرکوب قیام مردمی، به این کشور وارد شد. آیت الله عیسی قاسم، به خشونت شدید نظامی‌ها علیه مردم، اعتراض کرد و حاکم بحرین، ایشان را محاصره و تبعید نمود.

حادثه مهم بیداری اسلامی در این کشورها، از جهت حضور پرشور مردم، شعارهای اسلامی و انقلابی و برکناری حاکمان وابسته به غرب، تداعی انقلاب اسلامی ایران بود؛ به همین دلیل دنیای سلطه و غربی‌ها برای جلوگیری از ادامه مسیر، ابتدا این قیام‌ها را با ترفندهای مختلف دچار مشکل کردند و در گام بعد، برای ایجاد آتش فتنه و جنگ داخلی در کشورهای اسلامی و ایجاد امنیت برای رژیم صهیونی، گروه جنایتکار داعش را ایجاد کرده، به سوی کشورهای منطقه گسیل داشتند.

گروه تروریستی داعش

امریکایی ها برای ایجاد گروه های تروریستی ، در ایران و کشورهای اسلامی طرح های فراوان داشته اند ، ازجمله گروه القاعده ، طالبان ، جنداله و مانند آن . گروه تروریستی جنداله به رهبری عبد المالک ریگی ، صدها نفر از مردم بی گناه جنوب ایران را به خاک وخون کشید و در سال ۱۳۸۸ در اقدام پیچیده اطلاعاتی دستگیر شد . فیلم مستند ریگی را ببینید هم چنین گروه های تروریستی دیگری در کشورهای همسایه ایران آماده نموده اند، اما گروه تروریستی داعش ، با سرمایه گذاری بیشتر طراحی شد .

سازمان‌های اطلاعاتی نظام سلطه (آمریکا و اروپا) از این‌که نتوانستند با همه ترفندها، مانع حرکت رو به رشـد انقلاب اسلامی شـوند بلکه قیام‌هایی مشابه این انقلاب به وقوع پیوست، برای مهار این حرکت و تسلط مجدد برمنطقه دست به کار شدند واتاق فکرآنان با استفاده از اطلاعات تاریخی و سیاسی خود، برای انهدام همه کشورهای اسلامی، طرحی خطرناک پیاده کردند و بلافاصله پس از بیداری اسلامی آن را به اجرا درآوردند.

در این طرح، بدل تقلبی قیام‌های مردمی را با عنوان خلافت اسلامی بنیان نهادند و نیروها به شیوه نیروی داوطلب جهادی، به ظاهر افرادی با انگیزه و داوطلب هستند که لباسی ساده برتن کرده و تا حمله انتحاری و انفجار خود، آماده نبرد هستند؛ اما نه با استعمارگران، بلکه با مردم مسلمان و بی‌دفاع.

آنان به حدی برنامه‌ریزی کردند که تصور شکست را به ذهن نمی‌آوردند.

دولت اسلامی عراق و شام، با نام مخفف داعش، از نیروهای وهابی تندرو تشکیل شد و در سال ۲۰۱۴ میلادی، ابوبکر بغدادی خلافت جهانی خود را آغاز کرد. وی خود را خلیفه نامید و با چاپ اسکناس و گذرنامه، تشکیل نیروی پلیس، صدور نفت و شبکه تلویزیونی حکومت خود را گسـترش داد. آنـان از حمایت کامل غرب و غرب‌گراها برخوردار بودند و از کشـورهای مختلـف دنیا، نیرویی عظیم از فریب خـوردگان فراهم آوردند و در برابر جنایات بی‌نظیر، هرگز مورد انتقاد سازمان‌های حقوق بشری قرار نگرفتند.

با اشغال سرزمین‌ها و تاراج بانک‌ها، فروش ذخائر نفت، گروگان‌گیری برای دریافت پول و حمایت خارجی، منابع مالی خود را تأمین کرده و علاوه بر عراق و سوریه، بخشی از کشور لیبی و صحرای سـینا در مصر را تصرف کردند ، گروه تروریسـتی بوکوحـرام در نیجریه نیز به داعش پیوست و در افغانستان و چند کشور دیگر فعال شدند .

این گروه در سال ۲۰۱۴ بیش از هشتاد هزار نیرو از تبعه ۸۶ کشور جهان داشت و با محتوای رسانه‌ای قوی از جمله استفاده از شبکه اینترنتی توئیتر و فیسبوک، به ۲۳ زبان مختلف، اطلاع رسانی نمود.

پس از شـهادت مظلومانه محسن حججی، بسیجی اهل اصفهان در سوریه، سردار قاسم سـلیمانی، نابودی داعش را بشـارت داد و در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۷ در نامه به رهبر انقلاب اسـلامی، خبر پایان سـیطره داعش را اعلام نمود ، البته با حمایت امریکا و دولت های وابسـته ، آنان را بازسازی می کنند ، اما خلافت اسلامی داعش نابود شده است .

ترامـپ، رئیس جمهور آمریکا در تبلیغات انتخاباتی خود اعلام کرد: اوباما، رئیس جمهور سـابق و حزب دمکرات آمریکا، مؤسـس و طراح داعش هسـتند، البته اوباما در ائتلاف ضد داعش، ادعای مبارزه با آن را داشت و نیز ترامپ که در زمان انتخابات ریاست جمهوری خود را مخالـف داعش نشـان مـی داد ، پس از انتخاب ، به حمایت مالی و تسـلیحاتی از داعش ادامه داد .

ترامپ همچنین اعتراف کرد که آمریکا هفت تریلیون دلار در خاورمیانه هزینه کرده و با این پول می‌توانست همه زیرساخت‌های آمریکا را بازسازی کرد؛ اما به هیچ نتیجه‌ای دست نیافته است، و هنگام ورود در عراق ، مخفیانه و با ترس به این کشور سفر کرد .

جنایاتی که توسـط داعش انجام شـد در تاریخ کم نظیر یا بی‌نظیر است. دو کشور عراق و سوریه را نابود کردند، مساجد، اماکن مقدس و آثار باستانی را ویران کردند، ده‌ها هزار بی‌گناه را در کشـورهای مختلف به قتل رسـاندند و میلیون‌ها بی‌گناه را آواره نمودند ، آنان یک تیر به سوی اسـرائیل شلیک نکردند ، بلکه همکاری مستقیم اسرائیل و دنیای سلطه با آنان برهمه آشکار شد .

دنیـای اسـتکبار، که خود این گروه را طراحی نمود و با تبلیغات فـراوان در اروپا، برای آنان نیرو جمع کرد و همه گونه حمایت نمود ، در تبلیغات اسلام‌هراسی خود، جنایات این گروه را به نام اسلام معرفی کرد و رهبر انقلاب در نامه به جوانان اروپا به این حقیقت اشاره دارند که:

> امروز کمتر کسـی از نقش ایالات متحده آمریکا در ایجاد یا تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله‌های شوم آنان بی‌اطلاع است.[۱]

---

۱. نامه رهبر انقلاب به جوانان اروپا در ضمیمه همین کتاب آمده است .

از اهداف مهم این گروه تروریستی دست‌نشانده غرب، انهدام جمهوری اسلامی بود که با رشادت نیروی مقاومت، یعنی جوانان ایران، لبنان، عراق و سوریه و جان فشانی سردار قاسم سلیمانی، داعش به سرنوشت صدام گرفتار شد.

یکی از نمایندگان مجلس آمریکا، در گزارش به کنگره گفت: اشتباه ما این بود که از سوریه شروع کردیم و نتوانستیم به ایران برسیم، بایست از ایران شروع می‌کردیم.

نیروی مقاومت، داعش را شکست داد؛ اما عامل پیروزی، اسلحه و نفرات بیشتر نبود، بلکه عامل پیروزی، نصرت الهی و روح حماسی جوانان مقاومت بود، همان عاملی که انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند و در جنگ تحمیلی، صدام وابسته به شرق و غرب را شکست داد.

طرح داعش و گروه‌های همسو مانند بوکوحرام، القاعده، جندالله یا هر نام دیگر قطعاتی از پازل «اسلام هراسی» است که با نیرو و پول مرتجعین منطقه، از یک سو چهره دین رحمت را بدنام کنند و از سوی دیگر، ملت‌های مسلمان را درگیر نبرد داخلی نمایند تا یکدیگر را نابود کنند، پیشرفت و امنیت مسلمانان از بین برود، اسلحه غربی‌ها فروخته شود و امنیت اسرائیل حفظ گردد.

واقعیت این است که دنیای استکبار برای مبارزه با انقلاب اسلامی، سردرگم شده و با وجود شکست طرح داعش، ممکن است بار دیگر این گروه یا مشابه آن را فعال کنند.

از تحریم تا اقتصاد مقاومتی

تحریم، نوعی جریمه است که با هدف واداشتن تحریم‌شونده به تسلیم در مقابل اراده سیاسی تحریم‌کننده صورت می‌گیرد.

معمار بزرگ انقلاب اسلامی، از اولین ساعت پیروزی در اندیشه رفع محرومیت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه بود و این اهمیت در تشکیل ارگان‌های انقلابی به خوبی مشاهده می‌شود. جبهه استکبار نیز با آگاهی از مشکلات اقتصادی باقیمانده از رژیم شاه، در تلاش بود با تحریم

و محاصـره اقتصادی، انقلاب را با چالش مواجه سـازد. می‌توان گفـت، ایجاد ناامنی، ترور و آشوب هم برای ممانعت از ساختن ویرانی‌ها و رشد اقتصادی بود و به همین منظور تحریم‌ها طراحی شد و در این زمینه، اطلاعات تاریخی نیز داشتند.

نخسـتین تحریم در دوران معاصر مربوط به تحریم انگلیس در سال ۱۳۲۰ است. انگلیس برای شکست نهضت ملی شدن نفت، سه برنامه اجرا کرد:

۱. شکایت از ایران به دیوان لاهه.

۲. اعزام ناو جنگی برای تهدید و در همان حال تقاضای مذاکره.

۳. تحریم، شامل بلوکه کردن اموال ایران و ممنوعیت صادرات نفت.

آمریـکا نیـز پس از پیروزی انقلاب اسـلامی به نبرد همه‌جانبه از جملـه تحریم اقدام نمود؛ البته طبق قوانین نوشته‌شـده اما غیرعملی سازمان ملل، هیچ کشوری حق ندارد کشور دیگر را تحریم کند.

تحریم ایران که علاوه بر بلوکه کردن اموال ایران، موارد فراوان دیگر را شامل می‌شود، بر چهار نوع است:

۱. تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل که شامل هفت قطعنامه تحریمی می‌شود.

۲. تحریم‌های اتحادیه اروپا.

۳. تحریم‌های دولت و کنگره آمریکا.

۴. تحریم براساس فرامین اجرایی رئیس جمهور آمریکا، این تحریم از کارتر تا ترامپ بدون استثنا توسط رئیسان جمهوری از هر دو حزب، به اجرا درآمده است.

اکنون تحریم‌ها از دولت به صدها فرد حقیقی و ده‌ها شرکت، بانک، کشتی و هرآنچه تصور شود، توسعه یافته است. واضح است که بخش مهمی از این تحریم‌ها فقط جنبه شکلی دارد و برای جنگ روانی است.

به هر حال واقعیت این است که اموال ایران را غارت کرده‌اند و برنمی‌گردانند و با تحریم‌ها، دولـت و ملـت ایران را در تنگنا قرار داده‌اند. دمکراسـی دروغین و تمـدن رو به افول غرب به

این مرحله رسیده است که با ملت هایی که می خواهند آزاد زندگی کنند ، بجنگند و جنگ نظامی ، اقتصادی و سیاسی برآنان تحمیل کنند . تحریم ، در واقع اعلام جنگ است با ملت‌های دیگر.

دشمن برای تحریم سه برنامه کوتاه مدت ، میان مدت و بلند مدت دارد .

در کوتاه مدت ، تلاش می کند که با مشکلات اقتصادی ، مردم را به ستوه آورد و آنان با نظام حاکم ، به مبارزه برخیزند . در میان مدت تصمیم دارد مانع پیشرفت های علمی کشور شود و در همین ارتباط با کمک عوامل داخلی ، دانشمندان هسته ای ایران را ترور کرد .(شهدای گرانقدر داریوش رضایی نژاد ، مسعود علیمحمدی ، مجید شهریاری و مصطفی احمدی روشن) زیرا به طور طبیعی هرگاه ملتی در محاصره قرار گرفت ، نیروی متفکر و جوان دست به تلاش بیشتر می زنند تا مشکل پیش آمده را خود حل کنند و این به معنای پیشرفت علمی است ، اما دشمن مخالف پیشرفت علمی است و تصور می کند با ایجاد محدودیت فقط ناامیدی را توسعه می دهد . در حالی که تحریم و ایجاد محدودیت ، سکه دو رو است و ممکن است به نتیجه ای که آنان می خواهند ، دست نیابند .

هدف بلند مدت دشمن ، فروپاشی و ورشکستگی کشور است .

این آرزو و نقشه دشمن است اما مردم ایران پس از گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی به بلوغ فکری رسیده اند و مسایل اقتصادی را به حمایت از انقلاب ، گره نمی زنند . در سال های اخیر(۹۷ و ۹۸) راهپیمایی ۲۲ بهمن در اوج بحران گرانی ها برگزار شد و حضور مردم با سال های قبل تفاوتی نداشت .

تحریم و تهدید ، با روحیه انقلابی ، می تواند تبدیل به فرصت شود . چنان که جنگ تحمیلی ، میدانی برای اتحاد مردم و شکوفایی استعداد ها شد تا جایی که صدام وابسته به امریکا ، اروپا و شوروی را به زانو در آورد و شکست داد .

به موازات تحریم ، مسئله تحریف مطرح می شود ، که آن تهدید را تقویت می کند . تحریف هم توسط عناصر داخلی و خارجی انجام می شود . در تحریف دو برنامه طراحی می شود :

اول ، ایجـاد ناامیـدی در مردم و جنگ روانـی برای ضربه زدن به روحیه مـردم . تبلیغ این سخن که بدون حمایت امریکا و اروپا ، کشور نابود می شود و ما توان مقاومت نداریم و سخنان این گونه ، که در رسـانه های بیگانه بیان می شـود و افرادی نیز در داخل کشور آن را ترویج می دهند .

دوم ، ترویج آدرس غلط برای رفع تحریم . برخی در داخل همراه با بلندگوهای خارج تبلیغ می کنند که تنها راه نجات از تحریم ، کوتاه آمدن در برابر دشمن و تسلیم شدن است .

طراحان تحریف به دنبال این هسـتند که پیشرفت ها ، امکانات و استعداد های کشور را نادیده بگیرند و هرگز آن را مطرح نسازند ، از سوی دیگر مشکلات را چندین برابر جلوه دهند ، گویی کشور دچار حادثه ای شده که نابودی آن قطعی است .

ایـن جریان مرموز از ابتدای انقلاب فعال بـوده و هم چنان وجود دارد . در جنگ تحمیلی ، به موازات حملات موشـکی صدام ، همین فضاسازی های روانی نیز فعال بود . هرگاه ارتش صدام عملیاتی داشـت ، چنان بزرگ نمایی می شـد که گویی ایران تسـخیر شده است ، در مقابل هرگاه عملیات رزمندگان با موفقیت پیش می رفت ، سکوت محض بود . جالب است بدانید پس از فتح خرمشهر و اسارت حدود بیست هزار نیروی ارتش صدام ، وی به فرماندهان نظامی عراق مدال شـجاعت داد و هرگز از سقوط خرمشـهر سخنی به میان نیاورد ، تا این که ایران از خبرنگاران خارجی دعوت کرد ، از خرمشهر بازدید نمایند .

اگر تحریف ، شکست بخورد ، بدون تردید تحریم نیز شکست خواهد خورد .

آیا تحریم را می توانیم شکست دهیم ؟ آری تحریم دشمن ، جنگ اراده هاست و اراده ما ، قوی تر از دشمن است .

تنها راه برای شکست تحریم ، تکیه بر توان داخلی ، خودباوری و استفاده از استعداد سرشار جوانان دانشمند است ، نه کوتاه آمدن در برابر دشمن . زیرا هر مقدار ما کوتاه بیاییم ، تنها او به اهدافش می رسد و این کار بهترین همکاری با دشمن است .

بایدهای اقتصاد مقاومتی

برای نبرد با جنگ اقتصادی دشمن، راهی جز مقاومت اقتصادی نداریم. باید ظرفیت‌های انسانی یعنی استعدادهای جوان را شناسایی کنیم، ظرفیت‌های اقتصادی کشور از صنایع تا کشاورزی را بشناسیم و با پانزده کشور همسایه و کشورهای مسلمان داد وستد کنیم.

باید دلار را از سیستم معاملات خارجی حذف کنیم، برخی از کشورها این کار را انجام داده‌اند از جمله: هند، چین و روسیه.

باید با استفاده از اقتصاد دانش‌بنیان یعنی با ابتکار و خلاقیت، از سرمایه اندک، محصول فراوان به دست آوریم.

باید به استفاده از محصول ایرانی افتخار کنیم، البته این مسئله طرفینی است، تولیدکنندگان باید کیفیت را بالا ببرند و مصرف‌کنندگان نیز از آن حمایت کنند؛ برای نمونه، صنعت هوا فضای ایران، جزء چند کشور مطرح دنیا است؛ اما در خودرو، نیازمند بیگانه؛ زیرا در آن محور تصمیم بر خودکفایی بوده و در این محور برعکس. برخی به تصور این‌که اگر شرکت‌های اروپایی در صنعت خودروی ایران فعال باشند، آمریکا دست از تحریم برخواهد داشت، شرکت‌های دانش‌بنیان را کنار زدند و با اروپا قرارداد بستند. نتیجه همان شد که می‌دانید.

باید با اشرافی‌گری و ثروت‌اندوزی مبارزه کرد و این مسئله باید از مسئولان آغاز شود. باید اشرافی‌گری و داشتن ماشین میلیاردی و ویلا و امکانات افسانه‌ای ضد ارزش تلقی شود.

باید با فساد مالی و سوءاستفاده از ثروت‌های عمومی مبارزه کرد. البته ریشه مفاسد، همان دنیاطلبی و اشرافی‌گری است.

باید با ورود کالای خارجی قاچاق مبارزه کرد و کالای غیرقاچاق هم فقط در حد ضرورت اجازه ورود داشته باشد مانند دارویی که نیاز هست اما تولید داخلی ندارد.

از وظایف بانک مرکزی، جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی کشور است. این‌که قیمت کالاها با تغییرات ارزی کم و زیاد شود، یعنی عدم استقلال و این اقدام مشکوک ریشه در

طرح‌های درازمدت غرب دارد.

از بایدهای اقتصاد مقاومتی، جلوگیری از اسـراف و تجمل‌گرایی است. اگر سبک زندگی ما متناسب با وضعیت اقتصادی نباشد، فرهنگ مصرف‌گرایی حاکم می‌شود و افراد با هر نوع زندگی، همواره احساس نارضایتی دارند. برخی افراد خود را در مقایسه با ثروتمندان می بینند و همواره احساس کمبود می‌کنند، این تغییر سبک زندگی و به اصطلاح «چشم هم چشمی» پدیده‌ای اسـت که با توسعه دنیای مجازی و رسـانه‌های تصویری، بیشتر از قبل شده است. برای کنترل این مسـابقه بی‌پایان، در فرهنگ اسـلامی، به مسـابقه در نیکوکاری و بخشش و مفاهیمی از این قبیل دعوت شده‌ایم؛ اما در نظام سرمایه‌داری و مادی، مصرف بیشتر، تجمل و ثروت‌اندوزی، تبلیغ می‌شود؛ زیرا معیار همه چیز پول و دارایی است.

اگـر در جامعه‌ای پول و تجملات ارزش شـد، هرگز به سـعادت نخواهند رسـید؛ زیرا افراد در هر شـرایطی خود را با بالاتر مقایسـه می‌کنند و همواره احساس کمبود دارند. این احساس، سبب نارضایتی روانی می‌شود و دلیل بر ناتوانی اقتصادی نیست؛ در مقابل، اگر در برابر تحریم یا هرگونه طرح دشمن، انقلابی عمل کنیم، تهدید تبدیل به فرصت می‌شود و دشمن را ناکام می‌گذارد.

ترور سردار سلیمانی

در مبارزه با داعش، جوانان مقاومت ایران، سوریه، عراق و لبنان کنار یکدیگر حماسه‌آفرینی کردند؛ اما سـردار قاسـم سـلیمانی نقشـی بی‌بدیل داشـت. آمریکایی‌ها که ادعای مبارزه با داعش داشـتند و برای این منظور ائتلافی با حضور چندین کشـور ایجاد کردند، عامل اصلی شکست داعش را ناجوانمردانه با بمباران هوایی کنار فرودگاه بغداد در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۹۹ به شهادت رساندند. شهادت مظلومانه سردار مقاومت به همراه فرمانده نیروهای مردمی عراق، ابومهـدی المهندس، نمـاد پیوند دو ملت ایران و عراق گردید و مجلس شـورای عراق، قانون خروج نیروهای آمریکا از این کشـور را تصویب کرد که خود گام مهمی در آرامش آینده کشـور

خواهد بود.

پس از این ترور جنایتکارانه، پایگاه‌های آمریکا در عراق شناسایی شد و مهم‌ترین آن‌ها یعنی «عین الاسد» با موشک‌های نقطه‌زن سپاه پاسداران درهم کوبیده شد.

پس از جنگ جهانی، اولین بار بود که پایگاه آمریکایی مورد حمله قرار گرفت.

تشییع جنازه ده‌ها میلیونی آن سردار بزرگ در نجف، کربلا، اهواز، مشهد، تهران، قم و کرمان نمایشی عظیم از شکوه دل دادگی مردم بود و علاوه بر آن همه شهرها مراسمی چون عاشورا برگزار کردند و در کشورهای مختلف نیز مراسم با شکوه انجام شد، که نشان از پیوند قلبی مردم دنیا با یکدیگر دارد و دلیل بر انزوای دنیای سلطه و محکومیت آنان نزد وجدان های بیدار است.

سازمان ملل، پس از گذشت شش ماه، اعلام نمود که ترور سردار سلیمانی غیرقانونی و برخلاف مقررات بین‌المللی بوده است؛ اما آمریکا پاسخ داد، ما از شورای حقوق بشر خارج شده‌ایم و پاسخگوی هیچ کس نیستیم.

جمع‌بندی

در جمع‌بندی نهایی این بخش نتایج زیر به دست آمده است. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در حالی که نظام جمهوری اسلامی هنوز به طور کامل استقرار نیافته و مستحکم نشده بود، کشور با بحران‌های بسیاری مواجه شد که هریک ممکن بود نظام‌های مستحکم و مستقر را از میان بردارد؛ اما عنایات الهی، درایت رهبری و آگاهی و بصیرت مردم، نظام اسلامی را از همه این خطرات حفظ نمود.

نظام اسلامی با معیارهای معنوی خود در برابر تئوری‌های مادی‌گرایانه غرب پا به میدان گذاشت و نظامی تازه بر پایه مردم‌سالاری دینی را تئوریزه و عملی کرد. نگاهی اجمالی به مقابله نظام اسلامی با بحران‌های ایجادشده در آن، این مطلب را روشن می‌سازد که این امر با معیارهای مادی قابل توجیه نیست و عوامل معنوی و امدادهای غیبی در آن نقش کلیدی

داشته است.

نقش ولایت فقیه در حل این بحران‌ها بسیار کلیدی و تأثیرگذار بوده است. امام خمینی، در مدت بیش از ده سال بعد از پیروزی انقلاب و تا زمان رحلت جانگداز خود، با رهبری‌های داهیانـه و اعجازگونـه خود، نه تنها نظام نوپای اسـلامی ایران را از انـواع توطئه‌ها، انحرافات و مخاطراتـی نجات داد، که هریک به تنهایی کافی بود تا نظام‌های باثبات دنیا را واژگون کند؛ بـه علاوه با حل بسـیاری از معضلات پیچیـده ایدئولوژیک و فقهی که ممکن بـود نظام را به بن بسـت بکشـاند، سـبب تثبیت نظام و تداوم انقلاب پس از خود گردید. پس از رحلت أمام خمینـی نیز حضـرت آیت الله خامنـه‌ای، که خلف صالح و شایسـته رهبری نظام اسـلامی هستند، این مسئولیت را برعهده گرفتند. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در طول این مدت، کشور را با مدیریت خود، به سـلامت از بحران‌های خطرناک نجات داد. در سـالیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به خوبی رابطه دوطرفهٔ ولایت ققیه و مردم آشکار گشته است و در اینجاست که به صحت توصیه امام امت پی می‌بریم که فرمود:

"پشتیبان ولایت فقیه باشید تا مملکت آسیب نبیند."

نقش مردم با بصیرت و آگاه نیز در هریک از این بحران‌ها مهم و تاثیرگذار بوده است. مردم یکی از ارکان اصلی نظام هستند که نظام اسلامی را از آن خود می‌دانند و در دفاع از آن از هیچ کوششـی دریغ نمی‌کنند و در مواقع حساس در مقابل دشـمن به میدان می‌آیند و از انقلاب و ارزش‌های اسلامی به دفاع می‌پردازند.

در نتیجه این بحران‌ها، نه تنها علی‌رغم هزینه‌های سـنگین، خسـارت اساسـی بر نظام اسـلامی وارد نشـد، بلکه نظام جمهوری اسـلامی توانمندتر از گذشـته به راه خود ادامه داد و جامعه اسلامی را به ابرقدرتی جدید میان کشورهای منطقه تبدیل کرد.

نکتـه آخـر را در قالـب یک سـؤال می‌توان مطـرح نمـود، این‌که آیـا در آینده نیـز با چنین بحران‌هایی مواجه خواهیم شد؟

پاسـخ، مثبت اسـت؛ زیرا تا زمانی که دشـمن قسـم خـورده در مقابل ما قـرار دارد و نظام

اسلامی را مانع بزرگی در برابر اهداف چپاول‌گرایانه و ضدانسانی خود می‌داند، بدیهی است که دشمن از هر فرصتی جهت ایجاد بحران استفاده می‌کند، تا نظام اسلامی را به سقوط بکشاند. شکل این بحران‌ها مشخص نیست. امکان تکرار بحران‌هایی مشابه بحران‌های قبلی هست و ممکن است شاهد نمونه‌های جدیدی هم باشیم؛ اما به طور خلاصه و اجمال می‌توان ادعا کرد اگر در این انقلاب مکتب عاشورایی شهادت نمی‌بود و اگر نظام ولایت فقیه که دنباله نظام امامت است، حاکم نمی‌بود و اگر امت مؤمن و مقاوم و آگاه در صحنه حضور نمی‌داشتند، خدا می‌داند با این همه بحران‌ها و خصومت‌ها چه بر سر این انقلاب و نظام می‌آمد و به طور یقین می‌توان پیش‌بینی کرد تا زمانی که چنین شرایطی بر جامعه ما حکم فرما باشد، نظام جمهوری اسلامی بیمه و مستقر خواهد بود و خطرات و بحران‌های آینده هم به درستی مدیریت خواهد شد و از سر خواهد گذشت.

فصل هفتم: آینده انقلاب

در فصل‌های گذشته کتاب با مفهوم انقلاب، ویژگی‌های آن، پیشینه، وقوع آن و مسائل مهمی که در این چهل و اند سال بر ما گذشت، آشنا شدیم.

اکنون سخن از آینده انقلاب است و دو محور مهم را بررسی می‌کنیم:

الف) آسیب‌های انقلاب اسلامی ب) افق آینده و تمدن اسلامی .

الف- آسیب‌های انقلاب اسلامی

هر پدیده‌ای برای رشد و تداوم خود باید مشکلات و آسیب‌ها را بشناسد و در پی رفع آن‌ها برآید، در غیر این صورت دچار مشکلاتی خواهد شد که آن را از مسیر منحرف یا نابود خواهد کرد.

استاد مطهری، با وجود این‌که تنها در سه ماه ابتدای انقلاب حضور داشت و با شهادت خود، انقلاب را به پیش برد، از اولین روزهای پیروزی، نگران آسیب‌های احتمالی است و در این ارتباط چند سخنرانی ارائه نمود.

ایشان، آسیب‌های انقلاب اسلامی را این گونه می‌شمارد:

۱. فراموش شدن عدالت اجتماعی: وی تأکید می‌کند ماهیت انقلاب، عدالت‌خواهانه بوده و باید دولت‌ها واقعاً و عملاً در مسیر عدالت اسلامی گام بردارند و برای پرکردن شکاف‌های

طبقاتی اقدام کنند.

۲. بی‌اعتنایی به آزادی‌های واقعی: اسلام فقط با نیروی منطق و آزادی و مواجهه صریح و روشن با افکار مخالف، حفظ خواهد شد و بی‌اعتنایی به روند آزادی اندیشه، از آفات خطرناک است.

۳. عدم توجه به استقلال، به ویژه استقلال فرهنگی: اگر ملتی روحیه خود را در مقابل دیگران باخت و استعمار فرهنگی و فکری پیدا کرد، با کمال افتخار استعمار سیاسی و اقتصادی را می‌پذیرد.

۴. تهی شدن از معنویت: اگر معنویت در انقلاب اسلامی مورد غفلت واقع شود، انقلاب از یک عامل پیش رونده، محروم شده است.

۵. عدالت و معنویت همراه یکدیگر هستند و باید باهم در جامعه پیاده شود.

۶. انحراف مسیر و تغییر جهت: با حفظ انگیزه‌های الهی، باید از تغییر جهت و مسیر انقلاب، جلوگیری گردد.

۷. ابهام طرح‌های آینده

۸. نفوذ اندیشه‌های بیگانه

۹. رخنه فرصت‌طلب‌ها[۱]

رهبری خردمند انقلاب اسلامی، امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای نسبت به آسیب‌های انقلاب اسلامی، دغدغه فراوان دارند و در رهنمودهای خود به ابعاد آن پرداخته‌اند. این رهنمودها، در سه محور فرهنگی، سیاسی و اقتصادی چنین است:

آسیب‌های فرهنگی: نفوذ اندیشه‌های بیگانه، تجددگرایی افراطی، دنیاطلبی و گرایش به مسائل مادی، حاکم شدن روحیه ریا و تملق به جای ایثار، فراموش شدن آرمان‌های انقلاب و اخلاص و خدمتگزاری، ترویج مفاسد اخلاقی، تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی دشمن و بحران هویت اجتماعی.

---

۱. مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹

آسیب‌های سیاسی: تفرقه و اختلاف سیاسی، بی‌تفاوتی به سرنوشت کشور، شکاف و چنددستگی میان حاکمیت و بی‌بصیرتی خواص.

آسیب‌های اقتصادی: گرانی و بیکاری، فقر، فساد، تبعیض و افزایش فاصله طبقاتی.

آسیب‌هایی که برشمردیم، به معنای هشدارهایی است که باید با بصیرت انقلابی، پیشگیری شود و در صورت ایجاد، با اقدام خردمندانه، برطرف گردد.

انقلاب اسلامی، در چهل و اند سال گذشته، بسیاری از آسیب‌ها را حل و فصل کرده و خطرهایی چون جنگ تحمیلی، ترورها، فتنه‌ها و تحریم‌ها را پشت سر گذاشته و با تحمل سختی‌های فراوان، راه پیشرفت را تداوم بخشیده و هرگز از مواضع ابتدای انقلاب، دچار ارتجاع و عقب‌نشینی نشده است.

نباید انتظار داشته باشیم از دشمنی امپریالیسم جهانی کاسته شود، تنها راه بیمه کردن کشور و انقلاب، دستیابی به پیشرفتی است که دشمنی‌های آنان بی‌اثر گردد.

درس بزرگی که از آسیب‌شناسی انقلاب می‌آموزیم این است که باید برای حرکت در مسیر تعالی، مقاومت کنیم و تهدیدها را با روحیه انقلابی، به فرصت تبدیل کنیم.

اما افق آینده انقلاب اسلامی، روشن است. زمانی که انقلاب نهالی تازه و نوپا بود، در مقابل توفان حوادث، خم نشد، اکنون با گذشت بیش از چهل بهار از انقلاب، استوار و باطراوت، به حرکت رو به رشد خود ادامه می‌دهد.

محورهای افق آینده انقلاب اسلامی، یعنی تلاش در مسیر تحقق تمدن اسلامی، موضوعی است که به آن می‌پردازیم.

ب- افق آینده تا تمدن اسلامی

هر ملت خردمند، برای آینده خود و نسل‌های بعد طراحی‌های کلان و درازمدت دارد و افق آینده را ترسیم می‌کند تا جلوی انحراف و تغییر مسیر را بگیرد و با نقشه راه، به اوج شکوفایی و تعالی برسد.

ملت انقلابی ایران نیز باید همین شیوه در پیش گیرد؛ یعنی مسیر طی‌شده را بررسی، شرایط

کنونی را خوب تحلیل و مسیر پیش رو را با دقت طراحی کند.

انقلاب اسلامی از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ حرکت خود را آغاز کرد و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. بلافاصله نظام اسلامی با رأی اکثریت مردم تشکیل شد. نظام اسلامی باید مراحل رشد مادی و معنوی خود را طی کند تا دولت اسلامی تشکیل شود. دولت اسلامی، دولتی است که با مقیاس منشور حکومتی مالک اشتر، عدل و پیشرفت را در کنار معنویت و امنیت ساماندهی کند. پس از این رشد و تکامل، به کشور اسلامی دست خواهد یافت و کشور اسلامی خود را برای تمدن اسلامی مهیا خواهد نمود.

مقایسه کوتاه انقلاب اسلامی با دیگر حرکت‌های آزادی‌بخش، بخشی از عظمت این انقلاب را می‌نمایاند.

حرکت انقلابی مردم الجزایر در برابر دولت استعمارگر فرانسه با شعار الله اکبر آغاز شد و به مدت یک قرن به طول انجامید و حدود یک میلیون نفر شهید داد و پس از آن فرانسه با استقلال الجزایر موافقت کرد و انقلاب پیروز شد؛ اما تنها حدود سه ماه دوام آورد و بار دیگر استعمار به شکل جدید تسلط یافت و آرمان‌های انقلاب فراموش شد.

انقلاب اسلامی از ابتدای پیروزی تا کنون که چهل و اند سال می‌گذرد، بسیار قوی‌تر شده و دنیای سلطه رو به ضعف گراییده است. نمونه این وضعیت، قابل بررسی و مطالعه است. چهل سال قبل، امنیت هوایی ایران در شرایطی بود که در سال ۱۳۵۸ ارتش آمریکا به خود اجازه می‌دهد وارد مرز ایران شود و در طبس فرود آید؛ اما در سال ۱۳۹۸ پهپاد راداگریز آمریکا، در آسمان مرز ایران شکار و سرنگون شد و سال‌ها قبل از این پهپاد آمریکایی در مرز شرقی ایران، سالم، در چنگ نیروهای ایران قرار گرفت و مدتی بعد با مهندسی معکوس نمونه آن تولید شد و قایق تفنگ‌داران آمریکا در حال عبور از مرز آبی ایران، توسط سپاه پاسداران دستگیر شد.

چهل سال قبل صدام، صدها موشک به شهرهای مختلف ایران شلیک می‌کرد، از جمله چندین نقطه مسکونی تهران مورد حمله موشکی قرارگرفت، اما ایران موشک برای شلیک

نداشت. اکنون شرایط تغییر کرده و در سال ۱۳۹۶ چند تروریست داعش به مجلس شورا و مرقد امام خمینی حمله کردند و چند روز بعد موشک نقطه زن ایران، پایگاه آنان را در سوریه درهم کوبید و پس از شهادت سردار سلیمانی با حمله هوایی آمریکا، پایگاه مهم آمریکا در غرب عراق، عین الاسد با موشک های نقطه‌زن، درهم کوبیده شد.

اسرائیل، سال‌ها قبل از انقلاب، در حمله نظامی شش‌روزه، کشورهای مهم عربی را درهم کوبید و پیروز گردید؛ اما در سال‌های اخیر ارتش اسرائیل، با حملات حزب الله، از جنوب لبنان پا به فرار گذاشت و او که نقشه نیل تا فرات یعنی تصرف همه کشورهای اسلامی را داشت، اکنون برای در امان بودن از موشک مقاومت، به دور کشورش دیوار بتنی احداث می‌کند. در همین ارتباط رهبر فرزانه انقلاب در چهلمین سال پیروزی ، نقشه آینده کشور را با عنوان "بیانیه گام دوم انقلاب" اعلام نمودند که در ضمیمه همین کتاب مطالعه می فرمایید .

بالندگی انقلاب اسلامی در چهل گذشته، برای دوست و دشمن پذیرفته شده است. البته نباید دچار غرور شویم، پیروزی ها با معیار مادی قابل تصور نیست، باید عامل موفقیت‌ها را عنایات الهی بدانیم. ومسئله مهم برنامه‌ریزی برای افق آینده است.

برای طی مسیر انقلاب اسلامی تا ظهور امام زمان عليه‌السلام و برپایی حکومت جهانی عدالت‌گستر، باید به ابزار بصیرت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دست یابیم و بکوشیم در حفظ امانت ارزشمند انقلاب اسلامی، انجام وظیفه نماییم.

تمدن اسلامی

با ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آرمان‌های جهان‌شمول و جامع آن، نقطه‌های امید برای شکوفایی تمدن نوین اسلامی زنده گشت؛ آن هم در دنیای تسخیرشده و مبهوت از آثار تمدن مادی‌گرای غرب. نقاط ضعف تمدن غرب از یک سو و جامعیت آرمانی انقلاب اسلامی از سوی دیگر، یا به عبارتی نارضایتی‌ها و نتایج ناشی از سوءکارکردهای صدها ساله تمدن بی‌محتوا و نفع‌طلب غربی و از این سو آرمان‌های انقلاب اسلامی که مبتنی بر

ذات و نیاز بشر است، دو نیروی پیش‌برنده دنیای جدید به سوی تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

برخی از فرصت‌ها و امکانات مهم در مسیر ظهور تمدن اسلامی یادآور می‌گردد.

۱. نگرش همه‌جانبه اسلام: انقلاب اسلامی به دلیل جامعیت دین اسلام، چالشی جدی در مقابل تفکر مادی‌گرا و تک‌بعدی غرب ایجاد کرده است. غرب در حالی که از ابزارهای رسانه‌ای گسترده برخوردار است، پیام قوی ندارد. اسلام، خانواده را سنگ بنای جامعه سالم می‌داند، تمدن غرب اما خانواده را از بین برد. اسلام، انسان، از هر رنگ و نژاد را محترم می‌داند، تمدن غرب اما، بر نژادپرستی و تبعیض نژادی بنا شده است. اسلام، مالکیت خصوصی را محدود می‌کند تا اختلاف طبقاتی کاسته شود، تمدن غرب اما بر پایه سرمایه‌داری مطلق، زمینه اختلاف طبقاتی و فاصله فقیر و غنی را تشدید می‌کند. سرمایه‌داری غرب، با فروش اسلحه و جنگ‌افروزی به دنبال سود آوری بیشتر است؛ اما این رفتار از نظر اسلام ناپسند و مردود است.

۲. عملکرد سوءاستعماری غرب: اندیشه اومانیستی (جدایی از خدا و معنویت)، خود را در عملکرد سوءاستعماری غرب نشان داده است. استعمار ملت‌ها و تلاش دائمی غرب برای دستیابی به منافع ملی دیگران، غرب را نزد ملت‌های دیگر منفور نموده و همین مسئله سبب آمادگی ملت‌ها برای پذیرش تمدن نوین اسلامی شده است. تاریخ معاصر کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بهترین گواه بر عملکرد سوء غربی‌ها در این سرزمین‌ها است. این عملکرد منفی صدها ساله، چهره‌ای زشت، خشن، نفع‌طلب و خودمحور از غرب ترسیم کرده و ملت‌ها را مستعد پذیرش تمدنی نوین ساخته است.

۳. فروپاشی تدریجی تمدن غرب: در چند دهه گذشته، به تدریج شاهد نوعی فروپاشی فکری ـ فلسفی در غرب هستیم، علاوه بر این چالش‌ها و بحران‌های سیاسی و اقتصادی، نشان از درهم ریختگی و تغییرات سیاسی است. جنبش وال استریت ۹۹ درصد فقیر در برابر یک درصد ثروتمند، راهپیمایی اعتراضی جلیقه زردهای فرانسه، علیه نظام سرمایه‌داری و

خیزش عمومی اعتراض مردم آمریکا علیه بی‌عدالتی و تبعیض نمونه‌هایی از بحران‌های غرب است.

۴. برخوردهای خشن پلیس و صحنه جنگ با مردم از یک سو و سکوت مجامع حقوق بشر، که خود شاهد جنایات هستند، ماهیت دروغین این مجامع را برای همگان از جمله مردم آمریکا و اروپا آشکار کرد. نظریه‌پردازان آمریکا مانند چامسکی و فوکویاما، این وضعیت را دلیل بر شکست دمکراسی غرب و افول آمریکا می‌دانند.

۵. حوادثی مانند بیماری کرونا، ناتوانی دنیای غرب را در حل بحران‌های غیرقابل پیش‌بینی، شاهدی دیگر بر ضعف قدرت غرب است و این برخلاف تبلیغات فراوان آنان است.

۶. وابستگی غرب به منابع معدنی و انسانی شرق: غرب برای رشد و توسعه خود، به منابع معدنی (نفت، گاز و فلزات راهبردی) و انسانی (نیروی انسانی متخصص و کارگران شرق) نیازمند است. ایجاد هرگونه اختلال در این زمینه‌ها، غرب را تضعیف و موجب هموار شدن مسیر تمدن اسلامی می‌شود.

۷. ابزار رسانه‌ای جدید: پیدایش عصر دیجیتال و گسترش ابزارهای رسانه‌ای، تنها در غرب نیست، بلکه فرصت مهمی را در اختیار دیگران قرار می‌دهد تا پیام‌های خود را در سطح جهان منتشر کنند. از آن‌جا که غرب پیام خوب ندارد، مکتب مترقی اسلام که جامع‌نگر و حقیقت‌بین است، فرصت خوبی برای جهانی کردن اندیشه خود می‌یابد.

آرمان‌های انقلاب مانند عدالت، معنویت، خودباوری در حال جهانی شدن است و فرهنگ سازش‌ناپذیر مقاومت که برخاسته از اندیشه قرآنی است، شرایط را برای افول نهایی تمدن غرب فراهم آورده است.

ضمیمه کتاب انقلاب

نامهٔ امام خمینی به گورباچف (آخرین رئیس جمهور ایالات متحده شوروی)

جناب آقای گورباچف، صدر هیأت رئیسهٔ اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی! با امید خوشبختی و سعادت برای شما و ملت شوروی، از آنجا که پس از روی کار آمدن شما چنین احساس می شود که جنابعالی در تحلیل حوادث سیاسی جهان، خصوصاً در رابطه با مسائل شوروی، در دور جدیدی از بازنگری و تحول و برخورد قرار گرفته اید، و جسارت و گستاخی شما در برخورد با واقعیات جهان چه بسا منشأ تحولات و موجب به هم خوردن معادلات فعلی حاکم بر جهان گردد، لازم دیدم نکاتی را یادآور شوم. هر چند ممکن است حیطهٔ تفکر و تصمیمات جدید شما تنها روشی برای حل معضلات حزبی و در کنار آن حل پاره ای از مشکلات مردمتان باشد، ولی به همین اندازه هم شهامت تجدید نظر در مورد مکتبی که سالیان سال فرزندان انقلابی جهان را در حصارهای آهنین زندانی نموده بود قابل ستایش است. و اگر به فراتر از این مقدار فکر می کنید، اولین مسئله ای که مطمئناً باعث موفقیت شما خواهد شد این است که در سیاست اسلاف خود دایر بر «خدا زدایی» و «دین زدایی» از جامعه، که تحقیقاً بزرگترین و بالاترین ضربه را بر پیکر مردم کشور شوروی وارد کرده است، تجدید نظر نمایید؛ و بدانید که برخورد واقعی با قضایای جهان جز از این طریق میسر نیست. البته ممکن

است از شیوه های ناصحیح و عملکرد غلط قدرتمندان پیشین کمونیسم در زمینهٔ اقتصاد، باغ سبزدنیای غرب رخ بنماید، ولی حقیقت جای دیگری است. شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعهٔ خویش را دوا نکرده اید، که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند؛ چرا که امروز اگر مارکسیسم در روشهای اقتصادی و اجتماعی به بن بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر، و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است.

جناب آقای گورباچف، باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما مسئلهٔ مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن بست کشیده و یا خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزهٔ طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است.

جناب آقای گورباچف، برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد؛ چرا که مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی، و با مادیت نمی توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت، که اساسیترین درد جامعهٔ بشری در غرب و شرق است، به در آورد.

حضرت آقای گورباچف، ممکن است شما اثباتاً در بعضی جهات به مارکسیسم پشت نکرده باشید و از این پس هم در مصاحبه ها اعتقاد کامل خودتان را به آن ابراز کنید؛ ولی خود می دانید که ثبوتاً اینگونه نیست. رهبر چین اولین ضربه را به کمونیسم زد؛ و شما دومین و علی الظاهر آخرین ضربه را بر پیکر آن نواختید. امروز دیگر چیزی به نام کمونیسم در جهان نداریم. ولی از شما جداً می خواهم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ نشوید. امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه های پوسیدهٔ هفتاد سال کژی جهان کمونیسم را از چهرهٔ تاریخ و کشور خود بزدایید. امروز دیگر دولتهای همسو با شما که دلشان برای آقای گورباچف وقتی از گلدسته‌های

مساجد بعضی از جمهوری‌های شما پس از هفتاد سال بانگ «الله اکبر» و شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ به گوش رسید، تمامی طرفداران اسلام ناب محمدی ﷺ را از شوق به گریه انداخت. لذا لازم دانستم این موضوع را به شما گوشزد کنم که بار دیگر به دو جهان بینی مادی و الهی بیندیشید. مادیون معیار شناخت در جهان بینی خویش را «حس» دانسته و چیزی را که محسوس نباشد از قلمرو علم بیرون می دانند؛ و هستی را همتای ماده دانسته و چیزی را که ماده ندارد موجود نمی دانند. قهراً جهان غیب، مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت، را یکسره افسانه می دانند. در حالی که معیار شناخت در جهان بینی الهی اعم از «حس و عقل» می باشد، و چیزی که معقول باشد داخل در قلمرو علم می باشد گرچه محسوس نباشد. لذا هستی اعم از غیب و شهادت است، و چیزی که ماده ندارد، می تواند موجود باشد. و همان طور که موجود مادی به «مجرد» استناد دارد، شناخت حسی نیز به شناخت عقلی متکی است.

قرآن مجید اساس تفکر مادی را نقد می کند، و به آنان که بر این پندارند که خدا نیست و گرنه دیده می شد. لن نُؤمِنَ لَکَ حَتّی نَرَی اللهَ جَهرَةً می فرماید: لاتُدرِکُهُ الأبْصارُ وَ هُوَ یُدْرِکُ الأبْصارَ وَ هو اللَّطِیفُ الْخَبِیرُ.

از قرآن عزیز و کریم و استدلالات آن در موارد وحی و نبوت و قیامت بگذریم، که از نظر شما اول بحث است، اصولاً میل نداشتم شما را در پیچ و تاب مسائل فلاسفه بخصوص فلاسفهٔ اسلامی، بیندازم. فقط به یکی ـ دو مثال ساده و فطری و وجدانی که سیاسیون هم می توانند از آن بهره ای ببرند بسنده می کنم. این از بدیهیات است که ماده و جسم هرچه باشد از خود بیخبر است. یک مجسمهٔ سنگی یا مجسمهٔ مادی انسان هر طرف آن از طرف دیگرش محجوب است. در صورتی که به عیان می بینیم که انسان و حیوان از همهٔ اطراف خود آگاه است. می داند کجاست؛ در محیطش چه می گذرد؛ در جهان چه غوغایی است. پس، در حیوان و انسان چیز دیگری است که فوق ماده است و از عالم ماده جدا است و با مردن ماده نمی میرد و باقی است. انسان در فطرت خود هرکمالی را به طور مطلق می خواهد.

و شـما خوب می دانید که انسـان می خواهد قدرت مطلق جهان باشـد و به هیچ قدرتی که ناقص اسـت دل نبسـته است. اگر عالم را در اختیار داشته باشـد و گفته شود جهان دیگری هم هست، فطرتاً مایل است آن جهان را هم در اختیار داشته باشد. انسان هر اندازه دانشمند باشد و گفته شود علوم دیگری هم هست، فطرتاً مایل است آن علوم را هم بیاموزد. پس قدرت مطلق و علم مطلق باید باشـد تا آدمی دل به آن ببندد. آن خداوند متعال است که همه به آن متوجهیم، گرچه خود ندانیم. انسـان می خواهد به «حق مطلق» برسـد تا فانی در خدا شـود. اصولاً اشـتیاق به زندگی ابدی در نهاد هر انسـانی نشـانهٔ وجود جهان جاوید و مصون از مرگ است. اگر جنابعالی میل داشته باشید در این زمینه ها تحقیق کنید، می توانید دستور دهید که صاحبان اینگونه علوم علاوه بر کتب فلاسـفهٔ غرب در این زمینه، به نوشـته های فارابی و بوعلی سینا .رحمة الله علیهما. در حکمت مشاء مراجعه کنند، تا روشن شود که قانون علیت و معلولیت که هرگونه شناختی بر آن استوار است، معقول است نه محسوس؛ و ادراک معانی کلی و نیز قوانین کلی که هرگونه اسـتدلال بر آن تکیه دارد، معقول اسـت نه محسـوس، و نیز به کتابهای سـهروردی .رحمة الله علیه .در حکمت اشـراق مراجعه نمـوده، و برای جنابعالی شـرح کنند که جسـم و هر موجود مادی دیگر به نور صِرف که منزه از حس می باشـد نیازمند است؛ و ادراک شهودیِ ذات انسان از حقیقت خویش مبرا از پدیدهٔ حسی است. و از اساتید بزرگ بخواهید تا به حکمت متعالیهٔ صدرالمتألهین .رضوان الله تعالی علیه و حشـره الله مع النبییـن والصالحین .مراجعـه نمایند، تا معلوم گردد که: حقیقت علم همانا وجودی اسـت مجرد از ماده، و هرگونه اندیشه از ماده منزه است و به احکام ماده محکوم نخواهد شد.

دیگر شما را خسته نمی کنم و از کتب عرفا و بخصوص محی الدین ابن عربی نام نمی‌برم؛ که اگر خواستید از مباحث این بزرگمرد مطلع گردید، تنی چند از خبرگان تیزهوش خود را که در اینگونه مسائل قویاً دست دارند، راهی قم گردانید، تا پس از چند سالی با توکل به خدا از عمق لطیف باریکتر ز موی منازل معرفت آگاه گردند، که بدون این سفر آگاهی از آن امکان ندارد.

جناب آقای گورباچف، اکنون بعد از ذکر این مسائل و مقدمات، از شما می خواهم دربارهٔ

اسـلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید. و این نه به خاطر نیاز اسـلام و مسـلمین به شـما، که به جهت ارزشـهای والا و جهان شـمول اسـلام اسـت که می تواند وسیلهٔ راحتی و نجات همهٔ ملتها باشـد و گره مشکلات اساسی بشـریت را باز نماید. نگرش جدی به اسلام ممکن است شما را برای همیشه از مسئله افغانستان و مسائلی از این قبیل در جهان نجات دهد. ما مسلمانان جهان را مانند مسلمانان کشور خود دانسته و همیشه خود را در سرنوشت آنان شریک می دانیم. با آزادی نسبی مراسم مذهبی در بعضی از جمهوریهای شوروی، نشان دادید که دیگر اینگونه فکر نمی کنید که مذهب مخدر جامعه است. راستی مذهبی که ایران را در مقابل ابرقدرتها چون کوه اسـتوار کرده اسـت مخدر جامعه است؟ آیا مذهبی که طالب اجرای عدالت در جهان و خواهان آزادی انسـان از قیود مادی و معنوی اسـت مخدر جامعه اسـت؟ آری، مذهبی که وسیله شود تا سـرمایه های مادی و معنوی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، در اختیار ابرقدرتها و قدرتها قرار گیرد و بر سر مردم فریاد کشد که دین از سیاست جدا اسـت مخدر جامعه است. ولی این دیگر مذهب واقعی نیست؛ بلکه مذهبی است که مردم ما آن را «مذهب امریکایی» می نامند.

در خاتمـه صریحـاً اعـلام مـی کنـم کـه جمهـوری اسـلامی ایـران بـه عنـوان بزرگترین و قدرتمندترین پایگاه جهان اسلام به راحتی می تواند خلأ اعتقادی نظام شما را پر نماید. و در هر صورت، کشور ما همچون گذشته به حسن همجواری و روابط متقابل معتقد است و آن را محترم می‌شمارد.

والسلام علی من اتبع الهدی - سید روح الله خمینی - ۱۳۶۷/۱۱/۱۰

نامهٔ حضرت آیت الله خامنه ای به جوانان آمریکا و اروپا

حوادث اخیر در فرانسه و وقایع مشابه در برخی دیگر از کشورهای غربی مرا متقاعد کرد که درباره‌ی آنها مستقیماً با شما سخن بگویم.[۱]

من شما جوانان را مخاطب خود قرار میدهم؛ نه به این علّت که پدران و مادران شما را ندیده می‌انگارم، بلکه به این سبب که آینده‌ی ملّت و سرزمینتان را در دستان شما می‌بینم و نیز حسّ حقیقت‌جویی را در قلبهای شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم. همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی‌کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.

سخن من با شما درباره‌ی اسلام است و به‌طور خاص، درباره‌ی تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه میگردد. از دو دهه پیش به این سو ـ یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتّحاد جماهیر شوروی ـ تلاشهای زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسّفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمیخواهم به «هراس‌های» گوناگونی که تاکنون به ملّتهای غربی القاء شده است، بپردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، می‌بینید که در تاریخ نگاری‌های جدید، رفتارهای غیرصادقانه

---

۱. نوامبر ۲۰۱۵ با حملات تروریستی داعش در پاریس صدها نفر کشته و مجروح شدند.

و مزوّرانه‌ی دولت های غربی با دیگر ملّتها و فرهنگ های جهان نکوهش شـده اسـت. تاریخ اروپـا و امریکا از برده‌داری شرمسـار اسـت، از دوره‌ی استعمار سـرافکنده اسـت، از سـتم بر رنگین‌پوستان و غیرمسیحیان خجل است؛ محقّقین و مورّخین شما از خونریزی‌هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملیّت و قومیّت در جنگهای اوّل و دوّم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکندگی می‌کنند.

این به‌خودی‌خود جای تحسـین دارد و هدف من نیز از بازگوکردن بخشـی از این فهرسـت بلند، سـرزنش تاریخ نیسـت، بلکه از شما می‌خواهم از روشـنفکران خود بپرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشـه با تأخیری چند ده سـاله و گاهی چند صد سـاله بیدار و آگاه شـود؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشـته‌های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمّی همچون شـیوه‌ی برخورد با فرهنگ و اندیشـه‌ی اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری می‌شود؟

شـما بخوبی میدانید که تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از «دیگری»، زمینه‌ی مشـترک تمام آن سـودجویی‌های سـتمگرانه بوده اسـت. اکنون من می‌خواهم از خود بپرسـید که چرا سیاست قدیمی هراس‌افکنی و نفرت‌پراکنی، این‌بار با شدّتی بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته اسـت؟ چرا ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد؟ مگر چه معانی و ارزشـهایی در اسلام، مزاحم برنامه‌ی قدرتهای بزرگ است و چه منافعی در سـایه‌ی تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین می‌گردد؟ پس خواسته‌ی اوّل من این است که درباره‌ی انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید.

خواسته‌ی دوم من این است که در واکنش به سیل پیش‌داوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیّتی دارد. من اصرار نمی‌کنم که برداشـت مـن یا هر تلقّی دیگری از اسـلام را بپذیرید بلکه می‌گویـم اجازه ندهید این واقعیّت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شـما شناسـانده شـود.

اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مآخذ دست اوّل آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آشنا شوید. من در اینجا مایلم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جزرسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و برمبنای چه ارزشهایی طیّ قرون متمادی، بزرگترین تمدّن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکّران را تربیت کرد؟

من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیّت، سدّ عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بیطرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطاتی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگرچه هیچکس به‌صورت فردی نمی‌تواند شکافهای ایجاد شده را پر کند، امّا هریک از شما می‌تواند به قصد روشنگریِ خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف برروی آن شکافها بسازد. این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگرچه ناگوار است امّا میتواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنجکاو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نوپیش روی شما قرار میدهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیش‌داوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیّت‌پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزردگی کمتر و وجدانی آسوده‌تر به نگارش درآورند.

سیدعلی خامنه ای - ۱۳۹۳/۱/۱۱

جدول (مروری سریع بر بیانیه گام دوم انقلاب)

سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی
همه چیز علیه ما بود. هیچ تجربه‌ای در برابر ما وجود نداشت. ترکیب جمهوریّت و اسلامیّت نخستین درخشش انقلاب بود. تقابل دوگانه‌ی «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر شد. عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله‌ی ایران آنگاه بدرستی دیده می‌شود که با مدّتهای مشابه در انقلابهای بزرگی چون فرانسه و شوروی و هند مقایسه شود. انقلاب منشأ این برکات شد: ۱- امنیّت و تمامیّت ارضی را ضمانت کرد. ۲- موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فنّاوری و زیرساخت شد. ۳- مشارکت مردمی را در «مسائل سیاسی»، «حضور در صحنه‌های ملّی» و «استکبارستیزی» به اوج رسانید. ۴- بینش سیاسی آحاد مردم را ارتقاء داد. ۵- کفّه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. ۶- عیار معنویّت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه افزایش داد. ۷- ایستادگی در برابر مستکبران روز به روز بیشتر شد.
تفاوت چالشهای دیروز و امروز انقلاب با مستکبران
چالش آن روز بر سر کوتاه کردن دست عمّال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود؛ امروز چالش بر سرِ حضور ایران در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن نفوذ آمریکا از منطقه و حمایت از مجاهدان فلسطینی و دفاع از حزب‌الله و مقاومت است مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاحهای پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی فائق آید، امروز برای مقابله، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند.

ظرفیّتهای مهم کشور برای گام دوم انقلاب	
نیروی انسانی مستعد و کارآمد	**فرصتهای مادّی کشور**
۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی حدود ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی دوّم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی انبوه جوانان با روحیه‌ی انقلابی و آماده‌ی تلاش جهادی وجود جوانان محقّق مشغول به آفرینشهای علمی و فرهنگی و صنعتی و ...	۷ درصد ذخایر معدنی جهان باوجود یک درصد جمعیّت جهان منابع عظیم زیرزمینی موقعیت استثنائی جغرافیایی بازار بزرگ ملّی بازار بزرگ منطقه‌ای (۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیّت) سواحل دریایی طولانی حاصلخیزی زمین با محصولات متنوّع کشاورزی و باغی اقتصاد بزرگ و متنوع

توصیه‌هایی برای ایجاد تمدّن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمیٰ

۱. معنویّت و اخلاق:

وجود معنویت و اخلاق ، محیط زندگی را حتّی با کمبودهای مادّی، بهشت میسازد و نبودن آن حتّی با برخورداری مادّی، جهنّم می‌آفریند.

معنویّت یعنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکّل، ایمان در خود و جامعه.

اخلاق یعنی رعایت فضلیت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و ...

وظیفه حکومت‌ها برای رشد اخلاق و معنویّت:

۱- منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند.

۲- زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند.

۳- به نهادهای اجتماعی در این باره کمک برسانند.

۴- با کانونهای ضدّ معنویّت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند.

۵- با ابزارهای رسانه‌ای، برخورد هوشمندانه و مسئولانه کنند.

۲. علم و پژوهش:

دانش، وسیله‌ی عزّت و قدرت یک کشور است.
به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم.
هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قلّه‌ها دست یابیم.
با شتاب پیش میرویم ولی این شتاب باید سالها با شدّت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود.
این راه را با احساس مسئولیّت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید.

۳. اقتصاد:

اقتصاد، هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، امّا وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید.
چالش‌های اقتصاد کشور:
۱- چالش بیرونی: تحریم و وسوسه‌های دشمن
۲- چالش درونی: عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریّتی
(در صورت اصلاح مشکل درونی، چالش بیرونی کم‌اثر یا بی اثر خواهد شد)
مهمترین عیوب ساختاری:
۱- وابستگی اقتصاد به نفت
۲- دولتی بودن بخشهایی که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست
۳- نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیّت داخلی
۴- استفاده‌ی اندک از ظرفیّت نیروی انسانی کشور
۵- بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن
۶- عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد
۷- عدم رعایت اولویّتها
۸- وجود هزینه‌های زائد و مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی
مهمترین راه حل‌ها:
۱- درون‌زایی اقتصاد کشور
۲- مولّد شدن و دانش‌بنیان شدن
۳- مردمی کردن اقتصاد و تصدّیگری نکردن دولت
۴- برون‌گرایی با استفاده از ظرفیّتها
۵- سپردن کار به دست یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلّط بر دانسته‌های اقتصادی

۴. عدالت و مبارزه با فساد:

عدالت و مبارزه با فساد، لازم و ملزوم یکدیگرند.

دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند.

نسبت فساد در میان کارگزاران جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از حکومت‌ها بسی کمتر است، ولی حتّی آنچه هست غیرقابل قبول است.

آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است.

دلهای مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیّتها بتپد.

کسب ثروت مورد تشویق است، امّا تبعیض در توزیع منابع عمومی و ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی بشدّت ممنوع است.

غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، مورد قبول نیست.

۵. عزّت ملّی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن:

پدیده‌های جهانی که تحقّق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند:

۱- تحرّک جدید نهضت بیداری اسلامی براساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم

۲- شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه

۳- گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه

وظایف دولت جمهوری اسلامی:

۱- مرزبندی خود را با آمریکا و تعدادی از دولتهای اروپایی با دقّت حفظ کند.

۲- از ارزشهای انقلابی و ملّی، یک گام هم عقب‌نشینی نکند.

۳- از تهدیدهای آنان نهراسد.

۴- عزّت کشور و ملّت خود را در نظر داشته باشد.

۵- حکیمانه و مصلحت‌جویانه و از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند.

۶- در مورد آمریکا، حلّ هیچ مشکلی متصوّر نیست و مذاکره با آن جززیان مادّی و معنوی نخواهد داشت.

۶. استقلال و آزادی:
استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت از زورگویی سلطه‌گران جهان است؛ ولی نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود باشد.
آزادی اجتماعی به معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشـیدن برای افراد جامعه است؛ ولی نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی باشد.

۷. سبک زندگی:
تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی، زیانهای بی‌جبرانی به کشور و ملّت زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که چشم امید در آن، به جوانها است.

والسلام

منابع

قرآن کریم

۱ . **نهج البلاغه** ، ترجمه محمد دشتی

۲ . اسـکاچپول ، تدا ، **حکومت تحصیلدار و اسـلام شیعه در ایران** ، ترجمه محسن امین زاده ، معارف ، ۱۳۷۹

۳ . آل احمد جلال ، **در خدمت و خیانت روشنفکران** ، تهران ، رواق ، بی تا

۴ . ---------- ، **غرب زدگی** ، بی جا ، بی تا

۵ . بابی سعید ، **هراس بنیادین** ، ترجمه غلامرضا جمشیدی ها و موسی عنبری ، دانشگاه تهران

۶ . بریر،کلرو پیربلانشه ، **ایران : انقلاب به نام خدا** ، ترجمه صنعوی ، تهران ، سحاب ، ۱۳۵۸

۷ . پارسونز ، **غرور و سقوط** ، ترجمه پاشا شریفی ، تهران ، راه نو ، ۱۳۶۳

۸ . پهلوی محمد رضا ، **پاسخ به تاریخ** ، ترجمه حسینی ابوترابیان ، تهران ، زریاب ، ۱۳۷۱

۹ . حسینی خامنه ای سید علی ، (رهبر معظم انقلاب) Khamenei . Ir

۱۰ . راجی محمد حسین - **گام تمدن ساز**، قم ، معارف ، ۱۳۹۸

۱۱ . روحانی سید حمید ، **بررسی و تحلیل نهضت امام خمینی** ،قم ، اسلامی ، ۱۳۶۱

۱۲ . سولیوان ، **ماموریت در ایران** ، ترجمه محمود مشرقی ، تهران هفته ، ۱۳۶۱

۱۳ . شریعتی علی ، **مجموعه آثار ۲۶** ، تهران ، نیلوفر، بی تا

۱۴ .کرمی مهران ، **جنگ بی دود و تفنگ**، شهروند ، شماره ۹ ، ۱۳۸۶

۱۵ . مطهری مرتضی ، **پیرامون انقلاب اسلامی** ، قم ، اسلامی ، بی تا

۱۶ . محمدی منوچهر ، **انقلاب اسلامی : زمینه ها ، پیامدها و دستاوردها** ، سمت ، ۱۳۹۸
۱۷ . ---------- ، **انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با انقلاب های فرانسه** ، روسیه ، تهران ، ۱۳۸۴
۱۸ . ملکوتیان مصطفی و کیامرث جهانگیری ، **انقلاب اسلامی** ، قم ، نشر معارف ، ۱۳۹۷
۱۹ . معتضد خسرو ، **برگی از تاریخ** ، شبکه خبر صدا و سیما
۲۰ . موسوی خمینی (امام) سید روح اله ، **صحیفه نور** ، ۱۳۶۱ ، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۲۱ . ---------- ، **ولایت فقیه** (حکومت اسلامی) ، وزارت ارشاد اسلامی ، ۱۳۶۹